

انسانی بگوشت و در پیرایه سالی زبان نوسان صدای سخن از سر نو با هزار جوانی بپیل گشته بکلی حیرت و حیر
 آن شکر بر نیت و قیاری و دمانی زادی بودنی مصدری شود تا منور زمره ایستاد و کویا فیض سنا غرور ملازم کایا بی
 انما منبع کارانی غفلت گشته لحظه الطاف به پایان و محظوظ اطفال بید و بیکار گرد و این مهربانی غفلت خوانی
 تهنیت بر اعلیٰ موردی خود که حکمت طبعی و نبوت آشیای نرفته سرشته معنی بد آورده و لغو لغف سر قدی کردن
 بچران من و دامن گشته گریبان من و معلوم است که افشا بر طبع دوانع و ایست با نغز طبع و کتابت جنان
 است و بار از خواص اشیا و منوط باشد متنوع و جزو کلیت محتاج آید بر قیاس و ساه و ابر و نونی خرد و الامت
 متع اطماعات و نبات و فرنگ اشیاء و غرض است که این زبان دانی و نیشی فن جهت کثیر البصائر و تعمیل آن
 کمالات تا حقیقت است و دین مفرد که در کائنات شتی لغات میگردانی و تازی و عربی و اندلسی و عبری و سریانی و بربری
 ترکی و فارسی و هندی و سبک تمام این فیتا وانی نموده است و معطی مختلف را بوحیت معانی بنجید و الفبا شعرا
 بمعانی متنوعه التیام دان و انموذجی بصدق تالیف نموده سبی بالفبا الدویم که تاریخ انجام نگارش این تالیف
 شریف اگر اندیشه و لغت دار کتاب بوجود آورده است و این تاریخ و انبیه الفبا الدویم و به منقسم سانسیت بمقدمه و توبه و مقدمه
 شش است چنانکه فائده اول در بیان تعجم اعراب علامات آن فائده دوم در بیان علامات زبان پهلوی
 فائده سوم در تحقیق طبایع و درجات آن در علامتیکه منسوب است بان و در کتب ایزد و بطبع و در وقت فائده چهارم
 در بیان تفاوت و تمیز و فصل و بدل و اول و علامات آن به تخریج و ذکر الفاظ و بطریق ایش و بیان علامات آن
 خامنه در بیان ادویه شسته کثیر النفع که در کتب قدما کمتر است و در آنها چون پاد و هر و بیانی و در بیانی و در قوت
 و بنا گواید از قدیم رسان این فن است اگر بر سبوی خطای آگاهی یابند بقول انصاف اصلاح و انوار الله الکی فنی و کتب
 مقدمه مشکلمه چهار فائده فائده اول در بیان علامات تعجم اعراب و بینه نامه که در تحقیق اعراب کتب معانی الدویم
 این بولف اختیار تالیفی در سبک از با همی اشقات و کتب معتبره لغت تازی و فرنگیهای فارسی است که به پراش
 با دل میر و در ادب و حرف نخستین الفاظ است و از تالیفی حرف دوم که متصل به تحسین آه و نغمه کیسه به از غرور و کسور
 طبعی که بصورت کاف تازی است بر او و تهنیت اصناف مانند شجره می که به بر او و به موحده نشان حرف است و فوقانی نشان
 حرف تا و مثلثه ایست بر او و او معروض و مانند و او یکد که در کتب عربی و کتب سکون داد نوشته شده اراده و او معروض و
 و او حوال مانند و او یکد در دوغ و شکر و او واحد و او یکد که در کتب عربی و کتب سکون داد نوشته شده اراده و او معروض و
 و تملاتی عبارت از این است و تملاتی معروض و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون

تاریخ و اعراب از تصنیف و تالیف و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون و تملاتی سکون

و عصاره برگ ابراقه تلخ و دوسه ساقه قوتیا تخم انجرو و ورقه او ترس تلخ جادوس جمع اجزاء در سرخ و قلع الفلح ملین
صنوبر در ری عصاره زیتون سوسن قشور و زرد حق کثیر الحبه العنبر لسان الحمل طریب یعنی در دره و در اول برگ
بنفشه تمغن صندل شعلب قوچ زعفران گل عصاره سوسن فطر کا هو لسان الشور در دره دوم فطر کا بنفشه انمقا
بلبلع سمرق طلب فرغ شمش ادویه رطوبت ماکل افاقیا انزرت بر زرقو نار سیاندار و فقله انمقا بنفشه یار بر بنفشه
خاک شمش ابن زلب الامورین رطوبت سمرق شوکران شیره جوز حلق فطر قاربتانی لکدو کا هو لسان الحمل مایست
شمش درق علیق سیاه در کما سوسنی اصل فنی بر سیانوشان با آله ایضاً حب صنوبر خریزه حصیده الشعلب زیت
عذبه زیتون شمش شمع شجر مصطکی ملین طوس شاموس عدس فاو اینا عصاره سوسن فاشرا قشور ازج در سوسن هیون
سیاه در ری خوشی اصل بل حب صنوبر حصیده الشعلب بیت مخدیه مخدیه یعنی ادویه که بخوابانند جن حرکت را امینون استنبه
اصل اللعلع از اراقی اصل الذرت تیج موطر حلقی تیج تخم برگ کبابو جوز فاضل سراج الفطر شمشینی شوکران قفس کبج
کندر لبس انجیل رنگه حلقی بهر ج از ضم مسهلات صفر ابا صا منستین بنفشه خشک کمر بنفشه زنجبین خیاشنبه
سرمو یا شنبه فیض شمش صبر کسرخ بلبلاب نازیون بلبله زرد مسهلات بلغم سفاج تر بر جبال نیل در ج
زیتون تخم حطل غاریقون قطریون قنار الحار آینه بهرج باهودانه مسهلات اسودا الفیتون آله اسطوخودوس
بالکوب سفاج جولا زرد ستا غاریقون کشت بلبله کابی مقیات یعنی ادویه فی آرزده آب که دوسه تلخ
پوست تخم خریزه تخم ترب برگ آن تخم شبت تخم جرجیر تخم نازیون خربق کبجین کند زدن گذش لوبیا سمرخ
موزج مار کسل نلک هند می مفتحات یعنی ادویه که سده بکشاید و خزانیه استین اسطوخودوس الفیتون ایرسا
ترس جکیاناما حاشا حلال واپسینی رازیانه زیره زعفران زرد و زنباره صندل عصاره غاریقون فاو اینا فاسیدین
قطریون زردمانا کرس کبابه کرسه کشت در زرخش ناخواه هیون بلطافات یعنی ادویه که لطیف و لطیفه
اصل غیل اسطوخودوس قحوان انجرو آذخرایا بوره بابونه بونه جندبید سمرخده حاضر حب التبان حرف حاشا حلال
خردل واپسینی زردمانا کرس زردمانا کرسه کرسه کشت عا و و فانیات حرکم قردمانا کادریوس شکل اسطوخودوس
ناخواه قرح در است یعنی ادویه که اوزار بول میخیزد عرق کسل ابل اقحوان اینستون انجرو آن بر جاسف بابونه بر یادان
ترمس تخم که جندبید سمرخده سده کادونا زردمانا کرسه کرسه کشت عا و و فانیات حاشا حلال واپسینی زردمانا کرسه کرسه کشت
فاسیدین زردمانا کرسه کرسه کشت عا و و فانیات حاشا حلال واپسینی زردمانا کرسه کرسه کشت عا و و فانیات حاشا حلال
که رنگ بزرگ آسار و کبابه بر سیاه و شان بادام تلخ تخم خریزه خشک سراج الیود و رازیانه متحد کبجین صندل

آنکه خود بسیار قابضات یعنی او یک طبیعت را بدیند و از آن در هر پنج بلوط جسد بالکلیه بازنگاشتم بنام سمر
 تم کل جوز سرد و دم الاغین ز حر و ساق طباشیر طین مخموم حدس کمر اکندر کردا گارس مصطکی کور و نادر
 نشانه بنی محمد درق در محملات یعنی نادویه غلظ و صلابت بکلیل سیرد اکلیل الملک لائق مقبل او در
 اسار و انجوان ریشادشان با بوند بر جانت با قلا بوند تر مس جبهه با ویشتر کما خنر زهر خنجر خنجر ردها ترنگ
 زنت زرد و بند شش صمغ تلح قار قناده کما در بوس نکاه کبر لادن تمام مرز خویش منصفیات یعنی او دویه که او را
 و صلابت انفع و بند اکلیل الملک ایرسا انجیر بزرگ خنجران صمغ کبک کرب لادن بریده سوم در رنگ
 منشیات یعنی او دویه که نوع و ریشکند و تخمیل بر و انیسون انیسون بسیار پیچشکست تخم کبریا و شیر کما در لادن
 زرد و تخمیل زرد و زرد سیاب صد مقطر لعل فردا کما کندر کرس ناخواه مقویان داغ آلیخ الفه صان بلادر
 بدین با قلا و بر آید و سبب بیمار او و دماغ حیوانات روغن بهر زنجبیل سبب سبب شربت نانچ خود خنجر
 ناله ز لعل کندر کلسر تخم کمر در تخم دجاج تخم و راج لبن منان مار لاور و مشک کسرین با همین نهویات دل
 و مغزات آن مبر و دما و شیرین اسطوخودوس ابر تیم آکله بهنشین بصلانچ پست ترنج ریاس سبب با بنگو
 با درج تر جمندی جبهه و در اجینی در پنج زربا و زعفران سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 طین مخموم خود طبر زنجبیل کما و دما قناده کبریا کافور کافور کافور کافور کافور کافور کافور کافور کافور
 مار مشک قناده کافور درق نفوذ درق زرد بلبله با قوت مقویات کبریا جلا نشانه غلظت طیب تمام او در دماغ
 دار چینی قناده قناده قناده کلسر خنجر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر
 جوز لادن آجینی زربا و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 شکر بلبله بهنشینات اکندر انجیر طب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 حلیت غلظت خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران خنجران
 کفر کلسر لوبیا سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 که در دماغ اسکن کند انیسون اسفیداج پیو بطنج بیرون تورک سفید تخم مرغ صمغ عربی کثیر افشانه سبب سبب
 یعنی و دایکده خوا باند و جیس ساز و دماغ انجوان اسفیداج کما در عرقان شفا لائق شربت شامه سمر کما در عرقان
 قاطع ادیکه لادن لادن و اذان یعنی او دویه که کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر
 و نفث الیم و سهال الیم یعنی او دویه که کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر کلسر

بزربانج هم کل جز سر و حلقه دم الاوین ریون ز زرشک زیره شادونه قنطاریون گل ارمنی کشمش کبریا کاهو
 کاهو کشمش گلستان اسکل مشکلی از دندنج نشانه مقرحات یعنی اودیه که عضو ریش کند و سوراخ ریش که است
 حرف و زایج ران زربنج زراج سداب سداب و مابون زربون قسط قنطاریون سبز کین سوج و طایلات قروح یعنی ادره
 که فراخم اردر جراحات را اتمد از زروت اسرخ ایر ساد و الاوین زرد اوند زرد و سبز قمع آلو طین قنطاریون گلستان
 لسان الحمل ورق بلوط جلیات اوساخ قروح یعنی اودیه که پاک سازنده چرک و جراحات است اهل الکاهمه ایرا
 حب لبان زربنج زفت مثل نمک اکال گوشت زانده قروح یعنی خورنده و برنده زیاد و کم است جراحات
 از زروت اشنان تو بال مس زنگار مدف سوخته مردارید سنگ یا بسات قروح یعنی اودیه که خشک سازد
 جراحات را از زروت آشفته خرمای سوخته آهک شسته قوتیا متبر مدف سوخته اودیه فغصع اللسان یعنی دوی
 قلع گوشت زانده یعنی غده که در زیر زبان بجم سد و گمای زیر زبان را سبز گرداند پوست انار زنگار زاک و
 با سبیده پیینه مرغ شسته سورتجان و سرکه نمک و نوشادر و قنطاریون و پیینه آبی و سیتب بریان کرده آب آبی
 ترش آب سیب کوهی اقرا اصل الطین اقرا اصل الکندر اقرا اصل مور و اقرا اصل راس اقرا اصل سوجب اکرامان شرباب
 مسدل گلاب هم مورد و گلاب اللہ اعلم فائده چهارم در بیان مختار و شربت و معالج و بدل اودیه و علامت آن
 مختار عبارت از اجناس هر دو است که هواره در هر افرستعلی ابل است معرا و شربت تین مقدار خردن هر دو
 و استعمال آن و آن موقوف است بدستن اوزان چند شمرده مثلا مطابق سائله اوزان میر محمد من استرادی مثلا حب
 کجوبیا تسود و جویانه قیر اطا چار و جوی کجی که بغاری سرخ و بند ری گویند سه جویا که عبارت از شربت بیخ باشد
 ماشه شربت تل و زده ماشه مالک چار ماشه مالک وانی چار سرخ و سد سرخ و در هر دو سه شویا که شربت
 چار ساد و نیم سرخ و سار و سریشای کینم تولد و دو ساد و قویه و قویه شربت و نیم شقال رطل بخور اوی نوزده سریشای
 چهل سار است معالج و در یک نفر دوی دیگر دوازده و بدل آنکه هرگاه در نوزده وانی دیگر قائم مقام آن میدانند و قول
 کلی در بدل آنست که اگر دوی یافته نشود بدل هر دو بوزن آن پنج و سه بود و بدل ورق و دانه نسیان نیم او
 باشد پس از مختار و از شربت شعل و از معالج و از بدل لثت نمود و پیچید و در کافور اطا و دویه بدانکه اسامی اودیه را
 بترتیب ابیات شعلات بعد است ترقیم که ازان حرف نخستین را دست و تنسيق که اشارت بحرف ثانی که
 متفصل به نخستین است و تنسيق که ایما از حرف اخیر کلمه است مرتسم که دانیده عبارات کشمش را
 با اشارات فلیس زنبور کشته مسافت و در و از را بر جویندگان و سالکان این را کو تا دست

بیان اوزان که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب اوزان که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب اوزان که در این کتاب مذکور است

ترجمہ التعمیر تنسيق الالف وتنسيق السين المهملة
الاعمال - وتنسيق اوسرى و بربرى الفتح هذا الاصل غنى و
سكون را را موله و كسرتين حجرة و سكون تحتاني برين مطبوعه
سوفى و غزوفت نرسنگ طارح ۲۱۶۱ -

تنبيه اللام

آٹھ میل یونانی مفتوحہ جزو اول و ثانی و کسطلہ معلومہ
سکون تختائی و لام اول و الف و لام ثانی و قبول علامہ
غلب الین شیرازی بروزن افعیال و دروغ دیگر بروزن
امیال مآثر و معجزاتیا طین و درخام ریل الغراب
ویند تخم افعال غلیل گویند کا بھگی وستی ہیں ست
رح اسے ۴ مختار حکما تخم و سست۔

تتميز الفنون

البین - بر وزن فاعلین فاسپند سوسختی -
تنسیق الباء الموحده و تنقیق الالف
بر کما کیا الفتح همزه و باکو عدد و سکون را همزه و کاف الف و کسر
ثانی و حتمانی و الف ثانی و یحیی و ماخیز موحده نیز می آرند
الساکت و شیرازی گفته گویند که وندیده عکس است هرگز
و اسمی - ابن الماریح ف مرغابی -

یونانی پنج اول و نیم سوره و سکون و او فتح مازیم
 فی اللام سین جمله و الف خفا شکار و پرچو ط ح
 خ سیاه و سیاه ورق مطهر رخ نش تاد و دم فر دامن
 آت و صلح آن در غن بنفشه بدل آن لاجورد و چهل
 نیم وزن آن عا شاد و دو انگ آن تخم سمرقند

[illegible]

در طبع مجامی ابرو سبب خروج خ سیا و بر سبب روق و گویند
سرخ زردین ش اند و در دم تاسه درم و گویند شغال
عروق با قوت جان یا با ما یا با نیر ابریس ل و با سبب و با وزن آن
سیله و گویند وزن و در صحنی گویند که وزن اولی و ثانی و سکنج
تحتانی و فتح نون و با و مفتی و غیشیه و کایج -
ابن حبه - ع بکسر اول و سکون ثانی و درم نون و فتح حاء
مهل و موده شده و با ف نان -

در طبع مجامی ابرو سبب خروج خ سیا و بر سبب روق و گویند
سرخ زردین ش اند و در دم تاسه درم و گویند شغال
عروق با قوت جان یا با ما یا با نیر ابریس ل و با سبب و با وزن آن
سیله و گویند وزن و در صحنی گویند که وزن اولی و ثانی و سکنج

تتمیق السیم

ابن سیم - ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء و سکون تحتانی
و ضم سین که موده سکون سیم و ابریم شین سیمه و با ط طبع
ح ب کوبیدج ی او گویند ح را تنوی و مفعول اول اعمده وزن
و بفتح ح پاک معروض ش و دوا فنی یکایک معروض آن بیا ترح
البحرین او سبیل و نصف وزن او پوست آترج -

تتمیق النون

آبرون - بمداول یه بریز و سکون ثانی و ضم ناء و مهله و
سکون واه و نون ع سه العالم -
آبگون - ف ب بر اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی
و سکون واه و نون ح نشاسته و گینول کا بهیر -

تتمیق الواو

آبوف بمداول و ضم ثانی و سکون واه و م کل نیکو فر
آن و طم و شفت و منن آنی و تیر سبب و ح ف تیر بوب -

تتمیق الهمام

ابر الیقطه - ع بفتح اول و سکون ثانی و زاء و طه و الف و ضم
راء و طه ثانی و سکون لام و ضم تاء و طه و ضم هاء و ضم
ا بر و ف بضم اول و سکون ثانی و فتح راء و طه و الف و هاء و م
خرد حاسته ع خیاضی و تیر کی تو غدر سه -
ابن حبه نزع بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء و طه و ح و سکون

تتمیق التتانی

ابن آدمی - ع بکسر نزه و سکون ثانی و کسوف و نزه
و الف و دوا و الف مقصوده و شغال -

آبی - ف بمداول و کسوف ثانی و سکون تحتانی و ضم نزه
بسی و نام نوی از انگو ط شیرین آن مع ح ب رایش
آبیای تاسی درم عسل و انیسون -

تتمیق السوده فارسی و تتمیق اللام

ایل - ف بفتح اول و موده فارسی و سکون لام ع
طریقت طب می سه تالین و مقوی کبده و موده و ض
در باب ریه شکرش تا دو درم ل ثلث وزن آن غصص و کدو
آن و طم و شفت و منن آنی و تیر سبب و ح ف تیر بوب -

تتمیق النون

ایسان - ف بفتح اول و سکون ثانی و نای با سین مکله
و الف و نون ح سنگ نسان ع تیس هسان -
آمیون - ف بفتح اول و سکون ثانی و نای و ضم ثانی و سکون واه
و نون ح امیرین طب هم و گویند هادی و ح ف تیر بوب -

از رخن او بختی مال من روغن بنفشه شل خرف -	تمیق الحمار الحمر و تمیق الشار الفوقانی
تمیق الصناد المسله	اخروث و بلیغ اول و سکون بخار و جرم را مصلو سکون دار و فزقانی ع جوزف چار من و دگر دکان -
اجانس ع بکسر اول و فتح تانی شده و الف و باد مصله	تمیق الرار المسله
فت آمو و آرد و طب بر قی لین و سهیل و فراخ سیده	تمیق التبرع ع بلیغ اول و کسر تانی با شین و جرم شده و الف و فزقانی
بزرگ شین ش بازده دانه من گلبین جیلان غاب یا سندی	سکون لایق و جرمه و دکان و سکون را مصلو فزقانی و کسر تانی
تمیق النون	اجانس ع بلیغ اول و سکون تانی و دکان و الف و کسر تانی
اجانس ع بلیغ اول و سکون تانی و دکان و الف و کسر تانی	تمیق الحسین المسله
و سکون نون ف ناخته و طبع می تنق جفت محل راج	تمیق السکون ع بلیغ اول و کسر تانی و سکون تانی و فزقانی و دکان و دگر
و لین و نس کشنده و ترس ش تا سه درم ل شونیز	ف خرمیده سالیج بنانی سیاه پخته شل کنول در سال با سار وید -
تمیق البسار	تمیق اللام المسله
اجره و بلیغ اول و سکون تانی و فزقانی و دکان و دگر و جرمه	اخروث بکسر اول و سکون تانی و کسر تانی و سکون تانی و دکان
تمیق التختانی	مصله آخروم و زایسون ف گندمای بری و بن کالینا -
اجانس خراسانی و ع بزر البلیغ -	تمیق اللام
تمیق الحمار المسله و تمیق اللات	اجانس ع بلیغ اول و سکون تانی و فتح تانی و سکون تانی و فزقانی
اعطب و بار روی بکسر اول و سکون حار مصله و فتح لام	و آن و کسر تانی و دکان و سکون تانی و فزقانی و دکان و دگر و جرمه
و سکون سومه و کسر اول مصله و فتح تانی و الف و درام شرم	تمیق ایسر
تمیق الصناد المسله	اخروث ع بلیغ اول و سکون تانی و فتح تانی و جرمه و سکون تانی و فزقانی
احریق ع بکسر اول و سکون تانی و کسر تانی و سکون تانی	تمیق النون
تختانی و بلیغ اول و سکون تانی و کسر تانی و سکون تانی	اجانس ع بلیغ اول و سکون تانی و فتح تانی و سکون تانی و فزقانی
تمیق التختانی	تمیق البسار
امراق المریض ع بکسر اول و سکون تانی و دکان و الف و	اخروث ع بلیغ اول و سکون تانی و کسر تانی و سکون تانی و فزقانی
و فزقانی و سکون لام و فتح تانی و درام و فزقانی و الف و	ف بلیغ اول و سکون تانی و کسر تانی و سکون تانی و فزقانی
ف بابونه گا و جرمه طح ۳ می ۲ -	

تمیق السار	تمیق السار	ف با دام کوهی و جنگلی با دام
اراده - روی بفتح اول و کسره و الف با هم مسکون ار حقیقه - بفتح اول سکون ثانی و کسره و سکون ثانی کسر رفع نون و او با جقمق و نجا سحر و فانی گویند فانی زده اکبر ار زه و ف بفتح اول سکون ثانی و فتح زار سحر و فانی م زفت آن خیز نیست شبیه قطران که از دخت منبر تازه ماصل شود و منبر آنست که بر نهد -	ار رجوان - بفتح اول سکون ثانی و فتح سحر و او و الف و هو بنابر فتح ست ف ارغوان طلب می - ار و شیران - بفتح اول سکون ثانی و فتح و ال مملک کسره شین سحر و تختانی بجز ال را جمله و الف و نون ف لغو از او ار زن ف بفتح اول سکون ثانی و فتح زار سحر و سکون نون نام است ع ذن ه چینه و زار فارسی م خست با فتح کوهی -	ار ساقیون - یونانی بفتح اول سکون ثانی و فتح سین مملک الف و کسرون سکون تختانی و فتح قاف و سکون و او و نون ثانی ف ز فتح زده ه طرال -
تمیق التختانی	تمیق التختانی	تمیق التختانی
ار و تختانی یونانی بکسر اول و فتح ثانی و سکون و ال مملک و فتح نا و نون و الف و کسرون ثانی و سکون تختانی ع قار کار - ار طری روی بفتح اول سکون ثانی و کسره طار مملک و سکون تختانی ف دخت و زک م سپیدا - ار غاسونی - بفتح اول سکون ثانی و فتح سحر و الف و فتح سحر و سکون تختانی و کسرون و سکون تختانی ثانییت در شکل باز خاش بکری و بلون باشتاقین النعمان چنانچه فرست در میان این و مشتاقین توان کرد و امیشای سحر و طب می ار شب بکرمی ع حیوان است در بانی صدفی شکل و از سموات است ه سمندر کاسیا -	ار سلیقون - بفتح اول سکون ثانی و فتح سین مملک و کسره نام و سکون تختانی و فتح قاف و او و نون هم ار ساقیون - ار طران بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف و الف و نون ف حله ار ساقیون - بفتح اول سکون ثانی و فتح و الف و کسرون سکون تختانی و فتح قاف و سکون و او و نون ثانی ع زار البیج - ار منین - روی بفتح اول سکون ثانی و فتح سحر و سکون و سکون تختانی و نون ثانی و فتح فانی و جنگلی انار - ار سان بفتح اول سکون و او و کسره بفتح تختانی و الف و نون ف تمیق الواو	ار و - بفتح اول سکون ثانی و فتح و او و سکون او و ام و او ار و شیران - بفتح اول سکون ثانی و فتح و ال مملک و کسرون سحر و تختانی و سکون را جمله و ال مملک ثانی و الف و او و جمله ثالث و دا و ف نوسه از او و فتح -

ف با دام کوهی و جنگلی با دام
ار رجوان - بفتح اول سکون ثانی و فتح سحر و او و الف
و هو بنابر فتح ست ف ارغوان طلب می -
ار و شیران - بفتح اول سکون ثانی و فتح و ال مملک کسره
شین سحر و تختانی بجز ال را جمله و الف و نون ف لغو از او
ار زن ف بفتح اول سکون ثانی و فتح زار سحر و سکون نون
نام است ع ذن ه چینه و زار فارسی م خست با فتح کوهی -
ار ساقیون - یونانی بفتح اول سکون ثانی و فتح سین مملک
الف و کسرون سکون تختانی و فتح قاف و سکون و او و نون
ثانی ف ز فتح زده ه طرال -
ار سلیقون - بفتح اول سکون ثانی و فتح سین مملک و کسره نام
و سکون تختانی و فتح قاف و او و نون هم ار ساقیون -
ار طران بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف و الف و نون ف حله
ار ساقیون - بفتح اول سکون ثانی و فتح و الف و کسرون سکون
تختانی و فتح قاف و سکون و او و نون ثانی ع زار البیج -
ار منین - روی بفتح اول سکون ثانی و فتح سحر و سکون
و سکون تختانی و نون ثانی و فتح فانی و جنگلی انار -
ار سان بفتح اول سکون و او و کسره بفتح تختانی و الف و نون ف
تمیق الواو

تانی از جگر یا جیم فایسماخ و سال پاک ط ب	تتمیق الفوقانی
ارگویند مع ح ب ق بلین ش بقصد جت ص لفل و واریتی و آبکار لی کند و یا بقله میانی	اسفنج لست اول و سکون ثانی و کسر وده فارسی سکون سین فله ثانی و فوقانی ع نصفه م رطوبت
ارگویند مع ح ب ق بلین ش بقصد جت ص مطلو دالغ و کسر لام و سکون فایسماخ و سال پاک	تتمیق الجیسر
تتمیق الدال المله	اسفنج بکسر اول و سکون ثانی اول و سکون ثانی جیم گیاهت ع حینه انیس ط ب حاق مابین م و برل
استخوان سندی فایسماخ اول و سکون ثانی و فایسماخ و سال پاک سج و و او و دالغ و سکون فون و فتح و رطوبت و سکون	اسفنج ع کسر اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون فون در جیم سرج و شکوف زاول و بند و ریند و رطوب
فون ثانی و دال ممله ع هلسه استخوان کسند و کسر اول و سکون ثانی و فایسماخ و سال پاک	ای ۲ ق جفخ بیاض سرخ ص اسفید بابات ال اسفیداج بامر دانگ
انما را و سکون و او و لام فون فایسماخ و سال پاک و سکون وال الفیاض و کرام کند	اسفنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون فون جیم فایسماخ اسفنج کسر اول و سکون ثانی و فتح فایسماخ و سکون فون جیم فایسماخ
اسفنج ع فتح اول و سکون دال ف شیره باگه اسفرو و ف کسر اول و سکون ثانی و فتح فایسماخ و سال پاک	زورده و ابر کس و گویند حیوان و دانی است بدان سبب که چون دست بر دهنی خود را و کند و قیقه میزد و آب و سر
و او و فون فایسماخ و سکون فون و فتح فایسماخ و سال پاک بلند باشد مثل شاخ ع قلاه	بر اصل باز زده و او با دال ط ح ای ۲ ق و جفخ و جلجلی خ تازه ش کیر م ص سبب جیم یا نایل قرطاس سوخته
اسفند سفید م خول سفید تخم سینه و اسفند سفید حاق فایسماخ تتمیق الزا یا المله	اسفیداج ع کسر اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون فون جیم فایسماخ دال ممله دالغ جیم فایسماخ کسر اول و سکون فون جیم فایسماخ
استرارف کسر اول و سکون ثانی و فتح فایسماخ و سال پاک دالغ و او و دالغ ثانی ع عدس	ط ب می اگویند م ق جفخ و سکون و جاع خ پاک سفید و شویص از سفید و صاف و قند و صمغ عربی و
اسفند سفید م خول سفید تخم سینه و اسفند سفید حاق فایسماخ رام ممله م خول سفید تخم سینه و اسفند سفید حاق فایسماخ	تتمیق الخا و الجیمه
استخوان کسند و کسر اول و سکون ثانی و فتح فایسماخ و سال پاک	اسفنداج ع کسر اول و سکون ثانی و دالغ و فون و دالغ

نوم و نوتان ثانی و سکون و او و با جمله مستقر ف
 ریگ های و رنگ و شی و ریت مجلی
 آسمان رف بر اول و فتح نیز سکون ثانی و نیم و انش
 و را جمله درخت مورد
 اسمن در سف بفتح اول و سکون ثانی و فتح نیم و سکون
 نون و فتح دال و در انستین م سمنده آگ کا کیرا
 اسیر سیم اول و کسر ثانی و سکون ثانی و در انعرف
 کاخ ه کا نذل طب ا

تتمین السین المله

آس ح بر اول و سکون سین جمله ف نام و رخت مورد
 که از اسار گویند و نیز از احب الاس گویند و سگوده آن شیخ
 شود و بر کس که از او بود و خطاب کند علم گردد
 اسپسوس ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موده ناری
 و نوتان ثانی و سکون و او و بر قطونام بگوه اسپغول
 استقلس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح نوتانی و سکون
 را بر اول و فتح لام قفر السیو چیز است چون موسیائی

اسطرطوس یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح فاعله
 سکون اول و نیم و انش و فاعله ثانی و سکون و او ف اسپند
 اسطوخودوس بر نیم اول و سکون ثانی و فتح طابیده
 و سکون و او و نیم خا بر و سکون و او و نیم دال و سکون و او
 نالت از بیره و خا و خیز و موقوفه الارواح نیز گویند
 شاهسفر رمی و معاد گویند شدی طح ای افاق للفت
 فتح و سبیل و او و قوی و سفر اول خ تا و فتح ثانی بنی تلخ

خرف ش از جرم و او و درم تا سه درم و در مطبخ و انستین
 ص صغ غبی یا کیر او گویند و اما یا بار و یا کنجین و کوسل
 و اسپون یا بر و یا انیسون نصف وزن و نیمون با در نجویه
 اسپسوس بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاقیم ثانی و سکون
 و او و سین مملیه یا سیم سیم و بر قطوناف بگوه اسپغول
 استقاقس بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف و کسر ثانی
 ثانی و سین جمله ف نزع از اکیل الملک طارح ی ۳
 استقوریوس یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون
 و او و سراسر و سکون ثانی و فتح دال و سکون و او و ثانی و فتح
 استقلوس یونانی بنیم اول و سکون ثانی و قاف و سکون
 و او و نیم لام و سکون و او و ثانی و فتح ستم غنی ف گیاه
 سیر شیمه سریش کا گشاس ح ی
 اسپسوس بنیم اول و سکون ثانی و فتح ثانی و سکون و او
 و سین مملیه ثانی و سکون که زود رینا شود و از و زنا ملک بر
 می بندد و از اسیر و اسوس نیز خوانند و ملک سیم و حین طارح ی

تتمین الفضا و الجمعه

اسد الارض ح بفتح اول و ثانی و فتح دال و سکون لام
 فتح و نوتانی و سکون و او و فاعله و انش ح ر با ف
 و سکون و او و فاعله و سکون و او و فاعله و سکون و او

تتمین الکاف

اسیرک ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موده ناری
 معاد و سکون کاف ح اکیل الملک و از زیر
 استخوان رنگ ف بنیم اول و سکون ثانی و فتح نوتانی

زنا حرام را و او مسدود الف و سکون نون فتح را و نون و نون
نماند و کات هم باشد -

تمیز الکاف الفارسی

استر تکیه اول سکون ثانی فتح و ثانی اول و نون سکون نون
بکافی فارسی ع بر ج قصه درم گاه گفته اند کعبه -

تمیز اللام

ا ب خ ج ک ب کسر اول سکون ثانی فتح و نون فارسی
و نون فارسی و سکون و او و لام هم بخیال برغان -

اسفیل ج ع کسر اول سکون ثانی کسر قاف و سکون نون
و لام فای فارسی که کوئی کانه و طح می و گویند ا ق

متعلق محمل مفرح مشوی ش یک متعال
ص ما یا شیر تانه که تیش فیضندل بلپوس یا استوید

یا و ف یا و نایا ج یا پنج کبر -

تمیز المیسر

اسپر عم و اسپر هم ف کسر اول سکون ثانی فتح و نون
فارسی و سکون و نون فتح نین و اسپر هم ف کسر اول سکون

ثانی فتح و نون فارسی و سکون و نون سکون نون و نون
هم ف کسر اول سکون ثانی فتح و نون و سکون نون

تمیز النون

اسار دین ج فتح اول ثانی الف و نون و نون سکون و او
ج گایا ج و نون طح می و طح متعلق محمل منتخ

نوشته و نون میان بار یک و نون ش نین و نون متعال ص
موزین یا قتل ل مکنیز و نون ج یا شش یک و نون آن لاما

یا و نایا ج بلسان یا نین و نون و نون یا نین و نون
و گویند سیخ و نون نایا ج -

اسن ف فتح اول سکون ثانی و نون و نون و نون
اسران ف فتح اول سکون ثانی و نون و نون و نون

اسفیلین و سفینین و نایا ج کسر اول سکون نون
فتح طار و نون و سکون نون و سکون نون و نون

و کسر نون و سکون نون و نون ثانی و نون و نون
اسفیل ج کعبه حسین ج کسر اول سکون نون و

کسر نون و سکون نون و نون و نون و نون و نون
فتح نون و نون و نون و نون و نون و نون

سکون نون و نون و نون و نون و نون و نون
اسفیلین و نون اول سکون ثانی و نون و نون و نون

و او و نون و نون و نون و نون و نون و نون

استور و یون - یون ثانی و نون اول سکون ثانی و نون
قاف و سکون و او و نون و نون و نون و نون و نون

سکون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
و نون و نون و نون و نون و نون و نون

استور و یون و نون و نون و نون و نون و نون
و سکون و نون و نون و نون و نون و نون

استور و یون و نون و نون و نون و نون و نون
و سکون و نون و نون و نون و نون و نون

و نون و نون و نون و نون و نون و نون
و نون و نون و نون و نون و نون و نون

و نون و نون و نون و نون و نون و نون
و نون و نون و نون و نون و نون و نون

و نون

<p>تتميق الشين المعجمه وتتميق الالف</p>	<p>استقيد وليون - يوناني بضم اول وسكون ثانی وکشف</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وفتح فوقانی ودرار مطلک کاف والفت ح عتقا که جانوریت معروف -</p>	<p>وسكون تحتانی وضم وال وسكون واو وکسر لام وضم تحتانی و سكون واو ثانی وضم م کالج ف عروسک پس پرده -</p>
<p>اشترک - ک ی ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون را وطلک کسر کاف فارسی یا تحتانی والفت م شتر خار -</p>	<p>تتميق الباء</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون</p>	<p>آس بنگه - ع بر اول وکسر ثانی و موحده وسكون اول فتح کاف وضم و ف مور و ط ب امی ۲ گویند س قاض و تقوی مل خ ح سرة الی تیز بوش از تخم او یکشتال صن غشته تازه ویتلو فور و غن آه سال ورق قوت یا عصاره زرشک با گل خا -</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وفتح فوقانی والفت ثانی و کسر فایم والفت ثالث وسكون تحتانی یا شکسته م عصاره ایستاد ب ی ل در طلا کردن بوش مسبقی یا جنف</p>	<p>استه ف بضم اول وسكون ثانی وفتح فوقانی وضم م میده باوشت ایسته ف بضم اول وسكون ثانی وکسر فوقانی وکون تحتانی فتح نون و م و فتحی م تخم مرغ -</p>
<p>تتميق الدال المهملة</p>	<p>استه ف بضم اول وسكون ثانی وکسر فوقانی وکون تحتانی فتح نون و م و فتحی م تخم مرغ -</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وفتح فوقانی والفت و کسر زایم و دال المهملة والفت وضم م میده وکون واد دال مطلک ثانی م زو فوار خشک -</p>	<p>استه ف بضم اول وسكون ثانی وکسر فوقانی وکون تحتانی فتح نون و م و فتحی م تخم مرغ -</p>
<p>تتميق الراء المهملة</p>	<p>استه ف بضم اول وسكون ثانی وکسر فوقانی وکون تحتانی فتح نون و م و فتحی م تخم مرغ -</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون را وطلک با خا بجمه والفت ورا وطلک ثانی م شتر خار هجائمه - اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون و شین عجمه والفت ورا وطلک ثانی وضم فوقانی وکون طرح می گویند بلخ روی ص سرکه لی انجدان -</p>	<p>استه ف بضم اول وسكون ثانی وکسر فوقانی وکون تحتانی فتح نون و م و فتحی م تخم مرغ -</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون را وطلک با خا بجمه والفت ورا وطلک ثانی م شتر خار هجائمه - اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون و شین عجمه والفت ورا وطلک ثانی وضم فوقانی وکون طرح می گویند بلخ روی ص سرکه لی انجدان -</p>	<p>تتميق التحتانی</p>
<p>اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون را وطلک با خا بجمه والفت ورا وطلک ثانی م شتر خار هجائمه - اشترک - ف بضم اول وسكون ثانی وضم فوقانی وکون و شین عجمه والفت ورا وطلک ثانی وضم فوقانی وکون طرح می گویند بلخ روی ص سرکه لی انجدان -</p>	<p>آس بری ع بر اول وکسر ثانی وفتح موحده وکسر زایم یکون تحتانی ف مور و اسفم -</p>

از آنکه قابض رخ سفید خوشبوی اسهاری و در وقت افتن باب
زرم کرده بکوبند تا کوفته گردد و شش یکدم تمام داد و دم و گویند
چند مرتبه اینسون ل فرومانایا از خریاسنبیل --

اشیئہ۔ فساد اول و کسرتانی بکون چھائی منہ نون م اسینہ۔

تنسيق الصادق عليه وسلم وتنسيق الالف

اسم الحزب ثانیاً فیفتح اول سکون ما ومله وضم لام سکون
 وفتح عین جمله و سکون را از جمله و فتح ط از جمله و کسر فون
 سکون تنحالی و مشکته والفتح کجور مریم فیه اذ یرو-

الف بیج کاسنی و کاسنی کی جڑ۔

تنسيق الموحد	
--------------	--

صل الغرب ع پنج اول وسكون ثانی قوس لام وسكون لام
فتح غین بجمه وسكون راء ممله وموحده ف
فتح غرب طرح می ۲-

مسئلہ الفصیب مع الفتح قاف و صا و ہلم و سکون مریدہ
فہم مخزنہ و سر کندہ کی جڑ طرح می ۲۔

تمهيق الفوقاني

سابع الفتيات مع بنته اول وسكون ثانی والف وسكون
 وحده وفتح عين مظه وسكون لام وفتح فاء وسكون فاء وفتح
 ثانی والف وفتح فاء ثانی الف انكسرت كذا كان وآن ونشك

تین بنی بالنگوی خروہ تلمی۔
مصل الذرت مع بفتح اول مسکون ثانی و ثلث لم و ذوال

سبحه میشود و فتح را بر علیه میشود و سکون تا رفوقانی ف
فتح علیه جوارط با ی قی مخدر -

تتمتع

اصل الرزیا نوح - ع بر امره شد و الف و ذ را میجو و محتانی
و الف ثمانی و فتح نون و سکون حیم فتح یاء یان و سونف کی بر

تمنيق الحمار المسله	
---------------------	--

اصيل اللقاح عافيم لام و تشديد لام ثانی کسوف و فائتوج و
وما واطلم بروج و سانبیر و کهنما لکهنی قی مخدر

تتميق الزرار المجهل

اصابع مصفره فتح اول وثانی والف کسر و مد و عین
کسر و مد و ثانی و سکون فا و راء مکلف کف مریم و کف
عائشه طح ی اول سعد و نیر از شیان

اعمل الجاوشیر عجمی و الف و داد و کترین مجروح و سکون
تحتانی و راجه و الف و جاکاوشیر

اصل اللبرج بفتح كاف وموحدة وسكون لام واو حاء ياء كبر
اصل اللوز المزعج بفتح لام مشدود باثاني وسكون واو فخر زاء

جمہ وسکون ثانی وضمیمہ فہرست وجامعہ وکروی وادام کی تحریر
اصل المرحوم نفع اول وسکون ثانی وضمیمہ وادام وسکون ثانی وجامعہ

دعوتِ مہم - سیخ مرطج می ۲۔

اصلاح ہر سح ع بلق اول و ثانی و کسر توحہ و عین مملہ
و نفم ہار و سکون رار مملہ و نفم میم و سکون ستین مملہ ف
کل سور بخان طح می ۲۱ ل سور بخان ۔

تسبیح الطار الملهه و تینیق الالف	اصل تختی - ع بضم خایرجه و سکون نون و شله و الف مقصوره فتح یاء سرشم ط مع و گویند ب -
اطار یفتح اول ثانی و الف و هزه م اطر - اطیسا یفتح اول و سکون طایمه و کسیم و سکون تختانی و سین ممله م بر بنجالف فبوی مادران ه مارکنده -	اصل السندی - ع بضم سین ممله شد و سکون فون و موحده و لام ثانی و سکون لام ثالث و کسر و سکون نون ثانی و کسر و الف و تختانی م دارشیشان -
تسبیح الطار الملهه	اصل السوسن الاسمانجونی - ع بضم سین ممله شد و و وایجول و فتح سین ممله ثانی و کسر نون و سکون لام ثانی و هزه و سکون سین ممله ثالث بضم و الف و سکون نون فیم جم
اطاط و طوط و طوط - یفتح اول و سکون ثانی بایم و الف و طار ممله ثانی و رخت اول و ضم سیم و سکون و او رخت ثانی و ضم تختانی و سکون و او و رخت ثالث م فخر قست ه رختا و گویند که غله مشرط سطح هم رال یوزیدان -	سکون و او و کسر نون ثالث و تختانی ساکن ام ایساف یخ نیشته شهرت و فی اخیقت یخ سوسن کبوت طیح می ۲ ق طلف منحنی منحنی خ تازه که خورده و سوراخ و ال نباشد ش تا و و شقال من سئل و در سوال ثلث و ان آن از یون بابت شقال شیر شتر -
تسبیح اللام	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
اطر یفل - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر و او و جمل و فتح فا و سکون لام و سرب تربیلا که عبارت از لیلیه و لیلیه آن از یون بابت شقال شیر شتر -	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
تسبیح النون	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
اطراف زیتون - ع بفتح اول و سکون ثانی بار اوله و الف ثانی و کسر فاق و فتح راجحه و سکون تختانی و ضم فونانی و سکون و او و فون ف شاعنا س زیتون ط ب ۲ -	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
تسبیح الهاء	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
اطبار الکلیه - ع بفتح اول و سکون ثانی بار اوله و الف و ممله و سکون لام فتح کاف و سکون لام ثانی فتح موحده و کاف و یستان ه موحده اطر یب ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر و او و جمل فتح تختانی و او و ممله ف طوای رشته و تاج ه یمنوی طح را -	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
تسبیح الطار الملهه	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -
تسبیح الطار الملهه	اصل النیلوفر الهندی - ع بکسر نون شد و سکون تختانی و ضم لام و او و جمل فتح فا و کسر اوله و سکون لام ثانی و کسر و سکون نون و کسر و الف و یخ نیلوفر هندی که فل و فایه است ه کنولی کی بر طاب ۲ گویند می ۲ -

<p>و طار صلا شده و سکون تحتانی و موده فاشن صدف و فاشن میوه فاشن جن فاشن بریان و کشته طح می م طفت و متوی کبد ج انچه باکی بسید نکاشش بندم مگل غنوم یا قمرس با طین از سیل اتوان یا قصبه البدره -</p>	<p>چیم با تحتانی فاشن موده و گویند خشت بلیطخ اندک تخ - افلیق کبیر اول فتح موده و سکون ثانی و کسر لام سکون تحتانی و کسراف و تحتانی ثانی فاشن و دو شاب -</p>
<p>تمیق الفار و تمیق الفوقانی</p>	<p>تمیق العین المله و تمیق النون</p>
<p>آفتاب پرست - فاشن گل خلیفه و بوتلمون را نیز گویند و کلیست که بر جانب که آفتاب بگردد بر گاشش مبدان جانب کنند و ایل بند گل کبود را گویند -</p>	<p>اعین السراطین - ع ففتح اول سکون ثانی و فتم تحتانی و نون فتح سین ممله مشدود و رازله و الف و کسر لام ممله سکون تحتانی ثانی و نون فاشن فتم شکسته به خالوکی خربانج -</p>
<p>تمیق البجیم</p>	<p>تمیق البین و تمیق الرار المله</p>
<p>افشرج - ع ففتح اول و سکون ثانی و فتم شین بمجه و فتح ر مده و سکون جیم فاشن حوب افشرد یعنی عصاره هر چیز - افشرج - ع ففتح اول و سکون ثانی و سکون راول و فتم غنیم و سکون نون فاشن کثوث -</p>	<p>اخر بر ع ففتح اول سکون فین بمجه و فتح موده و سکون ر مده و فاشن که مرکب است از فتح و تیار کرمانی و نبات یعنی مصری -</p>
<p>تمیق الرار المله</p>	<p>تمیق السین المله</p>
<p>افکار فتح اول و سکون ثانی با کاف و سکون راول و فتم شکستی -</p>	<p>اخر سلس - یونانی فتح اول و ثانی و سکون راول و فتح سین و کسر لام و سکون سین موده ثانی فاشن فید کیده</p>
<p>تمیق الکاف</p>	<p>اخر بر ع ففتح اول و سکون تحتانی و کسر لام سکون موده و فاشن که گویند کبریا صبح اوست -</p>
<p>آفتاب کوف فاشن بمادل و سکون ثانی با نون ثانی و الف موده و فتح کاف ناری و سکون راول و فتح و الف ممله کاف م آفتاب پرست -</p>	<p>اخر بر ع ففتح اول و سکون تحتانی و کسر لام سکون موده و فاشن که گویند کبریا صبح اوست -</p>
<p>افشرج - ع ففتح اول و سکون ثانی و فتم شین بمجه و فتح ر مده و سکون جیم فاشن حوب افشرد یعنی عصاره هر چیز -</p>	<p>اخر بر ع ففتح اول و سکون تحتانی و کسر لام سکون موده و فاشن که گویند کبریا صبح اوست -</p>
<p>تمیق الکاف</p>	<p>تمیق الهام</p>
<p>افشرج - ع ففتح اول و سکون ثانی و فتم شین بمجه و فتح ر مده و سکون جیم فاشن حوب افشرد یعنی عصاره هر چیز -</p>	<p>اخر بر ع ففتح اول و سکون تحتانی و کسر لام سکون موده و فاشن که گویند کبریا صبح اوست -</p>

<p>الکسوف - سرمانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون فوقانی و فتح بیهم و کسر کاف ثانی و سکون فوقانی ثانی ف غایه البیس هـ که رخواط ج ۲ ص ۱۰۱</p>	<p>و حمیا و تیسر و زیره اسیر که ازان رنگ زنگاری سازند ح حاق جمل ملین منفتح تازه رسیده زرد و خاک بشیدی که اواز شکافتن داشته زرد آشته باشد یکدم تادو در صم عسل یا بلخ آتشل نیون و صق انجیر یا از اسون یا لبان یا پودنه یا بوزن آن حلیه</p>
<p>تتمیق التاء و التثنية</p>	<p>اکا ر یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون و او و تاء و التثنية و تخم قسمی از مریدان</p>
<p>تتمیق الجیم</p>	<p>اکا ر یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون تتمیق التاء و التثنية و تخم قسمی از مریدان</p>
<p>تتمیق السین المله</p>	<p>اکا ر یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون تتمیق التاء و التثنية و تخم قسمی از مریدان</p>
<p>تتمیق الصاد و الحجه</p>	<p>اکا ر یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون تتمیق التاء و التثنية و تخم قسمی از مریدان</p>
<p>تتمیق الکاف</p>	<p>اکا ر یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون تتمیق التاء و التثنية و تخم قسمی از مریدان</p>
<p>تتمیق الراء المله</p>	<p>اکا ر یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون تتمیق التاء و التثنية و تخم قسمی از مریدان</p>

تمتیک الجیم	ارمله با موحده ثانی و الف و کسر ارملة ثانی و کون تخانی
انج - ف بداول و فتح ثانی و سکون جیم زعفر در سر انج - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و سکون واد و موحده	ف زرشک در ک طب ای ۲ رخ بکال خود رسیده سرخ با تل سیاهی شیر و داص جلاب تخم گل و چا و دنگ و زن آن صندل و در سرچ سماق -
تمتیک الدال المله	
از و و - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ضم رار ممله و و ا و ج و ل و دال ممله م ا و و -	اندر طاقش - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال ممله و ضم رار ممله و سکون و ا و با طار ممله و الف و کسر قاف و ا و ز و و -
اندر - ف بفتح اول و سکون ثانی م مکس ع سوسن - از و و - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ز و ا و ج و و ضم رار	انفحة الفرس ع ف بغیر یایه اسپ - انفحة الخشخاش ع بکسر خا و ج و و شین و سکون قاف ف بغیر یایه یجه زینیه بکو بی که ایل باشد -
تمتیک الفار	تمتیک الفار
ممله و سکون دال ممله م یازهر - انگزد - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و فتح	انفحة الخشخاش ع بکسر خا و ج و و شین و سکون قاف ف بغیر یایه یجه زینیه بکو بی که ایل باشد -
ز و ا و ج و فارسی م صنع و رخت انگدان است و بشیر از می پختنک کنده گویند ع حلیت ه بینگ -	انفاق ع بفتح و سکون اول و سکون ثانی و نا و الف و قاف ف روغن زیتون -
تمتیک الزار الممله	تمتیک الکاف
انجبار - رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم موحده و الف و ا و ر مله بین نام شهرت طب ای ۲ قی شقی قروخ	انار شک - ف بفتح اول و ثانی و الف و ا و ممله و کسر سیم و شین و ج و کاف م نار شک ه نایکسر -
شش و حایلین و م طبعش از یکتقال با و و شقال - انجیر - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تخانی ع تین	انجیر - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح رار ممله و کاف ف مزنگوش ه مروا -
انگور - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واد ه داکه قی بهی -	انجملک - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی و ف حلب ه کنبلا -
تمتیک السین الممله	تمتیک اللام
انایلس - ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر سین ممله و سکون تخانی و ضم لام و سکون سین ممله م مرزنگوش -	انک - ع بداول و ضم ثانی و سکون کاف ف سرب ه سیلا -
انبر یا پس - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون	انجمل - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون لام ف طلی

فتح زار فارسی هم بوسه ماران -

تتمیق التختانی

انجروه - فتح اول سکون ثانی و کسر فتح راجعه فتح نیم کره
ه انگن کی نج ط بر گامح می ۲ ق ملط ص صبح عربی
و کثیر ال حرف و فو مانا یا تخم گندنا -

انجیدود - ف یونانی فتح اول و سکون ثانی و کسیریم و
سکون تختانی فتح دال مملو ف گندنا ف کوبی -

انجیر - فتح اول سکون ثانی و کسیریم و سکون تختانی
فتح راجعه ع تین - ف انجیر -

انزود - ف فتح اول سکون ثانی فتح زار فارسی و هم غله
النکس ع عدس ه سور -

آنته - ف ب د اول و فتح ثانی و سکون سین جمله و فتح
فوقانی ع سده موه و موه و موه -

انفحه - ا ح ا ر الوشیه ع فتح اول و سکون ثانی و کسرنا
فتح خابیه و هم فوقانی و سکون لام و کسر خابیه و هم الف
و کسر راجعه و سکون لام ثانی و فتح و او و سکون مامله ثانی
و کسرین فتح فتح تختانی مشدوف پذیر یایه گورخ -

انفحه - ع فتح اول سکون ثانی و فتح فاجیه و راجعه و
شیردان پذیر یایه و چا طح می ۳ ملط محلل مقوی
و باغ ح انجیدود از ازاله تری نموده باشندش و و انگ و
از شتر یک انگ ص عسل یا انبر باریس ل مراره -

انگزه - فتح اول سکون ثانی و هم کاف فتح نیم و ف غله بارگزه و چ چا
انگزه - ف فتح اول سکون ثانی و هم کاف فارسی و فتح زار
فارسی ع ملط ه بدنگ -

انگیره - ف فتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی -

انالیقی - رومی فتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون
تختانی و کسرات و سکون تختانی ثانی م انجروه -

انلیج و فتح اول سکون ثانی و موده و کسر لام ف تمرندی
انبوت الراعی فتح اول و سکون ثانی و هم موده و سکون

و او و هم فوقانی بار راجعه مشدود و الف کسرین جمله و تختانی
هم نوع از سه العالم -

انبوت ملکی - فتح اول و سکون و او و کسر فوقانی و فتح نیم و کسر
لام و کاف و بان بستان اتروز -

انجیر و شتی فتح اول و سکون ثانی و کسیریم و سکون تختانی و کسر راجعه
فتح دال و سکون شین و کسر فوقانی و یام انجیر آدم و گو لک

و گویند انجیر چنگلی است که کثوبیری ص شربت تر و یاس لاس منزله
انفحه - ف طبی - ع فتح اول و سکون ثانی و فتح فار و عا و هم و هم
فوقانی و فتح فار و عا و هم و کسر موده و کسر یایه آهوا -

انسیب الواد و تمیق الالف

او او - یونانی فتح اول و سکون و او و یام و الف و دال و الف
والف ثانی هم عصاره قمار الحمار -

تتمیق البجیم

اورخ - ف فتح اول و سکون ثانی و فتح راجعه و سکون نون
و هم هم سک انکور و هم عل و او و مجهول ف چوب خفته انکور
که انکور و او راجعه پیده باشد -

او گج - ف فتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی

و سکون نون و جیم هم سیدستان ه لیسوژا -	او و اسالیون - یونانی بفر اول و سکون ثانی و دال مملو
اولیچ ففتح اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون نون و جیم	دال و سین مملو و الف ثانی و کسر لام و فتح تخانی و سکون
تتمیق الدال المملو	و او ثانی هم کسر کوبی -
او و یحیدر ه پنج اول و سکون ثانی و مجهول و دال مملو و کسر و صو	او قطاریون - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و طار
و طار یام تان کانون -	مملو الف و کسر ر و فتح تخانی و سکون و او و نون هم فاش
او سپید بفر اول و سکون ثانی و کسر سین مملو و صو و فارسی	اقصین یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون تخانی
و تخانی مجهول ف نوئی ازینو فربندی طرح می -	و فتح نیم و سکون نون هم با در و ج -
تتمیق الزار المملو	آویشین ف بفر اول و کسر ثانی و تخانی مجهول و فتح شین هم
او و یونانی بفر اول و سکون ثانی و فتح ذال و جیم و سکون	ع و صو و زبان عراق کا کوئی و کسلی فلیکته و کزیکلیکلی
و راد مملو ف آب و پانی و جبل -	خواننده سائل مراد -
اور - فضا بفر اول و سکون ثانی و راد مملو گران و با و	تتمیق الدار
جوز بهندی و لیسوژا مثال اک کسر آن ضایع و تیره و ش -	آویشیه ف بفر اول و کسر ثانی و تخانی مجهول و فتح شین هم
تتمیق الزار المملو	و نثار بفر اول و آویشین -
اوز - ع بفر اول و سکون ثانی و راد و جیم و رغبال طرح -	تتمیق التختانی
تتمیق سین المملو	اورالی و او مالی - یونانی بفر اول و سکون ثانی و راد مملو
او و سین ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح نازیم و سکون سین	و راد ازینو نیز و سین و الف و کسر لام و سکون تخانی ع
مملو هم سر و کوبی ع ا بجل گویند -	سین المصل ف مسل و او و وان روئی است که از ساق و خرت
آو و انیس - بفتح اول و سکون ثانی و نون و الف و کسر نون ثانی	حاصل میشود و مانند مسل بطبری و شیرینی طاح ر
و سکون تخانی ف شکو و انار -	خ کنه غلیظ صافی -
تتمیق سین المملو	او نو مالی - یونانی بفر اول و فتح نیز و سکون ثانی و فتح نون و
اشع ع فتح اول و سکون ثانی و فتح شین هم و سکون سین	سکون و اقو ثانی بایم و الف و کسر لام ف شراب و مسل -
لطف جانور سوره -	تتمیق الهام - و تتمیق الدال المملو
تتمیق النون	الایلیج اسود ع کسر اول و سکون ثانی و کسر لام و تخانی

در این کتاب که در بیان اصطلاحات است
 در بعضی کلمات که در این کتاب است
 در بعضی کلمات که در این کتاب است
 در بعضی کلمات که در این کتاب است

مجمول و فتح لام ثانی و کسر جیم با کاف و الف و هم در و کسر
 لام ثالث و بیله کلان ه اینها هر ط ب ی ا ق
 سسل بود و اخ فریب کلان و گران که در آب فرو رود و ش
 یخیزد درم تاده درم ص سسل بیله سیاه و نیم وزن آن آند
 آه پوری می کشد بعد ازل و فتح ثانی و دو و جمول و کسر را بر بیله
 و سکون تختانی م خرفل ه مانی -

تتمیق الرار المله

تتمیق التختانی و تتمیق اللث

ار هر - ف صفتح اول و سکون ثانی و رار جمله پیش سان انکه
 ایلک صفر - خ بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و تختانی اول
 و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح تیره و سکون ملا و جمله فتح فار و
 بیله تیره و ثرنگی ط ب ای ۲ سسل صغرا و قوی دل
 و مدح فریش از جرم او تده درم تا پنج درم و در مطبوخ
 از بنفشه درم تاده درم و تابست درم ص قناریه و ترنجبین باب
 گرم یا عتاب ل پوست انار -
 اهر - ف صفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و رار جمله فتح ثانی -

تتمیق الطایر المله

اهل الی القسط - بکسر اول و سکون ثانی بالام و الف و فتح لام
 ثانی و سکون لام ثالث و فتح قاف و سکون سین و ملا و طایفه
 ف نوسه از یاد بخوبیه است -

تتمیق الکاف

انگشت - ف صفتح اول و فتح ثانی و سکون جازیه و نیم شین
 جیم و سکون قوتانی م زرو سیم و سین و آهن و روی و وجود
 و اسرب و از زیر و امثال آن س خلز -

تتمیق التختانی

انگشت - بکسر اول و سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ثانی و نیم کاف

فارسی ف شگرف ل شادوخ و در مانگ و سفید اب

تمینق العین الهملا

ایر سح رومی بنفع اول و سکون ثانی فتح دال و سکون
عین مملک سح دال و جین ف خزن سیا و شان ه پیرا و کجی
و کونید زعفران

تمینق اللام

ا ب ل سح بکسر اول و فتح ثانی شد و ف کوفت و کجی
کونید زلف زرد رنگ که کینا شید و رود و با و کجی و کجی

تمینق النون

ایر سون نین بکسر اول و سکون ثانی در رمانه و سیم جمله
سکون دال و نون سح طلق ف برنگ و اهرک

ایر فیون بکسر اول و سکون ثانی فتح راز و فاقه و تهم
و سکون و ارف بمقتضی

ایر قان بکسر اول و سکون ثانی در جمله با قاف و الف هم حنا
ص کثیر و اداب بر زلف و نال روشن در زنجوش

ایر ل شینج اول و سکون ثانی فتح بر و جمله ف و فتح
ایرون بنفع اول و سکون ثانی فتح راز و جمله و سکون و فاقه
و کجی و زرد ل بوسن سداب مندر گردگان

ایقانین بنفع اول و سکون ثانی قاف و الف و کسرت
ثانی و سکون حنا سح عود و کجی و کاف و کجی

ایقان بنفع اول و سکون ثانی با قاف و الف هم
بر جیه بایانی و جکی ترما

ریم اب الهمود و تمینق الف فتح تمینق الالفت

با ج را و بمجوده و الف و سکون جیم و فتح راز و جمله و الف
فلا لیت شهو و کاف و س

با و را و بمجوده و الف و سکون دال و فتح راز و جمله و دال
ملا و الف هم بیرند و بر جیه

با ق ل سح بمجوده و الف و کسرت فاقه و الف و با کلا
و دال طرح ب سح و کونید بای می و کجی و سیم

که او را سیم و کونید قاف بنفع محلی می خیزد و کجی
ش و دهم کس معتزل باش

بالا و بمجوده و الف و دال و الف شهو و بای کجی که از و
خسنة سازند و بر بالا را نیز گویند

با سجه کجی و بمجوده و الف و فاقه و نون و فتح جیم و دال و کجی
هندی فتح کاف اول و فتح کاف ثانی و دال و جیم و دال و جمله

هندی و الف ثانی و دال و هندی است
با نسا و بمجوده و الف و نون و سیم و الف ثانی و م و ا

تمینق الفوقانی

با و سب و سکون راز و فتح دال و سکون سیم جمله
و فوقانی هم آهوس

تمینق الجیم

با و ج سح بمجوده و الف و فتح ثانی و سکون و دال و فتح
نون و سکون جیم فاقه و م و سیم و طریحی

ق الف محلی بنفع خیزد و کجی و کجی و کجی و کجی
مثال ص عین ر و عین کل بر جیه و کجی و کجی

یا و ر و ج سح بمجوده و الف و دال و جمله سا که فیم و الف

۵۔ بھڑاوتنر باد رنگ۔

یاسی برنگ - بابی صند والف کو سرخانی و صندوفانی
فرقی را ملاحظه فرمائید و کان فارسی قند برنگ کا بلی -

تمت

با گل سفید بموده و الف و پنج کاف فارسی و کون لایم
بال و پنج نوع اناری بزرگ که در دنیا در گنجه بهر و فساد
بسیار کند و کوشش خوش مزه بود عطر ابرو و لعل و دل -

تتميز الميز

ما و ا م ف بموصلة الف و وال هلم والف على و مخرج نور

تمهيد النون

مآشگان - شکره فوقانی و سکون نین پاکاف فارسی

والف و نون ثانی از مراد سخنان و بیگانه و محاشا۔

ما ينحدر - فسكره ال مهمل وسكون نون ما بعد وال فم

سنگرم: دھانٹا طبعی ۱۶۱۰ و غنیمت خوش شیرین نازہ طبعی و غنیمت

ماہنامہ فنی و سائنسی

اسطرلجون۔ لونا، مہرہ، قاسم، والف و کسر ابر فہمطہ

سکون سیر مزل ماز مزل و الف ثانی و کسر ابر مزل ثانی

میں نے تمہاری اس سبکدوشی سے بہت غصہ کیا ہے۔

ارزانی بنفیعہ اور فساد است

از فم خود و الت و کائنات حرم و قلم

شکر مرده را زانجا جدا آورده و خشک و

کتابخانه ملی افغانستان

تختیال	
--------	--

باتوہ ف پھوہرہ والہ فہم فوقانی و سکونت داوہ

وضع السلاطين به جمال كونه وترج رانية كونه

بارو۔ دیکھو خود انفسو ہم اچھو و سکون مانج مانج مانج

باشوفا بوجده الف وضم شين جبه واد فبول هم حيايه

بالتكويين بوجهه والفتح لام وسكون نون وضم كاف

فارسی و دوا و مبادی و نبویہ۔

تمنق الباء

مالک الفجر مودتانی رفیعہ لامہ مقدار اربع سوئے ساکھ سدارس۔

مالوسہ بنوئے ابن فخر موقوفان اسکول پتھری میز و ہوتا پر کونسل

ما بونه - بموثره و الف نفهم موده ثانی و سکون و از و حروف

الفتح القوي مرسل

ماشاء الله بفتح ما بعجم م سنگ شست و کجکواب

باور بخوبی و رعایت و الف و سکون و اولی و فخر و ابر و محله و

سکون نون و فتح ہیم و ضمیر و صرہ ثانی و عا و مجہول و فتح تھانی م

ماورنموده باونگ تریخان وبقا اترجیه نیز گویند

النكاح ورائه طريح می الحلف محلل بقوی مانع بعد

و منزه دل به سحر رخ تازش آتیا بدیست و دم و از شک

اور شقائق اردو گندہ درم ص مہرغور پارسام علی ہونچ

۱- شمر و هارون اولیست از تنج یا تنج اترج -

ماوراء نهر فرج بر صحرای بستان کمان داران و فرج مار و مار

سکون و آرامش و قوت فکری و جسمی و روحی۔

الدار فمحمود الف و س كان الد فم الف

فیتہ تحفہ الفقہاء و ائمہ مسندک

والف تثنی و نون ف بدسکان ل گشت برکشت -

بدلون - ه بکسر اول و سکون ثانی هندی ختم لام و سکون
و او و نون ف تنگ سیاه طح -

بدلیون - سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام ختم تثنی
و سکون و او و مقل ه گوگل -

تتمیق الزرار الملهک و تتمیق الالف

برنا - بفتح اول و سکون ثانی و نون و الف م حنا -

برنج کرا - ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و کسر جیم و فتح
و سکون کاف بار اوله ثانی م چا مل هر او اوی که خود ر

برهنیا - ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون او و فتح فوقانی هندی
تثنی م کشائی بزرگ -

برلیا بفتح اول و سکون او و کسر لام تثنی م لازیا ه نون

تتمیق الموهبة الفارسی

برنجاسپ ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون باجیم و الف
و سکون سین مله و بار موهبة فارسی م بوی ماوران -

تتمیق الفوقانی

برعشت - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و سکون

سین مله با شین و فوقانی م گیا هیست ستر که مانند اسپناخ
ست آزاد اهل اش سازند و خود رو بود و آزارش بر نیز گویند

و بیشتر در زراعت گندم و دیگر غلات و کناره های آب بر وید -

تتمیق الدال الملهک

برجید کند - ه بکسر اول و ثانی و سکون خیم فارسی و اهل طبرستان
فتح کاف و سکون نون و فتح و ال مله م تید اوله -

تتمیق الزرار الملهک

برنج بفتح اول و سکون ثانی و او اوله شد و ف گندم و گیدون
بر - ه بکسر اول و سکون ثانی هندی شجر معروف هندی است
خ ذات الذائب بخواند -

تتمیق الفار

برجاف - ف بفتح اول و سکون ثانی باجیم فایس و الف
و فام غله جللاب و ملک -

برنجاسف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و جیم و الف و سین
و فاق قیصوم و برزاسک بوی ماورا که قسم فتنه است و گند بار

تتمیق القاف

برقوق بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و سکون و او
و قاف ثانی ف شمش ه خوبانی -

برواق بفتح اول و سکون ثانی و فتح و او و سکون الف
و قاف ف گیا ه سریش -

تتمیق الکاف

برزاسک ف بفتح اول و سکون ثانی با فوقانی و الف
فتح سین مله م برنجاسف -

برنجشک - ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم
و کسریم و سکون شین و کاف م بانگو -

بروشک ف بفتح اول و ثانی و سکون و او و فتح سین م
س

تتمیق الکاف الفارسی

برنگ بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی و برنج کالی -

تتمیق اللام

برونجی - هضم اول و ثانی و سکون و او و کسوف و قانی هم کجاست تسبیح الزرار السجیه و تسبیح الالف	هضم بیا کجاست ط ۳۲ سرد و خشک صفت خشک و سنگین بزرالکرات سبب سکون لام و فتح کاف و سکون رار و حمله و فتح نون فتح کلم ط ۳۱ می خ تازه فربه -
بزرالکرات سبب بفتح اول و سکون زاز و حمله و سکون لام و فتح قاف با شله و الف فتح کلم ط ۳۲ کجاست کجاست ط سبب رخ فربص سنگین ل فتح کلم باورنگ -	تسبیح القوتانی
بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون والف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -	بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -
بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون و فتح لام و حمله و سکون لام و حمله و سکون نون و حمله و سکون فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -	بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -
بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -	بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -
بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -	بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -
بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -	بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -
بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -	بزرالکرات سبب سکون نون و حمله و سکون نون و حمله و سکون ف فتح کلم ط ۳۱ سبب می سبب سیاه فربه بستانی ش دودرم تاسه درم ص سنگین -

<p>ف تخم بخره اجازن خراسانی طسیاه ادب می ۲ سفیداد بیا می ۲ ق تابعن عباس غن و جیفن رخ سفیداد و سرخ ش از یکد انگه دود انگه اسل و ته کردن آب گیم و روغن و عمل ل اینین یا علاج خوشخاش - بزرا را زماحج - ع بار بار ماله شده و الف و سکون زار بجه باستانی و الف ثانی دفعه خون ف تخم بادیه و سولت کسج ل اینسون و تخم شبت و روغن آن راز با نود و انجروه - بزرا الکا کج - ع بسکون لام با کان و الف و سکون کاف ثانی دفعه خون ف تخم خود سک و بریده - برنج - ف بغم اول و سکون ثانی و فم فین سجه و سکون خون گویند که درخت پسته یکساله سیو و یا منزه را زار و و یکسال بیه منزه آن منزه را ریسته گویند و بیه منزه را باین نام خوانند - بزرا الجحیر - ع بسکون لام و کسر نیم بسکون زار و کدو تخم ثانی و سکون ثانی در راه حله ثانی ف تخم کمر که در راه ط ح می گویند ۲ ق مقی بهی منشی رخ بستانی شن مشتاق ص کثیر ال خزل یا تخم انجروه یا غشی الشلب یا بون آن تخم گندنا - بزرا الخرز - ع بسکون لام و تخم نیم در زبوف تخم زرد کدو تخم مرغی که در بزرا الصغیر - ع بسکون لام و تخم مین جمله بسکون ها و حله و دارار حله ف شکله انده گو که و کسبه یا کر کسبه سیخ - بزرا نوب - ع بفتح اول و سکون زار و بجه یا سوره ثانی و الف و زار و بجه ثانی هم بسا سه و جا و تری - بزرا الخش - ع بسکون لام و تخم مایه و سکون مین حله ف تخم کابو طب می خ سیاه و زب بستانی شن از یکد تاه و درم ص مصلی ل و م الاخوین - بزرا الخش - ع بفتح اول و سکون زار و بجه یا سوره ثانی و الف و سکون مین حله ف تخم کابو طب می خ سیاه و زب بستانی شن از یکد تاه و درم ص مصلی ل و م الاخوین - بزرا الخش - ع بفتح اول و سکون زار و بجه یا سوره ثانی و الف و سکون مین حله ف تخم کابو طب می خ سیاه و زب بستانی شن از یکد تاه و درم ص مصلی ل و م الاخوین -</p>	<p>ف تخم بخره اجازن خراسانی طسیاه ادب می ۲ سفیداد بیا می ۲ ق تابعن عباس غن و جیفن رخ سفیداد و سرخ ش از یکد انگه دود انگه اسل و ته کردن آب گیم و روغن و عمل ل اینین یا علاج خوشخاش - بزرا را زماحج - ع بار بار ماله شده و الف و سکون زار بجه باستانی و الف ثانی دفعه خون ف تخم بادیه و سولت کسج ل اینسون و تخم شبت و روغن آن راز با نود و انجروه - بزرا الکا کج - ع بسکون لام با کان و الف و سکون کاف ثانی دفعه خون ف تخم خود سک و بریده - برنج - ف بغم اول و سکون ثانی و فم فین سجه و سکون خون گویند که درخت پسته یکساله سیو و یا منزه را زار و و یکسال بیه منزه آن منزه را ریسته گویند و بیه منزه را باین نام خوانند - بزرا الجحیر - ع بسکون لام و کسر نیم بسکون زار و کدو تخم ثانی و سکون ثانی در راه حله ثانی ف تخم کمر که در راه ط ح می گویند ۲ ق مقی بهی منشی رخ بستانی شن مشتاق ص کثیر ال خزل یا تخم انجروه یا غشی الشلب یا بون آن تخم گندنا - بزرا الخرز - ع بسکون لام و تخم نیم در زبوف تخم زرد کدو تخم مرغی که در بزرا الصغیر - ع بسکون لام و تخم مین جمله بسکون ها و حله و دارار حله ف شکله انده گو که و کسبه یا کر کسبه سیخ - بزرا نوب - ع بفتح اول و سکون زار و بجه یا سوره ثانی و الف و زار و بجه ثانی هم بسا سه و جا و تری - بزرا الخش - ع بسکون لام و تخم مایه و سکون مین حله ف تخم کابو طب می خ سیاه و زب بستانی شن از یکد تاه و درم ص مصلی ل و م الاخوین - بزرا الخش - ع بفتح اول و سکون زار و بجه یا سوره ثانی و الف و سکون مین حله ف تخم کابو طب می خ سیاه و زب بستانی شن از یکد تاه و درم ص مصلی ل و م الاخوین - بزرا الخش - ع بفتح اول و سکون زار و بجه یا سوره ثانی و الف و سکون مین حله ف تخم کابو طب می خ سیاه و زب بستانی شن از یکد تاه و درم ص مصلی ل و م الاخوین -</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>
<p>تتمیق الزار المله</p>	<p>تتمیق الزار المله</p>

موجده نمائی مشهوره و اصف و کسرا بر بجه و تختانی وقت اول اند و چون در پراش کنند و فروش زرد باشد -

وکیلان ما را بفرستند و در آنجا فتنه و دگر

بسیج ع فتوح اول و یکن سین غلغله فتح فوقانی هم کنند

و غم کی کج طرح رگوں میں اخیار پیدا ہونے سے بچنے کے لیے روحانی علاج اور معنی کی تلاش۔ روحانی علاج اور معنی کی تلاش۔ روحانی علاج اور معنی کی تلاش۔

از ترم جباری تخم خیار ص به بخش او با گوشت مرغ و ادویه حلو و استمنا بی با فو قانی ثانی و الف به هم خسک و کوه کرد.

در الزام یا شیخ الرومی - معنی لغوی و اصطلاحی آن شده و الف و

سکون از رنج تهنائی با یافتمائی و فتح خون و نسیم نسیم را بر لبم جیم رخ افراس انگب و کنگائی و کاکازن طح مع با

ناث رسكون داود كبريم انيسون ف باديان زمي - كويندي اكونيندي بي اقس سسلي لمزم سوادح سطرير

بزرگواران البری - مع نفوس و ملک و شد و دایم شد و
و نفوس و ملک و شد و دایم شد و

[illegible][illegible]

تَسْمُو الدَّالِ الْهَامِلِ

و سکون سین طبع ثانی با توفیقانی و بزرگو کس نون ف کرم کرس
سید غنیم اهل کسرت و فروغ ثانی مشد و سکون و دل طبع

بستانی و امبودہ کی سطح ہی ۲۱ شہر درمیں جمال پنج مرغیان فنیچ فرہک ہونے کی جڑ طاب اسی پہا

فطر السایون یاره یک دن آن فستقین نیموزن آن فطر السایون

انہیں ازاد فارس و تنیس النون	ازیندم تا یکدم جس کترال کمر باد و جس دم دم لاخین
------------------------------	--

نثران رف نفع اول و زار نارسى و سكون خون م م زعن -	تقيق الزار المله
---	------------------

منشیق الہدایہ و تیسق الالف	بسرع لعم اول و سکون ثانی و راء و طوف غورۃ حراطہ
----------------------------	---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تتمتع به بحسب	سلول موده فارسی بالا را که در این موده میسازد	نمیق الزار المبحر
و اما از آن رو که در این موده		

سپاس از روز بجم اول و سکون مالی و معنوی

سازمخوف و اندیشه را با الفت و فتح از زنگار است

فکرمه خروم طاب عراقة قافله

[illegible]

<p>تتمیق الطیار المملعه</p>	<p>بصل الزریز مع کبریا بهر شد و سکون تختانی و زار بجریه ثانی قم لبوس صنادش جهت دارا و ثعلب و بهن نافع -</p>
<p>بطباط - سریانی بفتح اول و سکون ثانی با سر و ثانی و این و طامعه ثانی ف کشته رت سکا طح ی ۲ ق قابض رخ سبز تازه ش و در دم ص کرض لی حاض - بط - ع بفتح اول و سکون ثانی ف قاز گوینده بهر ط ح ر ق سمن ص سر که و پیاز و شیر شک در و اندازند -</p>	<p>تتمیق السین المملعه</p> <p>بصل الزنجب - ع بفتح نون مشد و سکون را مملعه و چم سکون سین مملعه ف پیاز کسه ه زکس کی جر طح ی ۲ ش و دشتال جهت تے -</p>
<p>تتمیق التیسیم</p>	<p>تتمیق القاف</p> <p>بصاق - ع بضم اول و فتح ثانی و الف و قاف ف عایه بن ه لا و طح ا ر ۲ ق منفع محلل رخ انصایم -</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>تتمیق اللام</p> <p>بصل العنصل - ع بفتح عین مملعه و سکون نون و هم مملعه و سکون لام ثانی هم استقبال - بصل - ع بفتح اول و سکون ثانی و ثالث ف پیاز طح ی دگوینده ۲ گوینده ۳ ر ۲ ق منفع محلل رخ سفید ش از تخم ا و دو دم ص سر که و دخیل کراش شامی -</p>
<p>بطر السالیون - یونانی بکسر اول و سکون ثانی و باراجله و السین ممله و الف ثانی و کسر لازم و هم تختانی و سکون و او و نون م قطر السالیون بطر ا و یونانی کوه و سالیون را کرض کشف تخم کرض کوهی به پیاز کی اجوده طح ی ۲ ق منفع و در رخ سیاه ش کیدرم ل شاه بلوط یا و وزن آن تخم کرض یا نیم وزن استین -</p>	<p>تتمیق الطار المملعه تتمیق الخمار المملعه</p> <p>بطنج - ع بکسر اول و طار مملعه شد و سکون تختانی و نازجه ف خرزده و خرز و طاح ا گوینده ص ح ب گوینده ر ۲ ق در جلی و پوست او قحی ح سر تمندی شیرین ص سکینین ساده ل در جلاب با قلا و وزیر قنونا -</p>
<p>تتمیق التختانی</p> <p>بطنج زرقی - ع بکسر اول و ثانی مشد و سکون تختانی و کسر تختانی و ز و بهر و قاف شد و سکون تختانی ثانی ف خیال کرد و دهنده و ه تر و بوز ط ب ۲ ش یک ص و رخ شیرین و سیده و آبدار ص قند یا عسل یا دی و غریز یا بعد از و -</p>	<p>تتمیق السین المملعه</p> <p>بطارس - یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر را مملعه و سکون سین مملعه م رخ کبر از او کیدل و گوینده و سیرا م گرم آشک -</p>

والفم بقله الحقا گویند نهاد آن جهت جرب و حکم نافع -	تتمیق العین الموهله و تمیق الموهله
تتمیق الموهله	بدر الصبغ منع نفخ اولی سکون عین مایل بر قفسه و جبهه شده و سکون موهله و سرگین سوار طرح می ال زید البحر -
تمیق الزرار الموهله	بدر الماعز عین عین و کسین موهله و سکون زاید جبهه و شکم بکری کی شکمی طرح می قی شنبغ معنی خ تر و زده من و غل و زده آن بکنده جرب نفع ادر اجین عین
تمیق اللام	بدر الجبال عین کسین موهله و الف و لام می ف بشک شتران طرح می آگویند لؤلؤ و شیشه ادر جل جهت نرس مجرب -
تمیق السین الموهله	بدر الضان عین بفا عجمه شده و الف و یون ف شکم میش طرح می ا -
تمیق الف	بدر النین العجمه و تمیق الالف
تمیق الف	بدر الف و یون ف و سکون عین عجمه بار و موهله و الف م فوک زک آرا گرا زینر گویند -
تمیق الکاف	بدر الکاف و تمیق الالف
تمیق الکاف	بقله الحقا عین عین و سکون فانی ف پشه و میجر -
تمیق الکاف	بقله المملک عین عین اول و سکون ثانی ف قفسه و فانی د سکون المملک عین عین و سکون ثالث و سکون کان ف شاهره بیت یا پرا -
تمیق اللام	بقله الزهر عین عین و سکون زاید عجمه شده و سکون زاید موهله
تمیق اللام	بقله الغزال عین کسین عجمه و زید و الف و لام شکم شتران

<p>بلایه ف یفتح اول و ثانی و الف هم آذر بود آن پنج خالیت آذر ایشان خاند گویند بجز آن را که کنند بواسیرت</p>	<p>تتمیق اللام یفتح الموحدة الفارسیه</p>
<p>تتمیق السین المملکه</p>	<p>بلایه ف یفتح اول و ثانی و سکون نون باجم الف و سین ممل و موحده فارسی م بود و اوران -</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و فم موحده ثانی و سکون واو و سین ممل و لصل الزید و گویند بجز آن پنج می گویند حق تلفع خ تر و تاز و ح شیر تاز و و شیده و بایل و نفس</p>	<p>تتمیق البیس</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و فم ممل و سکون واو و سین ممل و لصل الزید و گویند بجز آن پنج می گویند حق تلفع خ تر و تاز و ح شیر تاز و و شیده و بایل و نفس</p>	<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>
<p>تتمیق الصاد المجهه</p>	<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>	<p>تتمیق البیس</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>	<p>تتمیق الصاد المجهه</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>	<p>تتمیق البیس</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>	<p>تتمیق الصاد المجهه</p>
<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>	<p>تتمیق البیس</p>
<p>تتمیق اللام</p>	<p>بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف بلایه ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون نون باجم الف</p>

بنات النار مع سبع اول و ثانی و الف و هم فوقی بانون
مشود ثانی و الف و هم و را اول و هم که خوف گزند

نیسبرو بفتح اول و سکون ثانی فی فتح موصوۃ ثانی و سکون ثالث
مہستان ط ب باح از سهیل محور المزاج۔

تمتق الشين المبرور

بنو ماس و فاضل و ثانی سکون و او یام و الحشون بحسب غله و

تمت

بنسبندق - یکسکه اول مسکون ثمانی و پنجم دال مسکون و مسکون تاق م
فندق با نام شیر میاست گوشه سطح ربع گویند چ سه را
ق بهی سخن رخ بزرگ باید رشده در من نایند با نام
شیر من یاوزن آن مخرز و بعضی گویند جلفوزده -

تمتہ: الکاف

مینیک - فتنه اول و کسرانی و سکون سخانی م کرطه و
لویند نرس از ابرش ز مایه است و شیر کرطه -

سوق الكفاف الفارسي

بیمار که چشم اول سکون ثانی و کاف ممانند شورست که
در پنج میثال دیرین خیز و طحی ااق قابلین مختلف
سینه فربه و زرد و یک غشبول سبیل بقع اول و ثانی بباری
در پنج بقع اول و ثانی سکون ثانی و کاف فارسی خوشه خرا.

تتميز المذاق

کبریا و سکون ثانی و کبر جود کون شین سحر
ن فرخ ز ارجیده دام و الف رزون ف زبان خشک ع لسان بعد
سلو حرن و فتح اول قضای ثانی و بین مملد و غم لام و سکون

و او فتح جم فارسی مع ملبا شیر طاب۔

بنیاد فکون - یونانی کلمه اسکون ثانی با طاء مزمله و انت
و فتح تا و تم لام اسکون و واو و خنج چنگشت ط ب
اسی ۲ ق فاعل رخ یح علیه شون کثرت کس فاعل

بنگران سف بنم اول و سکون ثانی بفتح کاف بار اول و الف
م بر بنجه که در دره دیگر بریان شده باشد که هر جن
بن گیهون بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی است
جنم اول و سکون دوم آخره

بن یسوع اولی در سکون ثنائی و ملائکای معرکه کانی شتر ازین

تمينق الوارو

بنگوف نیتج امل و سکون ثانی و ضم کان تاری و سکون ملوم سفل

تمت

بیتو مہدی شیخ اول سکون فی ذمہ فواتی و سکون و اوقیہ تمیم و
عناۃ الگاسل۔

مقبوضه بیع یعنی اول بیع چون ثانی بیع قافم علیه البیت مد
مانند غلبه که غلبه ابر باشد ط مع می -

تنسيق التفتان

پنج شش - پنج اول سکون ثانی و کسر جرم و رفع و ال حملا و سکون
شین جمد و کسر ثانی و سکون ثانی ۵ و جمد و را -

بندقی بھندی بکسر اول و سکون ثانی و قسم دال خمر و کسر قاف
اول و سکون نون ثانی و کسر دال محله ثانی ہ ریٹھا طح
ی ا اش بست مشقال ہ از روٹین او۔

<p>بول اوران - شنبه اول و سکون ثانی و بزمه و فتح اول در فاعله و الف ثانی و در اولان بجزت دال عظم بر بنجا سفت -</p>	<p>تمینق العالم بول المابل - فتح اول و سکون ثانی و کسرت و موه و دلتی و سکون لانه شنبه و کسرت شربخ از شتر اسرانی -</p>
<p>تمینق السار</p>	<p>بول - و بزم اول و سکون ثانی و لام م مر -</p>
<p>بوزنه و بوزینه - فاعله اول و سکون ثانی و از ارمه و فتح نون و بجا و کسرت اول و کسرت دوم و سکون ثانی و فتح نون و در لغت ثانی م میون -</p>	<p>تمینق الیم یوم - فاعله اول و سکون ثانی و یم ه الو -</p>
<p>بوظا نیمه - یونانی فاعله اول و سکون ثانی و با حمله و لب و کسرت نون و فتح نون و کسرت و ف سیاه دارد -</p>	<p>تمینق النون</p>
<p>تمینق التحتانی</p>	<p>بوجود یون - یونانی فاعله و سکون و سکون و سکون و فتح دال حمله و فتح ثانی و سکون و او ثالث و نون م بفتح -</p>
<p>بوزنه از سخی - بزم اول و سکون ثانی و فتح را و میانه و بزمه و بفتح بزمه و سکون فاعله ثانی و فتح سیم و کسرت نون و سکون ثانی سیم بوزن طس گرم و شک و حمله با بی جاد و خون بجا حمله بول انشتریز البرمی - فتح اول سکون ثانی و بزم اول و سکون لام ثانی و کسرت و بزمه و سکون نون و کسرت و بزمه و سکون ثانی و کسرت حمله و سکون لام ثالث و فتح موه و کسرت حمله و سکون ثانی و ف شاش فو که جنگی -</p>	<p>بوزنه از سخی - بزم اول و سکون ثانی و فتح را و میانه و بزمه و بفتح بزمه و سکون فاعله ثانی و فتح سیم و کسرت نون و سکون ثانی سیم بوزن طس گرم و شک و حمله با بی جاد و خون بجا حمله بول انشتریز البرمی - فتح اول سکون ثانی و بزم اول و سکون لام ثانی و کسرت و بزمه و سکون نون و کسرت و بزمه و سکون ثانی و کسرت حمله و سکون لام ثالث و فتح موه و کسرت حمله و سکون ثانی و ف شاش فو که جنگی -</p>
<p>بوسری - فاعله اول و سکون ثانی و لام فتح سین حمله و کسرت حمله و فتح شش و سیمه است که گل خوشبو دارد و در چند گلشن پرده کرده بسیار بود و در فخرش بعینه شکر گنا است دو سه عظم در و دندانست -</p>	<p>تمینق الهم و تمینق الالف بوسری - فاعله اول و سکون ثانی و لام فتح سین حمله و کسرت حمله و فتح شش و سیمه است که گل خوشبو دارد و در چند گلشن پرده کرده بسیار بود و در فخرش بعینه شکر گنا است دو سه عظم در و دندانست -</p>

بجمل او - که بکامل سکون نهان بالام و الف مودای لغت آخر مانشد زنگ خیرت بر سنگ می نشیند -

ف بلاد حبل الغم و شتر الغم خست که خوانید در این باب باشد
بمحوح تیغ سپرد تیغ اول و شتر ثانی را سلاطین
جیم تیغ موحده فارسی و توفانی شدند و در
بمحوح اول و دوم و توفانی تیغ کمان فارسی
درخت بندیت که در شیراز قشرد و اوراق سازند
را و ملو و الف دوای غم بندیت هم جسد

بہمیرا۔ دینفع اول و کسرنانی و ختمانی و در اول خلف بلیست
برو کتابت نمایند و گویند بخوان با شازادہ سپہ

تمت

تنسيق الزوار المعجم

پہلے پہلے سید اول عثمانی والے کو کسر اڑھلہ کہتے ہیں مگر
 جو چوتھاں چھوٹا ہو وہ مدوہ کہتے ہیں سبھی یہی مدقوی اداغ۔

تمیق الکاف الفارسی

تینیس، مجسم	مجانکس۔ ہر فتح اول اولہا شان اولن و خوار نو
تینیس، لایم	تینیس، لایم

بهرام مجروح بفتح اول مسكون ثانی بار بظله و الف و فتح می
 رسد و مسكون عجم می رسد شک ط مع -
 پنجمی رسد مسكون لام م شج ف گل کند -

منہ پر بربیان و سائل کا دگو بند ہوئے ازبور کہو۔
بھوٹل۔ ہفتیچ اول و ختم ثانی و اولہا ان دال تھلہ ہندی رخ طاق و فدا ابرک۔

تمت

تنسيق النون

بهار امرود و بفتح بنجره و سکون میم و ضم را نهله و سکون دال و
ت گل امرود و گویند قوی و دروغ -

تمتة الامام المصطفى

تشیخ الزمان المسجله	ثانی یاقوت سرخ و غازی که زمان بهر کماند
سار-ف-فتح اول و الحالف و الزمان بهر کماند	بهمن-ح-فتح اول سکون ثانی و فتح بهر کماند

بمان دگل تا یخ طرح می ۲۰ ق غلج نازده ش
و گویند گند و دلاوی سست شربا بکن و سفید
می ۱۸ گویند رخ ۲۰ می ۱۸ و من و مغز و قوی
شغال عمر زرد و رل هجده -

نیسون ا رتور، جولہ

تتمیق المات	عظمه و در باره حلقه رخ خزان الخرف انگی سنگ و آن
-------------	---

[illegible]

<p>پیشکش پر شوک - فتح بکسر اول فارسی ثانی و سکون سین مملو و ضم فوقانی و سکون کات و لغت اول و سکون و ا و لغت ثانی جانو نیست که پشت دم آن سیاه بود و بنه سینه و منقارش شیخ و در تحت خانه تشنه دارم و فرشتک فرشتک پیشکش - ه بکسر اول فارسی ثانی و ثمنانی جدول و مختار نون کاف عربی و وای هند نیست و همین نام شهرت وارو - پروانک - فتح اول فارسی و سکون ثانی فتح نون م جانو نیست که پیشاپیش شیر آواز گمان روو -</p>	<p>پیشکش و عثمان - فتح اول فارسی ح کز المله و ثانی و کز چاه و سنبل که در کنار چاه و چشمه میر و بطح می اگویند مع ح ق شیخ ملکت و ملکت مع ح ق شیخ ملکت خ سیاه چوب بنزوری با سیاه چوب سخی کالی گزین سخی ناده و دم ص ح خصلگی با کسر اول نون و بنه سینه یکنیم و کز المله و دو انگ و زن آن و فوا و ملا و ملا و سنجت فتح جیش و لغت بیرن - فتح اول فارسی ثانی فارسی هم نون -</p>
<p>پیشکش - فتح اول فارسی و سکون ثانی فتح کاف و ثانی و نون ترکیبی از دو بیاهست خوش هم از کبه - پیشکش - فتح اول فارسی کتانی و سکون ثانی فتح جیم فارسی آیت غزل و اکر و دشمنان کسر نون فتح ثانی و سکون ثانی</p>	<p>عینی الکاف الفارسی پیشکش - فتح بکسر اول فارسی نون و سکون و سکون و سکون پیشکش - هم بکسر اول فارسی و ثانی و ثمنانی جدول و مختار نون و کاف فارسی و وای هند نیست ط ب -</p>
<p>تمیق اللام پیشکش - ه بضم اول فارسی و سکون ثانی و سکون و سکون نر لیبی ط لکرم و شکست بعینه گویند نر -</p>	<p>تمیق اللام پیشکش - ه بضم اول فارسی و سکون ثانی با سحر و و لغت و لام ع بعد و مر جان هم مونگا -</p>
<p>تمیق السین المله و تمیق لالک پیشکش - هم بکسر اول فارسی سکون سین مملو فتح ثانی و ثانی مستق طح ماکرم و شکست ارق سبی مولد خون مملو و سکون ثانی</p>	<p>تمیق الیس پیشکش - هم بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی کا و قعاس و بهند می سر و کاسه نامند -</p>
<p>تمیق الفوقانی پیشکش - فتح بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فوقانی هم نیم آر و و آر و بریان کرده و زبان ترکی و ثمنان و ثمنان</p>	<p>تمیق النون پیشکش - فتح اول فارسی و سکون ثانی و سکون و سکون و سکون میر و بر لملو و لغت جانو نیست شکازی نایض می رخ بود و فتح</p>
<p>پیشکش - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی ثانی و مملو و فرخ در جمله و لوبیا و سکون و سکون</p>	<p>پیشکش - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی ثانی و مملو و فرخ در جمله و لوبیا و سکون و سکون</p>

تمیق الساء	چون دانده و دیگر بر سره پاکه درین شان محمل و بسیده باشد
پهنا نه پنج اول فارسی و سکون ثانی یا ثانی یا ثانی فتح نون ثانی هم بوزنه فت بیون با در	تمیق النسانی چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
تمیق النسانی	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در
چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در	چون پتیمباری و فت حتم فارسی و سکون هم بوزنه فت بیون با در

نورانی

<p>تلاچوک و پلاچوک و نام ترو است و حشوق تلاچ و گیاهی است بغایت تلخ و گونیزه شغل تلاک و بنیم اول و سکون لام هم و بیا و یکسوان سکون ثانی</p>	<p>تخم کبسر و دوقانی و سکون بر دوقیم ساق و بنیم بر دو نوقانی و دم کاوکوی هم قشاس</p>
<p>تخمیق اللام</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تل ه بکسر اول و سکون ثانی و کجده</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تنگلیک و نتج اول و ثانی و سکون نون و خم کات فارسی و کسر موحده و سکون نون و کسین</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکون و نتج اول و ضم ثانی و سکون و او هم ناز</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسر سیم و کسین و با و بنیم تلی و بکسر اول و ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>
<p>تکلی و بنیم اول و سکون ثانی و کسین و سیم و طال</p>	<p>تخمیق اللام</p>

و فتح مبارک شد و همه را سکون دادند و ثانی و فی و الف حرم هر زبان و
سزب و گرم از دوا این طایح می آید گویند بسیار می سود
قالبی رخ تازه شد و دوزخ صمد و توایح هم درلی جزا السز
یا حیون ایست لایزال آقامه -

تتمتع بالحرية والعدل

تحریر الحرف عروج فیج اول قناتی وراستما وشم قناتی وقع ہر دو
 غنیمت ہلکہ و سکون ہر دو راہ مطہرہ صہو راہیل ہ ہر دو ہر
 تحریر الکلمہ عروج سکون الہام فیج کائنات باوجود نہ کہ کوکب گنیمت

أَتَمُّهُ، وَالْقَائِمُ

نمروا العليق مع بنو عيينه من بني لؤي الاموي يسكنون في قواف
من قواف بني لؤي -

1

مقررہ ادریم بضم دل ممد و سکون ادریم مثل کی کوکل طری

مذخره الشوك العسري مع شبع اول ثانی و فتح رازمه فی شرحه قال
و شین بهجه شد و دو سکون و او دو سکون و سکون اما کسر غیر خانی
سکون نهاد و هر که کسر از تمامه است گلزار -

سنة الف و المئتين و الثمانين و الخمسين

شش یونانی و سرانی پنجم اول سکون و او که میسر سکون
شد به حرف بود که

موسیٰ بن جعفر و طایفه خ. بزرگ دانه شش سله دانه

۱- بعضی از مریضی بد بدن و گوشت مزبل نوم برمی-

تمت

آدم الحیة مع بعض اول و سکون ثانی و فمهم ترم سکون الملام
کچھ حاد ہل و تختانی شد و مختار نام سقو رویدن و سقو

مئة الى السبعين وثمانية

شیل س کبر اول سکون لمام نو سے از طرفت و
بد کما طالب می اس کی کینتال شیل س غلیظ

ترجمہ الہم و تسبیح الالف تمیق الجہم
عاد و مرجح ترجمہ الف و سکون داد و فتح راہ و سکون

جیم ف - کا ذریعہ روانہ خبر البقرہ و گاوی و ہن -
تمنیق الراہ المملہ

بہارِ دہلی: دہلی کے راجہ راجہ راجہ

چهارم که در این کتاب مذکور است و آنست که هرگاه کسی بخواهد از
در راه محمدیانی هم جزا را کند و سستی نماید و آن نبایست که او را
و نه بیافرماند و اندک که آب پیدا باشد طریقی مختص الیه باشد

جابر بن جبرم الشافعي شيخ فقيه حنبلان في زمانه
جابر بن جبرم الشافعي شيخ فقيه حنبلان في زمانه
ورأته في سنة ثمان مائة في سنة ثمان مائة

منتهی ملطف در محال نشی و از غرض این تازه و دیگر زود و در است
شود و اول که از اینجاست بر آید سفید باشد و بعد از آن از شکلی نرود
گرد و نهنگام که از این سفید باشد و نهنگام که از این سفید باشد

مرحوم خواجه اسکندر دودورن در باز و دوشتم دوزن
 لیس التبر یاد دوزن صمغ زیتون -

تمت

2000

[illegible]

مهر و الف تخم را بر ماله شالی و سکون و اولی هم نوبت است	تمیق الکمال
ف خسروار و کیمون	جز و اسکفت بنجم اول و سکون ثانی و دوا و الف و
تمیق التختانی	فنج سین ماله صحره و جیشگر
جسمی - بنجم اول سکون ثانی و کسریم و سکون ثانی و فنج ماله	تمیق النون
تمیق و تمیق النون	جز و اول و بنجم اول و سکون ثانی و دوا و الف و
جیش - فنج اول سکون ثانی و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله	تمیق التختانی
سازند و بنجم اول و سکون ثانی و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله	جز و الف و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله
تمیق و تمیق الصاد المعجم	تمیق الرابحه و تمیق النجم
جشن فنج اول و سکون صاد و الف و سکون طایم	جز و الف و سکون و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله
قابض و بنجم اول و سکون طایم و فنج ماله	جز و الف و سکون و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله
تمیق العین المله و تمیق المار	تمیق الرابحه و الف
جشن و بنجم اول سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله	جز و الف و سکون و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله
کیمون و بنجم اول و سکون طایم و فنج ماله	تمیق التختانی
در مجلس قاطع و دیدن شالی و بنجم اول و سکون طایم و فنج ماله	جز و الف و سکون و بنجم اول و سکون ثانی و فنج ماله
تمیق الفین المله و تمیق الفوقانی	تمیق المیسر المله و تمیق الفوقانی
جشن و بنجم اول و سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله	جشن و بنجم اول و سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله
تمیق الدوال المعجم	جشن و بنجم اول و سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله
تمیق الواد	جشن و بنجم اول و سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله
جشن و بنجم اول و سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله	جشن و بنجم اول و سکون عین و الف و سکون طایم و فنج ماله

و اینانی که بپند می گویند -

تمییق اللام

جل س بعنم اول سکون لام ف کل کلان فنج اول ان پند
آب گوید بغاری زنده آیت که چون بلبل خوش آواز بود -

تمییق النون

جل ل ان س بعنم اول سکون ثانی فنج هم و لام و لث نون
ف کشنیر خشک ص ختم نیم برخت لی ختم کا بود -

جل جین س بعنم اول فنج ثانی سکون نون فنج هم و کشنیر
و سکون حتمانی ثانی ف کشنیر علی -

جل س می بعنم اول سکون ثانی فنج سکون سین جمله
و کسر جمله سکون حتمانی ف و زده چینی -

جل ل ان بعنم اول سکون ثانی با حتمانی و لث نون ف
غلا آیت مانند مدس و بشیر از می شود خوانند -

تمییق الواو

جل بو فنج اول سکون ثانی فنج هم و سکون و لث نون
جل ل ا و فنج اول سکون ثانی سکون حتمانی و لث نون
فنج هم و و ا و هم سرخس -

تمییق الراء

جل ا لهر س فنج اول ثانی فنج هم و لث نون
شد و سکون و لث نون ثانی هم جارا نهر ل - بطباط -

تمییق الهمزة

جل ا س بعنم اول ثانی فنج هم و لث نون
خرا که آزا سبز خرا گوید طبای گوید سیاح تر و شیرین
ص خرا یا عسل حاض -

تمییق الزاء

جل ج ه س بعنم اول ثانی سکون نون فنج هم نون
جل ج ه س بعنم اول ثانی سکون نون فنج هم نون

و سکون و او و نون و فنج هم نون با ف بود و نبر -
جل بعنم اول فنج ثانی فنج هم و لث نون ثانی سکون که در جای
لناک روید سفید قام و کدر و ختم در ک نادر و هم سافخ و
کوت کرسن فنج اول کرسن سافخ -

تمییق التتانی

جل ل ان جشی بعنم اول سکون ثانی فنج هم نون با هم نون
و لث نون فنج هم نون و سکون لام ثانی فنج هم و لث نون و
کشنیر هم و سکون حتمانی ف خشناش ساه و گوید و زده چینی

جل ل ان صری ف پیش -

تمییق الیم و نون التتانی

جل س فنج اول هم و سکون سین نونانی ف
فنج هم و سکون حتمانی ف و زده چینی

و اگر با هم است و فنج آغازند همین عمل کن و چون وزیر بالین
نهند خواب نیکو بپوشند -

تمییق الدال المله

جل س فنج اول ثانی و سکون دال جمله فنج هم و پالا -

تمییق الراء المله

جل ا لهر س فنج اول ثانی فنج هم و لث نون
شد و سکون و لث نون ثانی هم جارا نهر ل - بطباط -

جل ا س بعنم اول ثانی فنج هم و لث نون
خرا که آزا سبز خرا گوید طبای گوید سیاح تر و شیرین
ص خرا یا عسل حاض -

تمییق الزاء المله

جل ج ه س بعنم اول ثانی سکون نون فنج هم نون
جل ج ه س بعنم اول ثانی سکون نون فنج هم نون

چکاوک - فتح اول فارسی کانت الف فتح واد و سکون	ثانی و فتح لام م لاک پشت ه کچما -
کانت ثانی زنده است از کتبشک مشک بزگز خوش آواز و درم کل	تمنیق المیم تمنیق الشین المیم
ع قنبود و اولیج و در اوراق شود فامند و سرخاب نیز گویند -	چشمش - فتح اول فارسی و سکون بیم م پاکو -
تمنیق الهاء	تمنیق المیم
چکاسه - فتح اول فارسی ثانی و الف فتح و سکون ثیم م لاک پشت و شیه	چشمش - فتح اول فارسی و سکون بیم م لاک پشت و شیه
تمنیق التختانی	آن گزیده باشند و بجز اول پاکو م حل یک ه سوال -
چکری - فتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر ملام و ع اندیوا	تمنیق النون تمنیق الالف
تمنیق الحاء الفارسی تمنیق الزالعه	چنپا - فتح اول فارسی و سکون نون و وحده فارسی شجر
چکندر - فتح اول فارسی و سکون نون و فتح اول همد	همندیت که لغزش خوشبود بیروی جنوبیست و تخنیست
تمنیق الکاف	در میان گل دی که مسکرت طاب می -
چکاک - فتح اول فارسی و فتح ثانی فارسی م کتبشک -	تمنیق الفوقانی
چکوک - فتح اول فارسی و فتح ثانی فارسی و واد و سکون م	چندر که کانت - فتح اول و سکون ثانی و فتح واد و
کتبشک و غر زه نیز گویند -	سکون را و همد کانت و الف و خفا و سکون ثانی ع جبر القهر -
تمنیق التثانی	تمنیق الراء الممسله
چکگانی - فتح اول فارسی و ثانی شده و فارسی الف	چندر - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح واد و سکون
و سکون م نوسه از خزیه -	چنگار - فتح اول فارسی و سکون ثانی و کانت فارسی الف
تمنیق اللام تمنیق الکاف	م چنگ ع سلطان -
چکناک - فتح اول فارسی و لام و الف و فتح نون م	تمنیق الکاف
سنگین گردانک ع جعل -	چنیک - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح واد و
تمنیق الهاء	م سنگ آهن با س منطالیس -
چلیاسه - فتح اول فارسی و سکون ثانی با وحده فارسی	تمنیق النون
و الف و فتح سین ملام و خفا و باه بکل و جیکلی -	چندن - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح واد و
چلیک - فتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر حیم فارسی -	و سکون نون ع صندل شنید -

تحتانی و فتح نون و خفاء ما جمودین -	تتبیق التثانی	
تتبیق التثانی	چو کلاهی - ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و کاف	فارسی بالام و الف و کسر ما و سکون تحتانی م غلیو -
چو لاتی - ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی بالام و الف و کسر ح	تتبیق الواو و تتبیق الالف	
و تحتانی ف سبزی شهور بندست که با نخورش سازند -	چو زه ربا و چو زه لوا - ف ثلث اول بفتح اول فارسی و	سکون ثانی ف فتح رابض فارسی خفاء و ضم راء حاء یا موحده و الف ثلث
تتبیق الهاء و تتبیق الالف	دوم بفتح اول فارسی سکون ثانی ف فتح رابض فارسی خفاء و ضم لاء موحده و الف ثلث	
چو کیرا - ه بفتح اول فارسی و انظار ما و کسر ط حمله و سکون	تتبیق الزاء المله	
تحتانی باره حمله ثانی و الف هم اشده -	چو بخوار ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون حو	و ضم خاء سجده و ف و حمله و الف و انظار م و یوک س ع اقصد
تتبیق الدال المله	چو ر پور و چو ر ف ثلث اول بضم حو و فارسی و مجهول	ثانی و ثلث ثانی بضم اول فارسی و ثانی مجهول هم مدرو -
چو کیرا - ه بکسر اول فارسی و انظار ما و سکون تحتانی و راء حمله	تتبیق الزاء المله	
دوای هندست که فتح ثانی او که نیست ه پیری کن گویند -	تتبیق التحتانی	
چو کیرا - ه بفتح اول فارسی و انظار ما و ثانی و فوقانی هندی و الف	تتبیق الکاف	
ویم و الف ثانی و خفاء نون و کسر سین حمله و تحتانی م سبیل	چو ک - ه بضم اول فارسی و سکون ثانی و کاف ع حان و کاف	جانوریت که خود را نشاخ زشت آید و وحی حق میگردد تا زمانیکه
تتبیق التحتانی و تتبیق الالف	قطره خون از حلق آید یکدیگر بخشد تا کثرتش آید و بودا مجهول س ع حان	
چو کیرا - ه بکسر اول فارسی سکون تحتانی با فوقانی و الف هم سبیل	چو ک - ف بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح کاف هم طاریم	
تتبیق الباء	تتبیق النون	
چو کیرا - ه بکسر اول فارسی و سکون تحتانی و فتح و الف هندی	چو طین - ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول کسر موحده و سکون	تحتانی م طار کاه و کاف -
دوای هندی م صنوبر و خفاء -	تتبیق الباء	
چو کیرا - ه بکسر اول فارسی و سکون تحتانی و فتح و الف هندی	چو ب دانه - ف سجد س غیره -	
دوای هندی م صنوبر و خفاء -	چو بینه - ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول کسر موحده و سکون	

پادشاه گزیده برگزیده از شاهی است صاحب حق گویند و حق دان
منع محض منقطع اند و در شاهی او در محض فعل و اما بنابر این
حاله ما سرانی را می بینیم که در محض و سرکان را بنابر این شاهی خرم بکار

میں نے

طالع با سحر و الف و جیم و خاریت و غیر اینها و محال مشهور

فتيق الزاد المسلم

حافظ الکمار شع و فن خرنجوش جبت عسرو لادش مجرب۔
حافریع بجاعملوالف و کسرتان فن شم کمرایابی
مفتوح از جویانیکه منجی در ص ۴ و غن ل قرن۔

حافز المهرج عجايبه والتمسك فخرهم كونه ملكا في قرة
يتمدح ملكون بالهوا والملك فيهم سويان لم يمتدح بجزيل سياقه

نیو انشورنس کمپنی

حاجو الروحش عاف نعم که در کتب انجیل و تفسیر و در حدیث و فی مباحث

مبنى اللام

حافظ الاطفال حافظ النحل رحم فرينون-

تمسيق المنون

حافظ الرووندي عن نسخته و نسخة ابي طاهر نافع.

الموحد وتمييق الكات

حساباً سیرانی فی العالم و حدانک و قاتان امانی مہم خدائی
حساب الشرا۔ بفرمانی و سکون و جملہ با شیعہ محمد بن و
نہم ز شیعہ بنک و چو کے کے بیچ۔

جسته الحضر مع نبي غاز سجده سكون فدا حجابا رطبا والتمس من
 وخرجت الحرم فاني ريت طاح على اوكنبه اوكنبه م قق مبي

خ بزرگ بزرگش از دودم تا چاه دودم کشی از من بپوشانم
جسته السودان ع نجاتشانی شده و غم فغانی و خشنود جمله شد
و سکون و اوبادال جمله و سپاه داد -

حسبكم لا رنج اول استانی شد و نصیبم بود فی فی فتح کابل و کوفتم
حسب الفتناسع استیادان سکون ثانی و ضم فاش سکون لام
و فتح فایز و ثانی هم مرز گمشده مرطوطه گرم خشک -

حقوق الناس عین حق قانون و رواد بر یک -
حقوق الناس عین حق مقنن و الف مکرر و پر دین است

تمنيق الموحده

بسم الله الرحمن الرحيم

و سکون حقیقی در دوزخ نمانی و بندهم بزرگوار که یک طالب می باشد از غفلت خود
خاسته و طالب بر یک سر می نشیند و از غفلت خود قیام و در وقت پیوسته
در یک کمال طرح می آید که بندهم گویند بال منزه باد اسم تعالی -

تمت

حسب اقلات مع بکرات سکون لام و قنای و باطن شری
علا سوت و گویند کلام و گویند نوارل خرم لبوس -

تحقیق الجیس

حساب کما لنجوع و عروس در پرد و طایب مع گویند بلی
گویند سناخ بزرگ کنج کوی یا استانی فن ق کمال سنخ اعلیٰ العلیٰ

تمت بحمد الله

حسب التمساح مع كبر فخره في سكونه في يومه في يومه في يومه
 اتمنى ان الحار المعجم

حبيب الطبع في تخم خريزه الشوثير ياغب منور۔

حب الشيوخ من عرق مرد خشک -	تتميق الزرار المملح
تتميق الدال المملح	حب الغرغرين ع نفع عين مملح و کسر ریه و سکون تحتانی ذره
حب ارشاد ع نفع ریه و شش و عین مملح و دال مملح و نفع قرح و کسر ریه و سکون تحتانی ذره	حب الونج و دود سکون و کسر ریه و سکون تحتانی ذره
تتميق السین المملح	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب القدر ع نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
تتميق الزرار المملح	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب البص و جوی ع نفع صا و مملح و سکون و دال مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره
حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره	حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره

حب الیس ع بمرجه و سین مملح و نفع قرح و سکون تحتانی ذره

<p>حب ق کوفانی - بکسر کاف سکون لام ملام با هم الف و کسرون م شایسته فرم و تخم بجان ه نیاز بود کسج - حب ق خبطی - فتح نون و سکون حه ثانی و کسره ملام و کسرون</p>	<p>تحقیق الهملا - حب لسمه سح بکسرین هملا شد و سکون یم فتح نون و خفا - یاف نعل خواجه چود بنی طح را گویند ساق سمن</p>
<p>تحقیق الزا المثلثه و تحقیق الالک حرفا - سزانی فتح اول سکون شمشه فتح لام ملام و جیم الف و کسرون تحقیق الجیم و تحقیق الالک حرفا - حاء الف و کسرون جیم و جیم الف و کسرون ملام و کسرون ثانی با حاه ملام ثانی و الف و کسرون آریا -</p>	<p>نیز از بلاد و زبانش یک مثال گویند از شکله و در دم حص قند و پسته ل نمیزون متخریه نمیزون مغز اودام نمیزون کتجه و شرب حب الجلب حب خلوه - بضم خا و بجه و سکون لام فتح و اودام هم آریون حب سح فتح اول ثانی نشوده با الف سح که کوی موی -</p>
<p>تحقیق الموحده حرفا - یثب سح فتح ثانی و سکون یثب و کسرون و کسرون یثب تحقیق القومانی</p>	<p>تحقیق التحنانی حرفا - یثب سح فتح اول با هم الف و کسرون هملا و سکون ثانی یاف نعل هملا و الف مقصوره طح اریه و کسرون یثب و کسرون یثب حب لکتری سح بکون لام و هم کاف یم شد و فتح شانه و در هملا و الف مقصوره فتح ملام و طح می خ بزرگ زروی ماس ش چهار دم حص عتاب بزر فقلونا -</p>
<p>حرفا - الهملا سح بکون لام و هم نزه فتح و کسرون و کسرون یثب حرفا - الحوت سح بکون لام و هم حاه ثانی و سکون و الف سکلیست که در سرهای بایند در جایی که دماغ است -</p>	<p>حب سحستانی سح بکسرین هملا و جیم سکون بین هملا ثانی با فوقانی و الف و کسرون ثانی و الف و کسرون فاقله الایچی سکون -</p>
<p>حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب</p>	<p>حب الرعی سح بر هملا و الف و کسرون یثب و کسرون یثب حب ق نرجانی سح بضم ق و ثانی و کسرون هملا و سکون ن با جیم و و الف و کسرون ثانی و ثانی و الف و کسرون یثب و کسرون یثب حب ق خراسانی سح بضم خا و بجه و در هملا و الف و سکون هملا الف و کسرون و ثانی و خراسانی -</p>
<p>حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب حرفا - الهملا سح بکسرین هملا و کسرون یثب و کسرون یثب</p>	<p>حب ق صغری سح بکسرین هملا و ثانی با الف بضم صا و هملا سکون بین هملا و فتح ثانی بکسرین هملا هم شایسته فرم و تخم بجان حب ق نفلی - بضم ف و کسرون لام ف با الف و کسرون یثب و کسرون یثب</p>

فی غنق رخ زنی شکل شنبه ص سحیح کمال است
چرخ الازد و رخ بالام و انت و سکون و زینجه و مست و داو و
سکون و راه و مکه و سنگ لاجورد -

تمینق الزام المله
چرخ الازد و رخ زنی و سکون و راه و مکه و مست و داو و
سنگ است بلون بسد و از جمله نسوم قالد است -

چرخ البقر و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
کا و زهره و آن باز به دست رخ جا و زنی و کا و زهره و کا و زهره
چرخ الباز و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ الطور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ القز و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
کانت که لشب و زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ القیش و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
مجه و سکون و داو و راه و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ النسر و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
م الکنت ه که بخت
چرخ النسر و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ النکاح و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
دو و مکه و انت و سنگ است که در زهره
و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ النور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ النور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
تمینق السین الیه

چرخ الازد و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
دو و مکه و انت و سنگ است که در زهره
و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ البقر و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
کا و زهره و آن باز به دست رخ جا و زنی و کا و زهره و کا و زهره
چرخ الباز و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ الطور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ القز و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
کانت که لشب و زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ القیش و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
مجه و سکون و داو و راه و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ النسر و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
م الکنت ه که بخت
چرخ النسر و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ النکاح و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
دو و مکه و انت و سنگ است که در زهره
و مکه و انت و سنگ است که در زهره

چرخ النور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ النور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
تمینق السین الیه

چرخ النور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
چرخ النور و رخ زنی و مکه و انت و سنگ است که در زهره
تمینق السین الیه

ف کس دوزده و چوتنه گلی	تمینق اللام
تمینق الملقان	جمل س ع نجه اول سکون ثانی و لام ف کبک و آتش خرا
ججر ارضی س ع نجه اول ثانی و سکون حمله و نجه نهم و سکون	تمینق المیم
ججر الحام س ع نجه حمله ثانی و نیمه و آلت و نیمه ثانی و ف کبک و نجه نهم و سکون	ججر الحام س ع نجه حمله ثانی و نیمه و آلت و نیمه ثانی و ف کبک و نجه نهم و سکون
ججر الم س ع نجه اول حمله و ف شادج	ججر الم س ع نجه اول حمله و ف شادج
ججر الرحام س ع نجه حمله و ثانی با فاجه و آلت و نیمه و سکون	ججر الرحام س ع نجه حمله و ثانی با فاجه و آلت و نیمه و سکون
قبولیا س گلی سفید و سبک و دی اقسام با نیش و نیمه و طاب	قبولیا س گلی سفید و سبک و دی اقسام با نیش و نیمه و طاب
ی ۳ قاطع نون و لام و سطل و اجازات بکسر و فطل و درام	ی ۳ قاطع نون و لام و سطل و اجازات بکسر و فطل و درام
دور و راد قاطع بودا سیر	دور و راد قاطع بودا سیر
تمینق النون	تمینق النون
ججر الزیتون س ع نجه نهم و سکون ثانی و ضم و ثانی	ججر الزیتون س ع نجه نهم و سکون ثانی و ضم و ثانی
و سکون و ادون م ججر البسوط اگر م شکست گویند س ع	و سکون و ادون م ججر البسوط اگر م شکست گویند س ع
ججر المرسن س ع بکسر مفتح سین و حمله و سکون ثانی و شکست	ججر المرسن س ع بکسر مفتح سین و حمله و سکون ثانی و شکست
تمینق الهماء	تمینق الهماء
ججر الاساکفه س ع نجه نهم و سین و حمله و سکون ثانی و شکست	ججر الاساکفه س ع نجه نهم و سین و حمله و سکون ثانی و شکست
ف سنگی که کشتگان اذرا یدان نیز کنند	ف سنگی که کشتگان اذرا یدان نیز کنند
ججر الحیدر س ع نجه حمله و ثانی و سکون و آلت و نیمه و سکون	ججر الحیدر س ع نجه حمله و ثانی و سکون و آلت و نیمه و سکون
ه سانپ کاسر آن معدنی است حیوانی جوانی را زان می گیرند و انرا	ه سانپ کاسر آن معدنی است حیوانی جوانی را زان می گیرند و انرا
پا و زبانه و دماغ و خونس و آن لولون مار بوده و آتش است	پا و زبانه و دماغ و خونس و آن لولون مار بوده و آتش است
که چون آب لیون مانده و حرکت آید جهت غیر غرض و آب	که چون آب لیون مانده و حرکت آید جهت غیر غرض و آب
ججر مشاند س ع نجه نیم و فطل و سکون و شکست	ججر مشاند س ع نجه نیم و فطل و سکون و شکست
در شانه آدمی بجز نچه چتری گویند اگر م و شکست	در شانه آدمی بجز نچه چتری گویند اگر م و شکست
ججر مشویه س ع نجه نیم و سکون و نیمه و سکون و ثانی و شکست	ججر مشویه س ع نجه نیم و سکون و نیمه و سکون و ثانی و شکست

منه بگویند
ججر مشویه
در سنگی که کشتگان
اذرا یدان نیز کنند

سبز که در مال خر کرده شود وزن جهت قوت بیستم شمال از تخمین	تحقیق التمثالی
جهت دماغ و شمال من در السوس یک کثیر ال آس	خند فوقی - سغ بفتح اول و سکون ثانی بفتح دال و همزة فاق
تحقیق التمثالی	و سکون واکو کسراف ثانی و سکون شمالی ف اندوه تو فود
خنا و قمریش سغ یکسر اول ثانی و الف و کسر سبز و همزة فاق	پست و آن سبز و الیت بری طلیح می ۲ و گویند ۳
و فتح را و همزه و سکون شمالی و شین مجده هم حرا از الفخر	قن لطف در رخ بنانی ش و در هم ص بند بال طلبة
تحقیق اللام	تحقیق الواو و تحقیق الف و قاسی
فقط سغ بفتح اول و سکون ثان و فتح حا و سجد و سکون	خوت سغ بفتح اول و سکون ثانی سغ سکف ف نامی یحیی
ف و خیر و فتح و اندازن کو بیل طلیح سوسی ۲ و گویند می ۲	تحقیق الراء المملک
مسبل محلل خ ناز و سید و هندی ش از یک قیر اونا کیم	و ر اسفندار ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر او مسبل و
و از تخم و دیدم از عمل او یکد انگشتم من کثیر یا حسگی فصح	پرو و سکون سین همزه و فتح فاد سکون نون با و ال همزه
نشا شتل حرل و چهار انگشت آن قار الحمار و یا حصا	الف و ر اسفندار ثانی م بستان افروز
و نیا انگ و زن آن قند و گویند دو وزن او	خو و بفتح اول و سکون ثانی و همزه و سکون را و همزه ف و هندی
حب البیل و نیم وزن طلیح لفظی و نیم وزن محمود	تحقیق الکاف
تحقیق النون	خوک - بفتح اول و سکون ثانی و کاف م با و ر و ج
خنا و جندون - بفتح میم و سکون جیم و همزة نون و سکون ثانی	تحقیق المیم
و یسینی و رد قیل سغ کتم ط گرم و شک من قز فکل لادن	خو جیم - بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون جیم و طلیح و کلا با و
تحقیق الهماء	تحقیق الهماء
خنا و الف و سغ بفتح میم و سکون لام و همزة و ال و جمل	خو مانه بفتح اول و سکون ثانی با سیم و الف و فتح ذن و فقا
و فتح لام و فقا و مام ابو خلا و ششکار	لام و فقا و ششکار و طرعتین و سس کوی
خطره و سیم یکسر اول و سکون ثانی و فتح طره و فقا و فقا	تحقیق التمثالی
را و همزه و سکون او گویند فتح ثانی و شد و میم و شد و س کاک	خو ای سغ بفتح اول و ثانی و الف و کسر را و همزه و سکون
خفه - سغ یکسر اول و سکون ثانی و فتح طره و فقا و فقا	ثانی ف از گویند از هر برینجه - میسدا -
	امع ری ق منضخ میان سیرخ و سفید و زیبا و فر

میان آن آب است
مست و سبک است
بدرین آب است
نوشته است
در سبک است
در سبک است
در سبک است

تینین الفاد المجد

خرقی اسودع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحد و سکون

خرقی ابین سرع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحد و سکون

خاف و فتح مزه و سکون بین و فتح و او و کل طح ی

خاف و فتح مزه و سکون بین و فتح و او و کل طح ی

ق مسلخ متوسط و فرجی و لاخری و کره و باجوف و سب

ق مسلخ متوسط و فرجی و لاخری و کره و باجوف و سب

سعد و اندک و برین و درشته های باریک باشد و بند در من

سعد و اندک و برین و درشته های باریک باشد و بند در من

بادام و کثیر الی کندش و پوست سبز کبر و سادی و بنمیزان

بادام و کثیر الی کندش و پوست سبز کبر و سادی و بنمیزان

دور یون و چهار انگه آن غار یون و نیمون و نیمون و نیمون

دور یون و چهار انگه آن غار یون و نیمون و نیمون و نیمون

خرزوف بفتح اول و ثانی و سکون و سکون و سکون و سکون

خرزوف بفتح اول و ثانی و سکون و سکون و سکون و سکون

خرد در و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال مهله و سکون

خرد در و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال مهله و سکون

را و مهله ثانی م غلیو ازه چسل

را و مهله ثانی م غلیو ازه چسل

خرو و الفار و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الفار و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خرو و الف و سکون ثانی و فتح و او و سکون لام با

خمس مع بفتح اول و سکون ثانی و کاف و طاء و یاء و نون	تتمیق الشین المجر و تمیق القوقالی
رق منوم رخ تازه و تسای بزر و قش و دشغال ص کافر	خشک پشت - ن بضم اول و سکون تین میر کات
و نفع ل هندی و فارسی و جاز نیست که باریا بباریک او	و نیم موند که فارسی و سکون شین بیهانی و قوقالی لاک پشت
درو س آب بود و خسته او شنیده بدانه جو باشد که یک تراز	تتمیق الزا و الموله
چو گویند مرغ نیست سفید رنگ که بزرگ تر از کنگک باشد	خشک - ن بضم اول و سکون شین معجمه کات و الف دار
تتمیق الفار	مهایف اردی که از دوسه نما که گرفته باشد بر چنجا آتا
خمس مع بفتح اول و ثانی و سکون قاف و گان و نون	خمسار - ف بفتح اول و کسری ثانی و سکون تمانی و نون
تتمیق القاف	موله الف م نوسه از مرغانی که پیشان بیا و میان شتر
حق - بکسر اول و سکون ثانی و قاف م کل مصغر	تتمیق الزا و المجر
تتمیق الکاف	خمس الشو نیز مع بفتح اول ثانی و نیم موند و شین میر کات
خشک - ف بفتح اول و ثانی و سکون کاف عربی هندی	و د و بول و کسری ثانی و سکون ثانی می جو بیا که میر کات
و کمر و بکسر اول و سکون ثانی م کل مصغر	تتمیق الشین المجر
تتمیق الواو	خمس ش - مع بفتح اول و سکون ثانی ابنا بجهانی و الف دار
خسوف - ف بفتح اول و نیم ثانی و سکون ذاد م خسته	بجهانی و کات که از ره جو نیز اخ ایض یعنی سفید ط بیا
خسر و دار و بضم اول و سکون ثانی و فتح را و موله و سکون	و اسود یعنی بیا ب ی گویند که موند فتح سفید تازه
و او با و ال موله و الف و نیم را و موله ثانی م قولیان	فرش از سفید او و د م تا چند دم و از بیا و نیم دم ط
تتمیق الباء	صل با قند یا عصاره لسان الحمل یا از زیند ل زخم
نیمه - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و نفع	و بیا د م شیرین مقشر
م تخم میو یا مانند شفا لو و خسته م	تتمیق الفاء
فسکه اند - ن بکسر اول و سکون ثانی و کاف با و ال موله و نون	خشک شیف - مع بفتح اول و کسری ثانی و سکون تمانی و قاف برت
تتمیق التمانی	تتمیق اللام
خسروی - ن بضم اول و سکون ثانی و فتح را و موله و کسر	خس - ف بفتح اول و ثانی و سکون لام م مقل
و سکون تمانی م نوسه از شراب بکیده	تتمیق النون

<p>تیسری خاموشی</p>	<p>والف کہ کچھ بلج ہی گونہ منق لطف ہی نہ تھی</p>
<p>خوش - ع بفتح اول و سکون ثانی و خاء بفتح ثانی و ثقیلا و - و آو و ط ب ر گونیداق قاص مروح انچه استخوان بقدر از و جدا شودش یک کت من بخیل مری حاصل شد</p>	<p>سطر کہ گونہ ش از نیم دم یک دم ص کثیر او پیراے چرب مندل کا نوید او بر شمل فتنل یا قرفہ دور در گرد و قوت با ایک نیم وزن و اپنی نوید وزن برگ فرہین -</p>
<p>تیسری از اول الہام</p>	<p>خون سیا و نشان بضم اول و سکون ثانی و کسرون نیز</p>
<p>خوش نظر بضم اول و ثانی بجدول و سکون شین و بفتح ثانی و نون و خاء بجد و را و مہلہ کلکہ گونید سرخ مرد -</p>	<p>مہلہ تختانی و الف ششم عاد و شین بجد و الف ثانی ع دم الاوین و گونید بضم و مہلہ کیکہ چون افراسیاب سیاوش ارگشتن با یک خون بجد و رانجا این نبات رستہ و مہلہ کلکہ</p>
<p>تیسری العاد و المہلہ</p>	<p>تیسری الواو</p>
<p>خوش - بفتح اول و سکون ثانی و ضا و مہلہ ورق مقل و ورق مقل و ورق مارگیل را بدین نام خوانند -</p>	<p>خو لویف بضم اول و ثانی بجدول و فتح لام و ضم لام ثانی و سکون ما و ثانی را زبانی نہ بری -</p>
<p>تیسری العین و المہلہ</p>	<p>تیسری الہاء</p>
<p>خوش اقرع - بفتح اول و سکون ثانی و کسرون ثانی و نون و سکون قاف و فتح ر و مہلہ و مین م سادج ہندی -</p>	<p>خواجہ گیاه بضم اول و ثانی و معد و الف و فتح جیم فارسی و خاء و کسرون کاف فارسی یا تختانی و الف و باسا -</p>
<p>تیسری الکاف</p>	<p>تیسری الہاء</p>
<p>خواجیم الملک و ف کل محتوم و نیز ختم الملک گونید بجد و او و یاءے تنہا سنے - خورد و ک - ف بفتح اول و ثانی و سکون ثانی و نون خوک بضم اول و سکون ثانی ع خنزیر -</p>	<p>خوبہ و بضم اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م و با و ف خوش فلیق رستہ بفتح اول و سکون ثانی و کسرون ثانی و نون خود و خرد و سب بضم اول و ثانی بجدول و قاف و فتح ہمزہ و سکون سین مہلہ و فتح قو قالی م قاقہ -</p>
<p>تیسری اللام</p>	<p>تیسری الہاء</p>
<p>خوال - ف بفتح اول و ثانی و الف و نون م ضعیف -</p>	<p>خویشانی و را و مہلہ و مہلہ و ثانی بجدول و ثانی ناظہار بام گل تاخ خردم</p>
<p>تیسری النون</p>	<p>خوی جاہ - ف بضم اول و ثانی بجدول و سکون ثانی و با و نون و الف</p>
<p>دلان - بفتح اول و ثانی و الف و نون م ضعیف - بجنان - بضم اول و ثانی بجدول و کسرون و سکون نون</p>	<p>انہار بام خراطین و کچھ اوطا اگر ام و تر - تیسری الیہ و تختانی و تیسری اللام</p>

خواجیم الملک و ف کل محتوم و نیز ختم الملک گونید بجد و او و یاءے تنہا سنے - خورد و ک - ف بفتح اول و ثانی و سکون ثانی و نون خوک بضم اول و سکون ثانی ع خنزیر - خواجہ گیاه بضم اول و ثانی و معد و الف و فتح جیم فارسی و خاء و کسرون کاف فارسی یا تختانی و الف و باسا - خوبہ و بضم اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م و با و ف خوش فلیق رستہ بفتح اول و سکون ثانی و کسرون ثانی و نون خود و خرد و سب بضم اول و ثانی بجدول و قاف و فتح ہمزہ و سکون سین مہلہ و فتح قو قالی م قاقہ - خویشانی و را و مہلہ و مہلہ و ثانی بجدول و ثانی ناظہار بام گل تاخ خردم خوی جاہ - ف بضم اول و ثانی بجدول و سکون ثانی و با و نون و الف انہار بام خراطین و کچھ اوطا اگر ام و تر - تیسری الیہ و تختانی و تیسری اللام

<p>دارشمال - ف کبر را در مسله بانوی و با مال فم فرشته بقم - دارشمال - بسکون شین بقره با مال فم فرشته بقم - دار اول - بفتح واد فم فرشته بقم -</p>	<p>دارشمال - ف کبر را در مسله بانوی و با مال فم فرشته بقم - دارشمال - بسکون شین بقره با مال فم فرشته بقم - دار اول - بفتح واد فم فرشته بقم -</p>
<p>تتمیق الهم</p>	<p>تتمیق الهم</p>
<p>دارم - و بدال جمله فم فرشته بقم و بسکون شین فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق الهم</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>قانون - و بدال جمله فم فرشته بقم و بسکون شین فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>تتمیق السین</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>دارم - ف کبر را در مسله بانوی و با مال فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>دارم - و بدال جمله فم فرشته بقم و بسکون شین فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>تتمیق السین</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>دارم - ف کبر را در مسله بانوی و با مال فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>دارم - و بدال جمله فم فرشته بقم و بسکون شین فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>تتمیق السین</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>دارم - ف کبر را در مسله بانوی و با مال فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>دارم - و بدال جمله فم فرشته بقم و بسکون شین فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>تتمیق السین</p>	<p>تتمیق السین</p>
<p>دارم - ف کبر را در مسله بانوی و با مال فم فرشته بقم -</p>	<p>تتمیق السین</p>

دلب - مع لسم اول سکون ثانی ف ذوت بنار ط جوز	تمیق الباء
و تفتیح سیه ف یفتح اول سکون ثانی ف یفتح ذلتانی و سکون فین غیر	
موده و وادج اول ف یفتح ثانی و ذخار بارح در ادب م شام ه کتله	
خنده ص عود یا دارین ل قشور لاران -	
تمیق المشد	و کبر غیر قریسی از دست و در انداختن شل خرچ و کرک و لکیدن
	آن سخن دماغ و متوی آن و فتح سده و نامی -
دلبوش - یفتح اول سکون ثانی و فتح موده و سکون واد	تمیق التین البجره تیس الزار المله
و شلش فو علی از سوسن برے -	
تمیق البین المله	و سمر ف یفتح اول سکون ثین مجر و فتح میم و سکون بار
	سلام شل ر ع درج ه اهر -
دلیس - یفتح اول و کشر ثانی و سکون ثانی و کشر فین	تمیق التسانے
دکون سین ف نو سے از صف کویک -	
تمیق البین المله	دش - و بنم اول سکون ثانی و کسوف ثانی و سکون
	تختانی م زو و جو تک -
دلاع - مع بنم اول بانی مشد و الف ثین ه لیه بند دانه	تمیق الفاء و تمیق الزاء المله
تمیق الکاف	دخار - یفتح اولی فاد الف و را مملد و کار -
دلک - ف یفتح اول و ثانی و نیم و سکون کات م غیر	تمیق التا سنے
دلیک - یفتح اول و کشر ثانی و سکون تختانی ف	
دلک - ف یفتح اول و ثانی و سکون کات م غیر	دقلی - مع بکر اول و سکون ثانی و سکون تختانی ف غیر
تمیق الکاف الفارسی	و کیر ط ح ی س ق ممل خ سطر بزرگ و ورق بسیار
دلک - ف یفتح اول و ثانی و سکون کات م غیر	طح سدر خ گل سخت شمش بندرم -
تمیق اللام	تمیق القاف و تمیق النون
دلک - ف یفتح اول سکون ثانی بدل ه لیه بند دانه	و قطامانون - یفتح اول و سکون قاف با طام مملد و الف و م
دلک - ف یفتح اول سکون ثانی بدل ه لیه بند دانه	و الف ثانی و فتح ذون و سکون وادون م شکله اشبع -
تمیق اللام	تمیق اللام و تمیق الموحده
دلقین - یفتح اول و فتح ثانی و کسوف سکون تختانی و ذون ف	والی شوب - ف بکر اول و سکون لام و دهمز و ضم
لهی بزرگ سیاه رنگ که شمش بزرگ مانع غیر میرا بحر	تین مجر و سکون واد و موده م چنگلشت و نیمه لاد -

<p>مخوک باهی ۵ سوس طمرد و قریب مع دو زلف اطفال و بره بسیار بسی ست رخ ماخو ذ از غریبای کوی از موشی مغز و موشی اعصاب و پیا و گرم اگلا و قیفا جوت و در دنا عمل و کوه ساله ص بود و نفل و فخر و دایطینی و سرکل و مغز ساق و در جوف نفل گذاشته باشد جهت گرانی ساسه او بخشن</p>	<p>تمیق القاف</p>	
<p>دندان او را رخ صرع اطفال و سدرین الاتر</p>	<p>تمیق السار</p>	<p>و مسق - ع کبر اول و سکون ثانی و فتح سین ممل و سکون ثانی و ایشیم سفید</p>
<p>ولم - ف بفتح اول و ثانی و سیم و خفا یا م پیر تر</p>	<p>تمیق المیم</p>	<p>ولم - ف بفتح اول و ثانی و سیم و خفا یا م پیر تر</p>
<p>ولم - ف بفتح اول و ثانی و سیم و خفا یا م پیر تر</p>	<p>تمیق المیم</p>	<p>ولم - ف بفتح اول و ثانی و سیم و خفا یا م پیر تر</p>
<p>دم الدجاج مع شمع اول و سیم میم شد و دال ممل شد</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>دم الدجاج مع شمع اول و سیم میم شد و دال ممل شد</p>
<p>ثانی یا سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>ثانی یا سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>
<p>دم السیم مع بفتح اول و سیم میم شد و کسر فانی شد</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>دم السیم مع بفتح اول و سیم میم شد و کسر فانی شد</p>
<p>د سکون ثانی و سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>د سکون ثانی و سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>
<p>اول و فخر و سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>اول و فخر و سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>
<p>بسر و صا و خفا و سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>بسر و صا و خفا و سیم و الف و سیم ثانی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>
<p>طاب رقی و موشی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>	<p>تمیق السیم و تمیق الحجم</p>	<p>طاب رقی و موشی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم</p>

طاب رقی و موشی و فح ن الی ان خماخ و زفا و سیم

وسه - ف باکر اول سکون ثانی و فتح سین مملد و خدر
م ابریشم سعید رخ و مسق -

در مسیحیه - ف بنهم اول و سکون کسرین مملد و سکون
تختانی و فتح هم فارسی کا ندرک رخ و مسود و نموده -

تمینق الذنون و تمینق الدلال

فند - ف بفتح اول و سکون فون دال مملد ثانی م باوع
حبسا طیس ه بال گواط ح ی م ق سسل رخ

پیشی بعد از و خبری بعد از و نندی ش از یک نیم چه نادره
از و دالک نمایند رخ نشاسته بنهم اول و فتح نونی از و زور -

تمینق الزا و السلسله

و فقره بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون هم
و نشوره و با ح ط ح س -

تمینق الساس

و فقره بنهم اول سکون ثانی و فتح قاف و خنار و ان یا سین و جلیا
تمینق الواو و تمینق الالف

و و باق بنهم اول مملد و او مجهول با موحده فارسی و الف ک
سرخست کد و درخت بلوط یا بند و آن ابریشم شال آن گنگه

تمینق الحما و السلسله

و و بار و ح بنهم اول ثانی مجهول با موحده و الف و هم
مملد و سکون و او ثانی و او مملد ک کج -

تمینق الحما و السلسله

و و ح - ف بنهم اول سکون ثانی فارسی هم رخ و و زور -
تمینق الزا و السلسله

و و دال هم سر رخ بنهم اول و سکون ثانی و هم و ال
همانی ثانی و سکون لام و فتح عا و هم و کسر و او مملد و سکون
استخوانی و او مملد ثانی و ف کرم ابریشم -

و و سر - السهم اول ثانی مجهول و فتح سین مملد کاکل و جو بر
و کرم هم حواری طح رای م گوندب ق سسل رخ سیار

تمینق الزا و السلسله

و و دال هم سر رخ بنهم اول سکون ثانی و هم دال مملد ثانی و سکون
لام و کسر ثانی و سکون را و مملد و کسریم و سکون ز و هم

تمینق الساد و السلسله

و و ص - ع بنهم اول و سکون ثانی و او مملد و ف آبی است
و آبرین نافه در داندازند -

تمینق النین و السلسله

و و قس - بنهم اول و سکون ثانی و کسر قاف ع بسلح
تمینق الکاف

و و غ - ف بنهم اول و ثانی مجهول و غیر بجه ه چا حجه -
و و الک - ف بنهم اول با ثانی و الف و فتح لام و سکون

تمینق اللام

کاف ع آشته و هم ط -
و و لک - بنهم اول با ثانی و فتح لام و فلفلیو -

تمینق اللام

و و ال - ف بنهم اول با ثانی و الف لام هم زور
و یغنه گویند عا لیفر ف پوست یخ زیر تو -

تمینق الزا و السلسله

ران بسکون ذون ف درخت نگوزه - رایسن - و کبر تخانی وین معلوم نام درخت بندیت	رب السوس - ع بضم اول و ثانی مشدود سین مهله مشدود و سکون داو و سین مهله ثانی ف عصاره بک -
تمیق الواو	تمیق القاف
رالو - ف بضم موحده و سکون واد نام غمی است - راسو - ف بضم سین معلوم موش خرباع ابن برس و نموده -	ریرق سربانی بکمر اول و سکون ثانی و کسر راه سسل ثانی و سکون قاف م عنب الشلب -
تمیق الراء	تمیق اللام
راجه - ف بسکون و او فتح جیم فارسی م ذی انگور - راسه - بسکون و او فتح سین مهلام اشتر غار -	ریل - سربانی بفتح اول و سکون ثانی و لام م انشتین کوی - تمیق الموحده الفارسی و تیق الدال المله
راداده - ف بسکون و او بهم فالت و فتح دال مهلام کوزه - رافه - ف بفتح و او فارسی است لئز سر کز آریز بیان کرد و بخیزد -	رید و ریو - ف بفتح اول و موحده فارسی و سکون دال مهلام و لغت اول و فتم ثانی فارسی و سکون و او و لغت ثانی م گیاهی است که چرند و راست کند -
تمیق النون	تمیق القوافی و تیق الالف
رادوبی - ف بسکون ال مهلام موحده و او و هو و ای و اخی غ رازنی - بکسر و اوجه و قاف ف کل زینق - راز یا نچ شامی در می بسکون اوجه و اخی و فالت و فتح حیو نیست مانده و عکوت ف خایه گیرک دله و انگورک نامند ذون کسریم باشین بجه و الف و کسریم سکون تخانی فتح و او و فتم اول و از سوم قتال باردوست و گزیدن او و خردن و عکوت مهله ثانی و سکون و او ثانی و کسریم ثانی م انیسون -	رتلا - و یوانی بضم اول و فتح و قافی و سکون تخانی بالام ف قتال است و فماد و کوبیده او برگزیده اش بجزب و فتح هم میکت تمیق الالف
راطینی - یوانی و او مهله و الف و بکسر طار و سکون تخانی و کز و م همه عکس را برین نام میزنند و عکس یعنی بکسر طار و کز و ف و او و فتم اول و از سوم قتال باردوست و گزیدن او و خردن و عکوت عکس و فتم رانی - و او و فتم و الف بکسر مزه و تخانی و ف خزل -	تمیق الالف
تمیق الراء	رته - ف بفتح اول و ثانی مشدود و خفا و او و رتجا -
تمیق الراء	تمیق الهمزة و تیق القوافی
ربیعاسع بفتح اول و کسر موحده و سکون تخانی یا قوافی و الف ف ما هی کو یک طح -	رطل العقاب - ع بکسر اول و سکون ثانی و فتم اول و سکون لام ثانی و فتم عین مهلام باق و الف و موحده و فتم طریال -
تمیق السین المهمله	تمیق الهمزة

<p>رقاس - بضم اول وفتح ثانی وکسر فاق ثانی و سکون آن ا ن ا ز ا ن د ک ب ک ز و د و ج ب ق ت ل و ا ن د و ی ت و س ن ا ی ن ج ا د ت</p>	<p>سین مهلام خصی الشک و کوند لبست بر بری -</p>
<p>رقاس - ف بفتح اول و ثانی و الف م معطی ملک الروم</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>رق - ع بفتح اول و سکون قاف و پست شک بشت</p>	<p>تمیق النون</p>
<p>رقون - ع بفتح اول و ثانی و سکون و ا و و نون م حنک</p>	<p>تمیق الهاء</p>
<p>رقعه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین مهلام و خا و یام اسمی</p>	<p>تمیق الصاد المعجم</p>
<p>سرخ رنگ و هر دار وکی کجبر کند آنرا رقه خوانند</p>	<p>رقعه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین مهلام و خا و یام اسمی</p>
<p>طایب ی گویند معری نج بزرگش و اقیه از شراب</p>	<p>رقعه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین مهلام و خا و یام اسمی</p>
<p>رکت بجهت - و فتح اول و کاف و سکون قو ثانی و ضم موحه</p>	<p>تمیق اللام</p>
<p>رمان حلو - ع بضم اول و سکون میم و منز و خاک و با فتح</p>	<p>تمیق الهمزة</p>
<p>رکاسه - ف بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح سین مهلام</p>	<p>تمیق الهمزة</p>
<p>رکاسه - ف بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح سین مهلام</p>	<p>تمیق الهمزة</p>
<p>رمان البرج - ع بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح نون و سکون لام و فتح موحه و ا و ا هلاک شده و درختی است که بخت</p>	<p>تمیق الهمزة</p>

تتمیق الحار البیحه	تختانی بانون ثانی دالت م سفت رنگ -
روح - ف بنضم اول سکون ثانی و حاء مجریای سکت کزیرا آب برید و از ان جنس برافستد م روح و ف	تتمیق الدال الملهه رنگ - بنضم اول سکون ثانی م بر و گویند و سخت پاک خوب دو فنیوی و بعضی درخت خود را هم گویند -
تتمیق السین الملهه	تتمیق الفاد
روح - ع بنضم اول هز و سکون داد و سین مملکت سرخ رق مندی ح سگوانان مستال الخیر بنضم اول سکون ثانی و روناس - ف بنضم اول ثانی ج و ل و ن الف ع فوه و محیط ط	رنگ - بنضم اول سکون ثانی ف بید مشک -
روح و خشک متع سد و در اول فین و عرق و معوی معدود و مست بنین من کتر او سین شش یک شال کیاب و سلیم و مویز رومنش - و بنضم اول ثانی ب و ل و ف و قح باد سکون و ن بایسین م کدیل ع اذ خسه -	تتمیق الکاف الفارسی رنگ - بنضم اول سکون ثانی و کاف فارسی م بزرگو
تتمیق الشین المبهه	تتمیق الواو و تمیق الالف
روح و الحار و الف و ش س بنضم اول سکون ثانی و فم شانه سکون لام و کسر حاء یلمیم الف و کسر یاء ثانی و سکون لام ثانی و ف و قح و او سکون حاء همک ثانی و سکون گور خر -	رویا - و بنضم اول سکون و او با و حاء فارسی و الف ف نشرة مبدوحه تازی م رویا و ترکیب روح - و بنضم اول سکون ثانی و فح جیم فارسی با و ثانی م
تتمیق الکاف	روح و ثانی و کسر و ثانی با و ثانی و الف و جت رومینا - و بنضم اول ثانی ج و ل و کسر و سکون تختانی بانون و الف م پولا و جهر دار -
روح و یاء و ترکیب - و بنضم اول سکون ثانی و یاء و حاء و او یاء و فم و ثانی و سکون یاء و ثانی و ف و ح و حاء سکون کاف ع غب الثلب -	روی تو تیا بنضم اول سکون ثانی و تختانی مجبول و فم و ثانی و سکون و او ثانی کسر و ثانی ثانی با و ثانی م جت -
روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -	تتمیق الجیم
روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -	روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -
روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -	روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -
روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -	روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -
روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -	روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -
روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -	روح و سکون اول سکون ثانی و فح سین مهلا و سکون خارجیه و فح و ثانی و سکون جیم ف مس در و سوخته طحی حق محفف کال محلی خ سفری رفیقش نیرم ص فم کثیر و شش بوسین سازد -

دارد کسیت هندی نامدکات شکم تا طبل -	مرمتی - ع بیع اول و سکون ثانی و کسرتن معجمه و سکون
تتمیق التون	تختانی آریه که از کعبه شازند طح ح -
رو میان ع بیع اول و ثانی مجهول و کسرتن معجمه و تا تختانی	تتمیق الیاء التختانی و تتمیق الالف
دالت لون م اریان و ف لغز دنیای د جمیعکا -	پیشا - کسر اول و سکون تختانی و فتح توانی هندی و لغز
زوبین و ف بیع اول و ثانی مجهول و تختانی معجمه و م جمیعکا -	دالت ع بند ق هندی -
تتمیق الواو	کیرکا - کسر اول و سکون ثانی و نیم وزن با کاف دالت قی
رو بخوف بیع اول و ثانی و سکون وزن و فیم جیم و	تتمیق الفتواتی
سکون و او ثانی - ح اریه -	ریسعت - یونانی کسر اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون
تتمیق المسار	سین مهله و فتح عین مهله و سکون توانی م -
رو حجه - ف بیع اول و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی و لغز اریان	تتمیق الجسیم
رو س انگزده - ف بیع اول و سکون ثانی و نیم مهله و فتح میم و سکون	ریباج - کسر اول و سکون ثانی با موحده و دالت و فتح وزن و
و نیم فارسی و سکون مجهول و فتح جیم فارسی و لغز اریان	سکون جیم و ف نیم از سر طان بحر طاب را -
رو بین حجه - ف بیع اول و ثانی مجهول و فتح تختانی و کسرتن و	ریباج - کسر اول و سکون ثانی با فو قانی و دالت و فتح وزن و سکون
مونده فارسی و سکون تختانی ثانی و کسرتن جیم فارسی و	ریولج - ف کسر اول و ثانی مجهول با و او دالت م ریسیان
سکون تختانی ثالث و فتح دال مهله کسیر -	تتمیق الدال المهله
تتمیق التختانی	ریحان داو و بیع اول و سکون ثانی با ما مهله و دالت و کسرتن
رو باد ترکی - ف بیع اول و ثانی مجهول با موحده و دالت و لغز اریان	دال و دالت ثانی و فیم هرزه و سکون و حال دال ثانی و فتح کسرتن
و نیم توانی و سکون و دال و کسرتن و سکون تختانی و فیم و	تتمیق الراء المهله
رو لی - ف بیع اول و سکون ثانی و کسرتن و فتح تختانی و کسرتن	ف کسر اول و ثانی مجهول فتح خا و جیم و فتح اریان
تتمیق الراء و تتمیق الراء المهله	تتمیق السین المهله
رو بیع الفار بیع اول و سکون ثانی و فیم جیم و سکون لام	ریباس - ع کسر اول و ثانی مجهول با موحده و دالت و بیواس
با و دالت و دال و دال و ف فارسی و ف مرگ و ف سیکه	وریلاج و دال و جیم بیج و اوست و دالت بی و حق قانع و فیم
تتمیق التختانی	و فوی دل خ فارسی و فیم بیج و دالت و فیم و فیم

ثانی و سکون لام و فتح جیم و وحده ثالثه م و مزج -	فت سر و کستانی به یحیی طحیحی ساق ملط فتح آواز
تتمیق الواو	خوشبودن تیردم ص جلاب نیم گرم با مندل یا بشکرل
زبان گا گو - ف بفتح اول و ثانی و الف و کسرون با کاف	دار چینی با کباب یا بلخ یا شتر اترج -
فارسی و الف و او و مجهول م گا و زبان -	تتمیق القوافی
تتمیق الساء	زیرین درخت - ف بفتح اول و کسرتانی شده و سکون
زبان بره - ف بفتح وحده ثانی و راء و هاء و باء یا یاء	تتمیق الواو
وجوده - ف بفتح اول و ثانی و سکون و الف و حاء و کاف	تتمیق الواو
تتمیق و تتمیق الجیم	تتمیق الواو
زجاج - ع بضم اول با جیم و الف و سکون ثانی ف اگین	تتمیق الواو
یشیشه - کاف طحیح ای به کیدب اوق ملط بجای خ مفید	تتمیق الجیم
شنان ط اگر م نه خشک ص کیزش از تیردم تا یک درمل	تتمیق الواو
زیر جید و استمال و مسوق شل بخار باید -	تتمیق الواو
زج - ف بفتح اول و سکون ثانی م قز قزوت -	تتمیق الواو
تتمیق اللام	تتمیق الواو
زج مجبول - ف بفتح اول و سکون ثانی و ثیم و سکون و لام و حاء و کاف	تتمیق الواو
تتمیق الال و تتمیق الراء و الهمله	تتمیق الواو
رد و ارس بفتح اول و سکون ال و حاء و الف و راء	تتمیق الواو
همله جید و ارس ماه یروین ه زبسی -	تتمیق الواو
تتمیق الراء و الهمله و تتمیق الالف	تتمیق الواو
زیر براسه برانی بفتح اول و کسرا و همله و سکون و ثانی یا راء	تتمیق الواو
مطله ثانی و الف ع بقله الهمله	تتمیق الواو
تتمیق الموحده	تتمیق الواو
زرب سب بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون موحده	تتمیق الواو

<p>زردقون - سرانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم ثالث و سکون مادون م - سه سنج - مسندور -</p>	<p>بعد از آن که میده از ای زرد شده و را گنبد باریک شود و گنبد و گنبد را غل نمایند تا همه زعفران گردد و به سترین اقسام او خردند</p>
<p>زردون - بفتح اول و سکون ثانی و ضم ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>در زمین خشک دفن کنند تا در در مجموع زعفران میشود</p>
<p>زردخو - ف بفتح اول و سکون ثانی و دال حمله و فتح خا و سجد سکون و اوم گماهی است که گلشن زرد و خوشبود -</p>	<p>و گرم خشک قابض و از جمله موم طح ۲ ی او ضا و او جهت فقر و دیوانه و داض و نشوت یک چشم و غنچه و با سر که جهت باد سرخ و پوششهاست عار و مجرب و فرزند</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>
<p>زردف - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و سکون و همگی شالیان -</p>	<p>و جهت قطع حیض و زرد راه جهت قطع خون بن و اندام و قوت</p>

تینق الکاف	زکالاب - ف یغم اول دکاف فارسی دالت و لام و الف
رخاک - ف یغم اول ثانی و الف هم شخ و قمت انگر - ثانی و موسده م دکاب -	
تینق اللام	تینق اللام
زغلال - یغم اول و فتح ثانی و الف و لام ه کوه -	زکال - ف یغم اول دکاف فارسی دالت و لام و گشت
تینق النون	نانه و ننه و انگر نیز گویند ه کوه ب سگ -
زغن - ف یغم اول ثانی و سکون نون م غلوه و حل	تینق الهساو
تینق الفار و تینق الفد ثانی	زکاله - ف یغم اول یا ثانی فارسی و الف متفتح و متغایع و د
رفت - ف بک اول سکون خا با فو ثانی و ده انبست چینه	تینق اللام و تینق الکاف
که از منور بی بر حاصل شود کان بر سه قسم است رد می یا ب	زکالیک یغم اول و فم لام و سکون و او دکاف م و ک
در طب طح ۲ ق مظل لحم مجای قروح خ باق صاف پاک	تینق الواو
المس بن از روی یکدم تا دو درم ص کثیر یا اسفیداج	زکوف - ف یغم اول و فم لام و سکون و او م و یو ص و ع و ط
که کاف و زل جاد شیر و ملک الیثم و موم و نکلان -	تینق الهساو
تینق الفار	زکله ف بک اول و فتح ثانی شده و خا و ز م جاور یست
رخیرف - اندلسی بک اول و ثانی و سکون تمانی و غیر تمانی	ماند که در ده و بی گرم بخانه و صحرانرا بد کند -
نیز آمده و فتح زای سیمه ثانی و فار ثانی ف عاب -	تینق الیم و تینق البجیم الفارسی
تینق الفاف و تینق الیم	زوم یغم اول و سکون یم و جیم فارسی بیکر و بک اول
زوم یغم اول و فم کاف و سکون و او یم و هیده و و توجیز	و فتح ثانی شده و جاور یست که از چرخ گویند -
تینق الدال و سکون	تینق الدال و سکون
زمر و یغم اول و ثانی و دار هیده و سکون ال مله و جاور	
و سپر و جهت فایق و فقر و اشال آن شراب و ضاد آگانه و	
مصدق و محدود یا کننده و بلین شیر نازق و چار قراطل	تینق الکاف و تینق الموحده
تینق الکاف و تینق الموحده	تینق الفاف و تینق الموحده
زکاب ف یغم اول و کاف یا بر حده م یا ب یا فشن ع کوه	زمار و ف یغم اول و ثانی و الف و فم رار و سکون
تینق الکاف الفارسی و تینق الموحده	دلو و قین سیمه شمار و ف -

سالمند را بسین مهله الف و الف تانی و فتح سیم
و سکون نون و فتح دال جمله بار اول مهله الف ثالث م
نوشته از غنای است که چهارم ای دل در دو در کان و شاد
بسیار بود و ذنب و سه کوتاه بود و سیم سیاه بود و آن بزرگتر
و همین تر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک بود و نون وی
المنی زرد و سیاه بود و گوشت چوبان آتش اندازند نسوزد
و چون در آتش زنده کار گرفت و از جمله سیم قناره
است مانند زرار هیچ -

تتمیق الفوقانی | تتمیق الدال المله

سالمند را بسین مهله الف و الف تانی و فتح سیم
و سکون نون و فتح دال جمله بار اول مهله الف ثالث م
نوشته از غنای است که چهارم ای دل در دو در کان و شاد
بسیار بود و ذنب و سه کوتاه بود و سیم سیاه بود و آن بزرگتر
و همین تر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک بود و نون وی
المنی زرد و سیاه بود و گوشت چوبان آتش اندازند نسوزد
و چون در آتش زنده کار گرفت و از جمله سیم قناره
است مانند زرار هیچ -

تتمیق البسیم | تتمیق الرام المله

سالمند را بسین مهله الف و الف تانی و فتح سیم
و سکون نون و فتح دال جمله بار اول مهله الف ثالث م
نوشته از غنای است که چهارم ای دل در دو در کان و شاد
بسیار بود و ذنب و سه کوتاه بود و سیم سیاه بود و آن بزرگتر
و همین تر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک بود و نون وی
المنی زرد و سیاه بود و گوشت چوبان آتش اندازند نسوزد
و چون در آتش زنده کار گرفت و از جمله سیم قناره
است مانند زرار هیچ -

سالمند را بسین مهله الف و الف تانی و فتح سیم
و سکون نون و فتح دال جمله بار اول مهله الف ثالث م
نوشته از غنای است که چهارم ای دل در دو در کان و شاد
بسیار بود و ذنب و سه کوتاه بود و سیم سیاه بود و آن بزرگتر
و همین تر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک بود و نون وی
المنی زرد و سیاه بود و گوشت چوبان آتش اندازند نسوزد
و چون در آتش زنده کار گرفت و از جمله سیم قناره
است مانند زرار هیچ -

سالمند را بسین مهله الف و الف تانی و فتح سیم
و سکون نون و فتح دال جمله بار اول مهله الف ثالث م
نوشته از غنای است که چهارم ای دل در دو در کان و شاد
بسیار بود و ذنب و سه کوتاه بود و سیم سیاه بود و آن بزرگتر
و همین تر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک بود و نون وی
المنی زرد و سیاه بود و گوشت چوبان آتش اندازند نسوزد
و چون در آتش زنده کار گرفت و از جمله سیم قناره
است مانند زرار هیچ -

سالمند را بسین مهله الف و الف تانی و فتح سیم
و سکون نون و فتح دال جمله بار اول مهله الف ثالث م
نوشته از غنای است که چهارم ای دل در دو در کان و شاد
بسیار بود و ذنب و سه کوتاه بود و سیم سیاه بود و آن بزرگتر
و همین تر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک بود و نون وی
المنی زرد و سیاه بود و گوشت چوبان آتش اندازند نسوزد
و چون در آتش زنده کار گرفت و از جمله سیم قناره
است مانند زرار هیچ -

فيل هر جادو دالک زن کن فتح نه یا کله دالک قبا -	تمنیق التسانی
ساطر لوبن - فتح طار موله و سکون را و حله و غم تسانی بکون و اوم نفسی اقلب -	ساشی - و بکسر فوکانی هندی و دندار باد سکون تسانی ف قسمی از شالی سدر رخ هندیست -
ساگون - و فتح کان فارسی سکون او و خست شمو نه که برگهایش بگوش نخل باد و خست تالکس گش چون بسویان -	ساجی - و بکسر جیم فت شخار - ساری - فت بکسر را و ملام سار - سالی بکسر لام م انجلمان رومی دکاسم رومی -
ساجهر لون - و بین هله و الف و خنار لون و موحده نه و سکون او و ملام و سکون او لون ثانی و عین و لم اندلانی سان - و ساوان و گکی که بران خنجر و کار و غیره و تیر کنند و آفرانسان نیز خوانند رخس -	تمنیق الموحده و فتح الالف سین التشریخ فتح اول و سکون موحده و غم عین موله و تیر شد و فتح عین هله ثانی بار بار موله و الف م اقیون -
ساقوان - و بین هله و الف و خنار لون و دال و الف و زن نمایه ایست هندی فت سالخ -	تمنیق التوقانی سبلیت - فت بکسر اطل بکون ثانی و کسر لام و سکون فوکانی غم
تمنیق الادو	تمنیق البجیم
سارو - فت یضم را و موله و سکون و اوم ساز و ج و دلا و جبول م یا و زیست سیاه رنگ که در میند بهر سرد و ماند طولی من گوید و آرا شاستر و شمارک نیز گویند -	سیح رخ فتح اول و موحده و سکون جیم و تیر سبای تمنیق الحما و الجیمه سرخ - فت بکسر اول و فتح ثانی و سکون خا و مجیم نمک - تمنیق الدال الهله
شاور - فت تله خالص که شکسته و زریه باشد رخ فرانسه و نیز و یه خاردار و سفید رنگ که در آرایش یک باشد چون بهر بسوز و نیز و میان کرم بگاید از نه تا بیل بران تیر	سیوسیند - فت یفتح اول و غم ثانی و سکون و او و کسر سین هله ثانی و فتح موحده فارسی و سکون لون و جوانا - تمنیق الشین الهجیم
تمنیق الساسو	سپوش - فت بکسر اول و سکون ثانی فارسی و غم تسانی و سکون یاد و شین سپید ثانی م نمخ اسفول -
سادو - فت یفتح دال هله و خنار طارع سازج - سارونه - فت یضم را و موله و سکون و او و فتح فوج نرنگو سافته - بکسر لون و فتح قاف م پر شاد و شان -	تمنیق الشاد الهجیمه سیح الارض - فتح فوج اول و ثانی و غم عین موله و سکون لام

فتح هزه و سکون اول و هاء و ثانی فارسی و دالت و نون مالت
 دران هس که چاه و زکوت طبع مالتی که می خورستی و مطلق و مختلف
 و محمل و منفع و در صحت و سستی از مردم و دانهفت دم و دانهفت
 طبعش تا بیست و در مل حمت آلام شش و دانهفت و مختلف و منفع
 سار و بقول منبر سر ز ص گل منومش و دودرم -

آن اهل السور -

تمیق الفصاد الجهم

سیند یا الارض - سکول اول و فتح ثانی فارسی و سکون
 در فتح دال و سکون ثانی و دالت و ضم نون ثانی و سکون لام
 و فتح هزه و سکون راه و معلوم و فراسیون -
 سبک - ف بکسر اول و فتح ثانی هم جاورست پزده که
 بخلاف شیر و عاتق و راقاب باشت -

تمیق الکاف

تمیق الکاف

سپاروک - ف بفتح اول و ثانی فارسی و دالت و ضم راه و سکون
 و سکون و او و کاف و کبوتر -
 سیرک - ف بکسر اول و سکون ثانی فارسی و فتح راه و معلوم کبوتر
 سبز مال - ف بفتح اول و سکون ثانی و ز و زیم و سکون لام و او و کاف و کبوتر

تمیق اللام

تمیق اللام

مساده - ف بضم اول و ثانی و دالت و فتح دال و سکون و هاء و احم
 که از ان و سکون و سکون کان گیس و بیان و ترش و جلد و سکون
 سدوسه - ف بفتح اول و ضم ثانی و او و مجهول و فتح سین و سکون
 و راه و کرم گدوم خوار و سدوس آرد -
 سیل - ف بفتح اول و ثانی فارسی و م و سم شتر -

تمیق النون

تمیق النون

سیرم - ف بکسر اول و فتح ثانی فارسی و سکون راه و سکون
 ضیق و سکون سیرم و سیرم و سیرم و با در و ج و سیرم
 سیرم و سیرم - ف بکسر اول و فتح ثانی فارسی و راه و سکون و در
 لغت اول و سکون راه و سکون با در لغت ثانی هم سیرم -

تمیق النون

تمیق النون

سپستان - ف بکسر اول و ثانی فارسی و سکون سین و سکون ثانی با
 و ثانی و دالت و نون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون
 حرق و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون
 حرق و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون و سکون

تمیق النون

تمیق النون

انیس و نیا فاعلة المحصول ففتح یا سیسز

تنقیق الراء الملهله

سدر سرج کبر اول و سکون ثانی و در و عیاف درخت کناره به
کاکل طریبی اقیانوس بنشیند بر این شمس سرج

تنقیق المساء

سنیایه - ف بافتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی و الف
و فتح تحتانی و فخر با خنجره ایست که در گوش مردم

سده - ف بافتح اول و ثانی و فخر با خنجره ایست که در گوش مردم
و مادر الهه دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود و شبانه بزرگ

باشد که تنه او به شوری و پیش سینه چاکس در آید و برگهایش
و نبوه بود که باران از آن نگرده و دایست سوار در سایه آن

آرام و آماند گرفت و بعد سده و بود که برگه از دیگر گلهای
آن بلند تر باشد و ساقش بنایت موزون بود و بر آن درخت

چیزه کرد مانند خرطیله که از چرم ساخته باشند بهر سده
برازیشه باشد و در ایام بهار در میان آن خرطیله آبی بهر سده

و در تیره ماه جماد و مانند فنی که از آب و من فنی در سایه
کنند سیاهی را رنگین و شفاف سازد و از آینه خانه و پیشه

بیشتر و کوبش و دساخته و دساخته و دساخته و دساخته
بیشتر و کوبش و دساخته و دساخته و دساخته و دساخته

تنقیق التمتالی

سدری - ف بافتح اول و سکون ثانی و سماوی مجبول بلندی
اثر مدینه ع غلال و غوره خراما

تنقیق الراء الملهله و تنقیق الالف

مرکب کجی - ه الف اول و سکون با حمله و من موحده فارسی
فاطر بار با سکون و داد و نون با کاف و الف می از بی

تنقیق الموحده

سراج القطر سراج کبر اول و ثانی و الف و من موحده فارسی
لام و منم فاف و سکون طاه و حله و منم را بر موله ثانی و سکون

موحده گویند که این نام مشتق از و حیرست کی سراج
و آن چراغ است دم قطرب و آن جانور است که آنرا طینوس

گویند و شب بدوشن است و چون این گیاه و شب روشن است
مادامیکه ترست پس شب است سراج و قطرب بهر دو کاف و شب

روشن باشد و گویند که قطرب این گیاه را دوست دارد و در خیمه
طلب کنتیج می اقیانوس بنشیند و فنی و منم کنتیج اقیانوس

سرج بافتح اول و سکون ثانی ه سید -
سرج بافتح اول و سکون ثانی با حمله و منم م

در غالی سرج رنگ که ماده آن جیص کند و سرجی کزنان
با منید اب بکست خوش آیندگی بر رخسار و بالند و شرج

تنقیق الجسیم

سرج - ف بافتح اول و ثانی و سکون نون و حیمه سدر -
تنقیق الراء الملهله

سراج - ف بافتح اول و الف و دال و هاء غلال و غوره خراما
سرج مرد و منم اول و سکون ثانی و حمله و منم و سکون بر

ماده ثانی و دال و ثانی باشد که برگش شبیه برگ بنان افزون و دال
آن سرج خوش رنگ و خوش آیند و آنرا نازک بدن نیز خوانند

سراج و ف بافتح اول و سکون ثانی با حمله و منم م و حیمه

سعد رخ بضم اول و سکون بین جمله و حال جمله و متعلقه	تمیق النون	
ی اگر ید ۲ ق بمقتضی مفتوحه شش و مقوی و ماضی و دل و مدح	سسیل یحون - سیرانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء و همزه	
کونی فرسخ و خبری بستانی سفید بیداران شیرازی بیداران بیداران	و سکون ثانی و ضم بین جمله و سکون و فتن و میرک و کاذب و نسی	
که چون سیاهی از بخار شد سفید و زرد بودش کیدرم من و ندو	تمیق الطاء و الهمزة و تمیق الالف	
منزل و انیسون و گوشت و خیارل و درمینی و دوج -	سطرکاء - رومی بفتح اول و طاء و همزه و سکون - یاء و همزه با کاف	
تمیق الراء و الهمزه	و الف تم اصطرک ط سکر کم انشک من تخم و از یا نعل سه سالی	
سعتر ف بضم اول و سکون ثانی و فتح ق و فانی و سکون و همزه	تمیق الحاء و الهمزه	
گیا هست شل تیره گرده سانه -	سلاح - ع بفتح اول و ثانی و الف و حاء و همزه بر بنایک	
تمیق النین و الهمزة و تمیق الدال و الهمزه	بر روی زمین گسترده شود و او را برین نام خوانند -	
مغوده و ف بضم اول و غین و خبری سکون و او و الی همزه و سطرکاء	تمیق السین و الهمزه	
تمیق الراء و الهمزه	سطرکاء یوس - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و بار و همزه و الف	
سفر بر رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح و و در و همزه و سطرکاء	و کسر طاء و همزه ثانی و فتح و ضم ثانی و سکون و طاء و بین جمله و ثانی و ف	
سفر - ف بضم اول و فتح ثانی و جاز و سطرکاء سیمای الی و همزه	بنائی ست که او را بفتح نیست و بر روی تاب پیدا شود و درش مانند	
درق با درخوبه بود و کوچک تر از دانه زغال و بزرگ تر از بزرگ آن با اثر و چون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بچسباند که	سلیوس - یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون و	
آن سخما بر آنکس بخیزد و ساری -	و سین و همزه ثانی و همزه گنگار -	
تمیق النون	تمیق الکاف	
سفین - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر و سکون و ثانی و ف و سکون	سطرکاء و سطرکاء - سیرانی بفتح اول و سکون ثانی و بار و همزه	
تمیق الراء	و الف و کاف و لغت اول و با و او و لغت ثانی و همزه و زرباد -	
تمیق الفاء و تمیق الهمزة و الهمزة	تمیق النون	
سفر - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون و ف و سکون و همزه و سطرکاء	سطرکاء و سلیوس - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون و	
تمیق الدال و الهمزه	و او و سکون و ضم ثانی و سکون و او و سکون و ثانی و ف و سکون و همزه و سطرکاء	
سفر و ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون و او و سکون و همزه و سطرکاء	تمیق النین و الهمزة و تمیق الدال و الهمزه	

یا کز گاه خوشک سوده و نیموزن تخم زردک - یا پوست کبریا نیموزن آن تخم کرمس -

تمیق الزرار المحم

تمیق الکاف و تمیق الالف

سکنج - بفتح اول و کسر ثانی شده و سکون ذرا بر جمع عکایه
و عکایه یثیم ف صغ درخت بن - یونانی بفتح اول و کسر کاف و سکون ثانی و فتح اول
و سکون عین مهله بالام و الف م بشافج -

تمیق السین المعله

تمیق الجیم

سقفس - بفتح اول و ثانی و سکون فون و ضم کاف ثانی و
سکون سین مهله ثانی م سفقور -

تمیق الایام

سکنج - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر موده و سکون
ثانی و فتح فون و سکون جیم و ضم صغی ست شل انگز و کزل
خواند طرح سی م ق محمل لطف مفتخ معانی بیرون

سقاقل - بفتح اول و الف و ضم کاف ثانی و سکون لام م
شقاقل که صغیت ق تا چهار سال با نیست ط اگر م

از دون سفید زرد و گدازنده و بوش مشابه پلیست و فقهه و
تیز روی با خورش از گیدرم تا یک شقال م و با سسل
باز و سفید یا نیموزن جا و شیر یا قمل و صبر و آس و جا و شیر
از هر یک یکد انگ یا نیموزن آن -

تر مبی مفتخ قاطع بلغم مقوی کمر سخن کرده و معده و جگر و معده
و مضر شماس عمل و در بای او با سسل مینا که مقوی را و فتح و
ش تا نیموزن م در تقویت با حب منور و بوزیدان -

تمیق النون

سکج - ف بفتح اول و کسر ثانی م و میز -
سکونج - ف بفتح اول و ثانی و دو و نیموزن فتح یا و سکون فم خارج

تمیق الزرار المعله

سحقن - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون فون ع و بن
ف بیلان مینے عمل رطب -

سکر الشسر بضم اول و فتح ثانی شده و ضم را و مهله و سکون لام
و ضم عین مهله و سکون شین و حیه او مهله ثانی ف صغیت که از غیر

ستور و لون - یونانی بضم اول و ثانی و سکون فا و و را و مهله
و فتح دال مهله و ضم ثانی و سکون وا و ثانی م سیر بری -

عشتر لینی لگ بیرون می آید در موضع گل و می کوشک گز و می
میشود و از این نام خوانند م تینال و شکر که کوی طامح

استول و قدر لرون - یونانی بضم اول و ثانی و سکون وا و ضم
و سکون وا و ثانی و فتح ثانی و سکون فون و فتح دال و حیه

سکر ع بضم اول و فتح ثانی شده و فتح طح را گویند می ق
محلی عین خ سفید شفاف بندی شست در م صرمان ترس

و سکون را و مهله و ضم ثانی و سکون وا و ثانی و فون م
استول و قدر لرون و فنگی و در طح ای گویند می ق

تمیق الزرار المعله

المین م و در م ص در بیا معطکی عسل ل خافیکه الکا و در م

<p>کر مودره دلفیت ثانی و کسر اول و دلفیت ثالث هم بنیدیه تر سلق - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و کسری - تفتیق الالف</p>	<p>کر مودره دلفیت ثانی و کسر اول و دلفیت ثالث هم بنیدیه تر سلق - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و کسری - تفتیق الالف</p>
<p>تفتیق الکاف سلق - بفتح اول و فتح ثانی و سکون کاف یکبار بجزر - تفتیق الهم</p>	<p>سلق المارح بکسر اول و سکون لام و ضم و سکون لام ثانی باسیم و الف محدود و هم جار النبر - تفتیق القوفانی</p>
<p>سلج - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و سکون سیم و ظلم طح ر ۲۰ ق در رخ بتانی تازه من تازه و ابل جزر سلم - بفتح اول و ثانی م و دخت منیلان - تفتیق الهاء</p>	<p>سلاجبت - بفتح اول و ثانی و الف و کسیریم و سکون قوفانی م قسمی از سلا رس - سلت ع بکسر اول و سکون لام و فتح ج و بر نه - سلخات ع بضم اول و فتح ثانی و سکون حاهمه و انا و الف و قوفانی و کیم و ط مع ق و طبع بخ بزرگ حنیف تفتیق الدال المله</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حاهمه و خفا و بافت اول بر کوی ست که بنگام تیج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف سلا ق بفتح اول و الف و فتح ثانی و سکون ثانی و فتح سیم و سکون سیم و سلخ الحیس ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و سکون لام و فتح حاهمه و تحتانی شد و ف پوست انگیزه و مار کین طب بی رخ ما خود از مار تر سفید - سلخه - بفتح اول و کسری و سکون تحتانی و فتح حاهمه و پوسنت درختی ست که لیل و کیم و طح می آلود و سبب جفت لطف در مفرج و مقوی دل و مدد رخ سرخ سطر از کیم تمام عفن و چون بشکست و زنده می ماند و در قبضه و سوزش مانند قریب جید و ش یکدم ص کثیر ایاکل در این پی و آسان تفتیق الحسانی</p>	<p>سلسه - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و سکون ثانی و سکون ثانی تفتیق الزا المله سلور - بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و در حمله و فو از مایست و در نیل مصر - سلا رس - بکسر اول و ثانی و الف و در حمله و فتح راهمه ثانی و سکون سین محله ثانی هم بیند سائله - تفتیق الطاء المله</p>
<p>سلط - یونانی بفتح اول و کسری و سکون تحتانی و طاهمه ر و عن نیتون غیر مشوش و سیر الاتسار بطح و عن تفتیق القاف سلق بری - ف بکسر اول و سکون ثانی و کسری و ف و فتح سلق ع بکسر اول و سکون ثانی و ف و فتح طح می</p>	<p>سلط - یونانی بفتح اول و کسری و سکون تحتانی و طاهمه ر و عن نیتون غیر مشوش و سیر الاتسار بطح و عن تفتیق القاف سلق ع بکسر اول و سکون ثانی و ف و فتح طح می</p>

<p>سمه - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون م حسب السمه ف نقل خواصه - ه جیر و نجی - سمه - ف بکسر اول و فتح ثانی م رنگ بستر که بر روی آب سر سبز</p>	<p>ط ح را گویند م ممل بهی رخ تازه بزرگ دانستند کف ص بریان کردن با غسل خوردن ل بر نه کتان نظیر دور و مابین مغز را دام یا خشان سفید و سل -</p>
<p>تمتق التتانی</p>	<p>سم - ع بفتح اول و سکون ثانی و زهر و بیش ه بر</p>
<p>سمانی - بفتح اول و ثانی و الف و کسرون ف مرضیه در بالی که او را قلیل از عدو خوانند بدان سبب که چون آواز و پیشانی سمسم بری - بکسر سر و سین مهله و سکون هر دو میم و فتح موهله و کسر را مهله شده و یای تحتانی میم طبع است که میم و فتح موهله</p>	<p>تمتق النون سمند پچمین - ه بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مهله و سکون را و مهله و کسر مهله فارسی و اظهار را و تحتانی مجهول و نون و کف دریا -</p>
<p>تمتق النون و تمیق الالف</p>	<p>سمند لرون - ه بفتح اول و ضم ثانی و دال مهله شده و</p>
<p>سنا - ع بفتح اول و نون و الف ه بجز و در و نه و فواته طح می ق سهل و داح کی و مجازی که بابر گهای بود و دانه و گرش از هر دو طرف افس و خضرش نال بر روی و پاک و چوب کش ش در مطبوخ از چهار دم تا بهفت دم دار کوفته تا سه دم ص بلبله زرد و خسته و فنی گل و ضم عربی و کثیرا یا ابا ص و ضم هنری ل از کی یک وزن و نیم سنا و سجده ی یا مصری یا و وزن سنا و دیگر و گویند بفایح و شایسته -</p>	<p>سکون را و مهله و ضم لام و مجهول ع ملح محیط نمک یا سمسمون - بفتح اول و ضم ثانی و فتح قاف و سکون مجهول ثانی و فتح میم ثانی و ضم ما و مهله و سکون و اذان الفاء سمن - ع بفتح اول و ثانی و ف روغن گاوه کمی و کمی و ط ح راق شفیق محلل ملین ح تازه ص جمیع متوبات مده و نازل مسکه و ضم اول و فتح ثانی و فتح کل سبک - سمور یون - یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و اول</p>
<p>شکهارا - و کسر اول و فغفار ثانی و فتح کاف فارسی طاهر و الف و ا و مهله م خمر است مثلث خلد دار سنی هنریت بشکل خندق که در بار وید و بالا ای شرا و سه بار باشد -</p>	<p>و کسر موهله و ضم تحتانی و سکون و ثانی و کسری بری سمین - ع بفتح اول و کسری ثانی و سکون تحتانی و جری گوشت طح رخ ناخ و از حیوان شکل ص بر خیل ق محلل</p>
<p>تمتق الموحده</p>	<p>سمنون - بفتح اول و سکون ثانی و کسرون و ضم تحتانی و سکون</p>
<p>سنبیل الطیب - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و کسر طاهر و مهله شده و سکون تحتانی و موحده ثانی ه یا طح ای م گویند م مفتح محلل نقوی و باغ و دل و سوری تازه -</p>	<p>تمتق الهاء سما نه - ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح نون و فغفار م ماله و سنی</p>

سبک خوشبودن چون سبک و آهنگ کو یک خوشه و محففت بان
 و چون بخانید پوشش در دامن و رنگش بندرم ص کبر
 یا طیار شریل دو وزن آن اذخر یک وزن سافج چند
 یک نیم وزن از خرد نیم وزن سافج و مسلکی -
 سبیل الکلب - ع بغم اول و سکون ثانی و ضم و حده که
 و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث و بیرون
 درخت سپیدار و گویند گل سان العصفیر -
 سنجاب - ف کسر اول و سکون ثانی با جیم و الف تم جانی
 مشهور که اندک از پیش کلان تر باشد و از پیشش پتین
 گرمی و سه کتر از همه است طرح می -

تمیق الفوقانی

سفیدت - فتح اول و سکون ثانی و ضم و حده و سکون
 و فوقانی اهل هند زیر اخا منبر -
 سنگ پشت - فتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و ضم
 فارسی و سکون شین مجیم لاک پشت و کچو -

تمیق الجسیم

سندراج - بغم اول و سکون ثانی با حده و الف و فتح
 سبک و سکون جیم و سباده که رنگ که برقرار با تیر کنند
 طب ۲ می ۲ ق مفرج -

تمیق النما و المعجم

سرخ - ف و فتح اول و ثانی و سکون فاع مجیم نمک -

تمیق الدال الملهله

سجده - ف کسر اول و سکون ثانی و کسر سکون ال مله مختر
 سدر و قس - یونانی و فتح اول و سکون ثانی و ضم و ال مهله

تمیق الزرار الملهله

سجده - فتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون فار و ال مله مختر
 سدر و قس - فتح اول و سکون ثانی و ضم و ال مله مختر
 سنجاب - ف کسر اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و کسر
 و ثانی جیم و ال مله مختر -

تمیق الزرار الملهله

سنگین سار - ف و فتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی
 و سکون ثانی و الف و سکون ثانی با جیم و الف تم جانی
 سیاه رنگ که بر پیشش فقط با سفید باشد سازد -
 سنور - ع کسر اول و فتح ثانی و سکون و او و کاف جیم

تمیق الزرار الملهله

سنتز - ف بغم اول و کسر ثانی و سکون زانو مجیم سیاه دانه
 سنگوز - فتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و کسر و او
 و سکون ثانی و فتح جیم و ال مله مختر -

تمیق السین الملهله

سندر و س - ف و فتح اول و سکون ثانی و فتح و ال مله مختر
 سار و حده و او و مجول و سین مله ثانی و ضم سفیدت شمشیر کبر و او
 دازان کسست تر و صرخ و بران برترین اقسام و دیگر کمال
 کبر و دی و سست و کی سیاه و سبک و صلب و خوب طرح می با
 کویند و محففت و صانی ش نیم مثال من و یزدان که کبر و او

دسکون داد و کسراف دسکون ملام سرخ -	سینجاولو - ف بفتح اول دسکون ثانی باموحده و الف ضم ملام
تمینق الکاف الفارسی	تمینق الهماء
سنگرگ - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف فارسی در ارمیده دسکون کاف ثانی هم تراله -	سنباده - ف بفتح اول دسکون ثانی باموحده و الف فتح وال جمله و فخر و هم سنگی است که بدان کار و دشمنی و غیره تیز کنند و کلبه با تر باشند و از خراش برین خیزد -
سنگاک - بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف فارسی هم سنگرگ	سنسه - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح سین همله ثانی
تمینق اللام	م زبور سیاه و الگو سیاه -
سنبل - ف بفتح اول دسکون ثانی و ضم موحده و سکون لام ع سنبل الطیب بیونانی ناردینه و باجچه و جاشامی با کرم و شک و متع و متوی هم معده و جگر یارده در دویل و مض کرده و کثیر اش یکشمال از خرد -	سنگه - ف بفتح اول دسکون ثانی و کسراف انظار بام سفید سره سنگه - ف بفتح اول دسکون و کسراف و جیم فارسی هم سنگرگ سکشیویه - رومی بفتح اول دسکون ثانی و کسراف و سن همله ثانی و ضم موحده و داجبول و فتح تخانی و فتح کشت اول الطیب
تمینق اسپر	سنگ - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف فارسی سکون سیم جاکو نیست برنده و گویند کرمی است که می پرد -
تمینق النون	تمینق الحما لی
سند بان - ف بفتح اول دسکون ثانی و کسراف همله انظار والف و لوز ثانی ح عوده اگر بهترین ادویه و صلب براق خوشبوی تلخ است که در آب نشیند طحری -	سنبل رومی - بفتح سین جمله دسکون لوزن و فتح باو کسرام هم برای همله دسکون و او و کسرام و سکون تخانی هم ناردین -
سنگ اشکن - ف بفتح اول دسکون ثانی و کاف فارسی همزه دسکون سین میوه فتح کا کلکشی نام غله السیت و نعل خرا سن - ف بفتح اول دسکون ثانی بانی است مشهور که درین ریمان سازند ع قنب و انباری -	سنبل الطیب گویند و از این همان -
تمینق الواو	سنبلجلی - بفتح اول دسکون و فتح موحده انظار باو کسرام و کس سنجاولوی - ف و کسراف اول دسکون ثانی و فتح جیم و سکون و انظار و ضم موحده و سکون و او و ای تخانی هم نام گل است -
سندهی - ف بفتح اول دسکون ثانی و کسراف و انظار باو کسرام سنگها جوی - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف و انظار باو کسرام	

سهور - ف بفتح اول و ضم ثانی و مبداء مجهول بار و مبداء الف لام و ضم فین مجهول بار و مبداء الف م فتنه از سوسن می باشد	سهور - ف بفتح اول و ضم ثانی و مبداء مجهول بار و مبداء الف لام و ضم فین مجهول بار و مبداء الف م فتنه از سوسن می باشد
سیماب - ف بکسر اول و سکون ثانی با هم تلف ه بار -	سیماب - ف بکسر اول و سکون ثانی با هم تلف ه بار -
سینب - ه بکسر اول و ثانی مجهول و خا و فن فتنه از سوسن می باشد	سینب - ه بکسر اول و ثانی مجهول و خا و فن فتنه از سوسن می باشد
تینق الزار الملک	تینق الزار الملک
شهر - ف بکسر اول و سکون ثانی و راء مصله م - گاو -	شهر - ف بکسر اول و سکون ثانی و راء مصله م - گاو -
تینق الکاف	تینق الکاف
سه کوکب - ف بکسر اول و خا و ثانی و ضم کاف و داکو و فتنه از سوسن می باشد	سه کوکب - ف بکسر اول و خا و ثانی و ضم کاف و داکو و فتنه از سوسن می باشد
و فتح اول و سکون کاف ثانی م خار خشک ه گاو -	و فتح اول و سکون کاف ثانی م خار خشک ه گاو -
تینق اللام	تینق اللام
سکک - ف بفتح اول و خا و ثانی و ضم کاف و فارسی و سکون لام م در تینق که چون میوه میخورد شود سرخ گردد و قیاسی	سکک - ف بفتح اول و خا و ثانی و ضم کاف و فارسی و سکون لام م در تینق که چون میوه میخورد شود سرخ گردد و قیاسی
تینق البسیم	تینق البسیم
سیج - ف بفتح اول و سکون ثانی و هم م مویز -	سیج - ف بفتح اول و سکون ثانی و هم م مویز -
تینق النخار السج	تینق النخار السج
سیاح - ف بفتح اول و سکون ثانی و الف و سکون لام و سکون نون و هم مویز -	سیاح - ف بفتح اول و سکون ثانی و الف و سکون لام و سکون نون و هم مویز -
تینق الدال الملک	تینق الدال الملک
سیندره بکسر اول و ثانی مجهول و هم بار و خا و ثانی و الف و سکون نون و هم مویز -	سیندره بکسر اول و ثانی مجهول و هم بار و خا و ثانی و الف و سکون نون و هم مویز -
م زوم شربست و انعام می باشد م گرم شک و محلل - سیاح -	م زوم شربست و انعام می باشد م گرم شک و محلل - سیاح -
جالی و رافع سد و در سبز و جنت و فای و فخر و مسائل آن شمرده اند	جالی و رافع سد و در سبز و جنت و فای و فخر و مسائل آن شمرده اند
مجر و صبیح و محرو و سیاه و گند و جلوس و تبر و زرش و جابر و اطل و فتنه	مجر و صبیح و محرو و سیاه و گند و جلوس و تبر و زرش و جابر و اطل و فتنه
تینق الزار الملک	تینق الزار الملک
سیار - ف بکسر اول و ثانی و الف م شکیه و آن ثانی مستطاب -	سیار - ف بکسر اول و ثانی و الف م شکیه و آن ثانی مستطاب -
سیج - ف بکسر اول و سکون ثانی و خا و هم و فتح موحده	سیج - ف بکسر اول و سکون ثانی و خا و هم و فتح موحده
فاری - سیج جاقور و آن پرند که در بر آرزو -	فاری - سیج جاقور و آن پرند که در بر آرزو -
سیرف بکسر اول و سکون ثانی و هم م -	سیرف بکسر اول و سکون ثانی و هم م -
سب - بکسر اول و فتح ثانی و الف و موحده و آن ثانی و هم م -	سب - بکسر اول و فتح ثانی و الف و موحده و آن ثانی و هم م -
تینق الموحده	تینق الموحده

فون وفتح موحده هم می سبیل در سبیل و تمام سبزی با شند
 فتلع د پو دیزیرا که در بوجون در کزده دست نشان نیکه
 سینسبروید و چون باز کزده دیگر نقل کند فتلع برآورد
 تیز باشد طی سبیل در تسخیل و ملطیف بار هوج

تتمیق الزاار المهر

سیا کبر - ف بفتح لاول ثانی الفی ککون و سکون ثانی فی انی از فوج

تتمیق ایسن المله

سیا لیوس - بکسر اول و سکون ثانی با سین ممله ثانی الف
 و کسر لام فتم تحتانی ثانی و سکون و او سین ممله ثالث ف
 از صغین ست مثل انگیزه و کون انجودان مدی و کاشم مدی ست
 و گویند تخم ست مثل کون کرمی کبوی ترنج در طرح حی ۳ ق
 محلل بلطین رخ روی کوچک در قیخوش و شیدوی و شش خلعت
 و تخم کاشمش فیدوم ص بطله شقیل خردل سفید یا انجودان
 طیب یا فطر اسایون -

تتمیق الکاف

سیسک و سیک و سبک و سلک - ف بکسر اول و سکون
 ثانی و کسر سین ممله ثانی و سکون را ممله و کاف و لغت اول
 و کسر سین ممله و لغت ثانی و کسر کاف اول و لغت ثالث
 و کسر لام و لغت رابع م کرم گندم خوار -

تتمیق الکاف الفاسی

سما هنگ - ف بکسر اول و سکون ثانی با هم و الف و فتح
 با و سکون فون و کاف فارسی جار بری -

تتمیق الالام

سیال - بفتح اول و ثانی الف و لام ف با سین و کسر لاول
 اسم هندو است و ف شغال مع ابن آدمی و کب بری
 یکید و سیارط سا گرم و خشک و دغص از ککلی با سین
 یخول - ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح جار مجید سکون
 و اوم جار بیست ح فنی و سیاهی -

سیسبل - ف بکسر اول و فتح ثانی و اظهار با و هم سین ممله
 ثانی و سکون فون فتم موحده هم سینسبر -

تتمیق النون

سیسبون - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتم موحده و سکون
 و او فتح سین ممله ثانی و سکون فون م اجنول -
 بکسر اول و سکون ثانی و فتح صیم الف و فون ممله
 سیسا و ن - بکسر اول و سکون ثانی با سین ممله ثانی الف
 و ضم رای ممله و سکون و او ف جوب سیاه و انطخ حی ۳
 سیبان بکسر و فتح اول و سکون ثانی و فتح سین ممله ثانی
 با موحده و الف م حب لغت -

سیسون - بکسر اول و سکون ثانی و فتم سین ممله ثانی و سکون و لام
 و رخت بند سیست مشهور که در تصفیه خون و دای نویست -
 سیکران - بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و از ممله الف و فتح
 سیلان و ف بکسر اول و فجهول با لام و الف شیره که از خربار سیاه
 سیند حالون - بکسر اول و ثانی مجهول و فخر فون و فتح و ال ممله
 و اظهار با و الف و فلام و او مجهول م نمک سنگ -

تتمیق الزاوا

سیسرو - ف بکسر اول و ثانی و سکون سین ممله ثانی و فتم ممله

<p>دسکون و اوم کرم گندم خوار - سید و ف بکر اول و فخرانی و او محمول م سبب -</p>	<p>دسکون و اوم کرم گندم خوار - سید و ف بکر اول و فخرانی و او محمول م سبب -</p>
<p>تمیق الباء</p>	<p>تمیق الباء</p>
<p>سیا و دانه - ف بکر اول بابانی و الف انهار را با دال علا و الف ثانی و فتح نون و کلونجی -</p>	<p>سیا و دانه - ف بکر اول بابانی و الف انهار را با دال علا و الف ثانی و فتح نون و کلونجی -</p>
<p>تمیق الفاء و الباء</p>	<p>تمیق الفاء و الباء</p>
<p>سبب و ف بکر اول و سکون ثانی و کسر جیم فارسی و سکون مین مجمر و فتح نون و هاء و امل جانور باشد که شکر است</p>	<p>سبب و ف بکر اول و سکون ثانی و کسر جیم فارسی و سکون مین مجمر و فتح نون و هاء و امل جانور باشد که شکر است</p>
<p>تمیق التاء</p>	<p>تمیق التاء</p>
<p>سینی و ف بکر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی ثانی م ریم آهن -</p>	<p>سینی و ف بکر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی ثانی م ریم آهن -</p>
<p>تمیق الدال المله</p>	<p>تمیق الدال المله</p>
<p>ساکت و ف بفتح دال و الف و سکون کاف و فتح جیم و سکون نون دال مکرر</p>	<p>ساکت و ف بفتح دال و الف و سکون کاف و فتح جیم و سکون نون دال مکرر</p>
<p>تمیق الراء المله</p>	<p>تمیق الراء المله</p>
<p>شار و ف بفتح اول باب الف و سکون ا و همایم شغال جانور که مانند طوطی سخن گوید و از شاخ و برگ و نیز گوشت -</p>	<p>شار و ف بفتح اول باب الف و سکون ا و همایم شغال جانور که مانند طوطی سخن گوید و از شاخ و برگ و نیز گوشت -</p>
<p>شانه و ف بفتح اول باب الف و فتح نون و فخرانی و فتح جیم و سکون نون</p>	<p>شانه و ف بفتح اول باب الف و فتح نون و فخرانی و فتح جیم و سکون نون</p>
<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>
<p>تمیق الظار المله</p>	<p>تمیق الظار المله</p>
<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>
<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>
<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>
<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>
<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و ف بفتح اول باب الف و الف و انهار و فتح جیم و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>
<p>تمیق الفاء</p>	<p>تمیق الفاء</p>

شاد افق بفتح اول باالف و فتح دال مهمل و الف تانی
دفتح لون م شهد اسخ ف تخم جنگب -

تمیق الکاف

شارک - ف بفتح اول باالف و فتح راهمه و سکون کاف
م جانور ساردک سخلو است -

شاسک بفتح اول باالف و فتح سین جمله م بیو -

شالوک - ه بفتح اول باالف و فتح لام سکون و او فتنه کون
شامک - ط بفتح لون م شکرانه مرغان -

شانه سرک - ف بفتح لون فخر و فتح سین مهمل و راهمه م
شاهبازک - ف بکون با او موده و الف و فتح لون م

رانش بک ع بنج الکلاب و شایاخ ط ۲ گرم و خشک

تمیق الکاف الفارسی

شاشک - ف شش تین مجر شانی و سکون فون و فتح فارسی

تمیق اللام

شاخل - ف بفتح تاء و فتح و سکون لام غلا یسته
شاطل بکسر ط و مده و اکیمه هندی مانند کات خشک

ه سائل ط ح ی ۲ ش نیرم -

تمیق الیم

شاه اسپر عم و شاه اسپر و شاه اسپر عم و شاه اسپر عم
شاه هیه و شاه سفرم - ف باظهار با کسر سوز و سکون

سین مهمل و فتح با و فارسی و سکون راهمه و فتح غین مجر
و سکون ییم و دلنت اول و سکون راهمه و دلنت ثانی و فتح

بار ثانی و دلنت ثالث و فتح بار اول و سکون سین مهمل و دلنت

را یح و سکون با و اول و فتح بار ثانی و دلنت فاس و فتح کاف
و دلنت ساه و گویند و کسری بینی و کسری دان ای بنز و ک

سکرید و از من قدر و تخم سیاه و زردیند و کسری فرود و تا
این تخم را بکشد از ان این بست ع ریحان طح ای ۳ ق

تخمس قابض و منوم ح ستری که کرانی و ریجانی و اسفون

تمیق النون

شابر ن و شاپو کان و شاپور ن و شاد ران ف
بضم موده و فتح راهمه و سکون فون و دلنت اول و او و

و فتح راهمه با کاف و الف و دلنت ثانی و فتح راهمه و دلنت
ثالث و فتح دال مهمل و راهمه و الف و دلنت الرابع و فون و

شان و ف بکون لون خانه و یو عسل کدان عسل با شکر گاو

شاپین - ف بکسر با و سکون تسانی م جانور سیت تکراری

تمیق الواو

شاه دارو - ف باظهار با و دال مهمل و الف و فتح راهمه
و سکون و ا و م شراب گویند و شید خواست که اکثر اوقات

خلق از انکو منتفع شود و آب گور و آب گوت و بطری بناد و
وصاف شد هر دو و شید چون از خوشیدن باز ایستاد تلخ شد

گمان بود که گزهر قاتل گشته و از اردو گشته نهاده و کسری بود که
مشوقه و اولودا گمان برزد و متعینه بماند از دوز و طاق گشته

برگ تن دلو و با فو فاندیشه که از ان زهر همداری مجر و آب گاو
خلوص شوم قدیمی برداشت و بنحو دانه بران مترب گشت

قدیمی که بخود و استرازی و دوز و باق پس چند قدیمی و پس بخود و
که غنوده بود و برایش نهاد و بکشان در نخت چون میزد و از ان

اگر سه نامه بود و آند البرز من مشید را به پیشین از شاهان

تتمیق المساء

شادنده - ففتح دال همزه با جودون و خوار با عتار
مک نه نیست که بیای زرد و زو بشکند و آینه عدست
و گادری از دایره خرد طور سینا آید نه -

شانه - ففتح ذون و خوار با هم ششان -

شاه بسه - ف با طار از هم و ففتح عین و طبع کل

شاه بستره - ف با طار از ففتح فاقانی و از هم شده و ففتح

شاه دانه - ف با طار از دال همزه و الف و فتح ذون هم

شایه - ففتح تحتانی هم بریده -

تتمیق التحتانی

شاه روی - که بر موده و هم را همزه و سکون فاکس
میه و سکون تحتانی و ففتح نون سفید -

شاه دوشی - ففتح ذون و همزه مینه و ففتح دال همزه

و سکون شین همزه ثانی و کسر فاقانی و گنگنی -

شاه بوی - ف با طار از هم و ففتح ذون و همزه و ففتح

شاه چینی - ف با طار از کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر

تتمیق الوجوده

شاه ع - ففتح اول و سکون موده شده و ففتح اول
و زاک سفید و همزه طاح می سا گویند و رقیق تا بعض

موجفت رخ میانی سفید و لعل بر روی هم سکندر شیر تازه

و همزه و طابا ل همک تلخ و همک سیاه نمودن -

شبان قریب - ف اول و فتح ثانی و الف و ففتح ذون کسرا

و از همزه و سکون تحتانی و موده ثانی م برع کو یک شبیه با

باشه و هرگاه بر زمین نشیند چنان معلوم شود که فوت بر خاستن

و بریدن نه از دو هم که کسی قصد گرفتن او کند بریده اند

سکه و در نشیند و هر چند که بیشتر و نادر بیشتر رخه بنشیند

شبه تاب - ففتح اول و سکون ثانی و فاقانی و الف م

کر که که در شب روشن نماید از طرف ذنب که بر بندش بگردد

تتمیق الفوقانی

شبهت ع - کسر اول و ثانی و سکون فاقانی و ه و طام گرم و

خشک منع و منفع منوم خ سیر تازه و شکفته گل شود هم ص

و این صی با قرض الی یاسر یا سلسل منورن بادیان با او

تتمیق الزاد المملکه

شاه ذی - ففتح اول و ثانی و الف و ففتح ذون و فتح و او
و سکون را همزه م شب پرده -

شاه یار - ففتح اول و سکون ثانی و تحتانی و الف م هم

تلخ که آرا الیو انیز گویند صبر طرح می و ففتح مفر

تتمیق الزاد المعجمه

شاهانه - ففتح اول و ثانی و الف و ففتح ذون و همزه و همزه

شاه افروز - ففتح اول و سکون ثانی و فتح همزه و سکون فاق

و هم را همزه و ففتح ذون و همزه و ففتح ذون و همزه و ففتح

شاه انگیز - ففتح اول و سکون ثانی و فتح همزه و سکون ذون و همزه

فاق ثانی و تحتانی و همزه و ففتح ذون و همزه و ففتح ذون و همزه

شاه آویز - ففتح همزه و کسر و ففتح ذون و همزه و ففتح ذون و همزه

یا از ففتح ذون و ففتح ذون و ففتح ذون و ففتح ذون و ففتح ذون

شیرم - بکر اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون سیم	تمیق الناز المله
شبه طباط - بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء و همزه با و صده ثانی و الف و طاء و همزه ثانی و کسره - خبط و بفتح اول و همزه ثانی و سکون و او و طاء و همزه و ر و همزه	شبه طباط - بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء و همزه با و صده ثانی و الف و طاء و همزه ثانی و کسره - خبط و بفتح اول و همزه ثانی و سکون و او و طاء و همزه و ر و همزه
تمیق النون	تمیق النین النجیه
شکون - ف بفتح اول و سکون ثانی و هم کاف فارسی و سکون و او و نون م شب ج راغ -	شب ج راغ - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح هم فارسی و را و همزه و الف و نین میجه گوهری که در شب روشنائی و در
تمیق الواو	گویند که کاف از دریا جری آید شباهه گوهر مذکور از دریا
شیان فرو - ف بفتح اول و ثانی و الف و نون و فتح فا و کسر اول و همزه و ثانی مجهول و او مجهول م شیان فریک -	برآورد و بر زمین می افتد در دشتی آن جراحی کند -
تمیق الکا	تمیق الکا
تمیق السا	شبان فریک شبان فروک - ف بفتح اول و ثانی و
شبه و ف بفتح اول و ثانی شده و الف و فتح و همزه و همزه شب لا سا که ف بفتح اول و همزه ثانی شده و سکون لام و فتح همزه و سکون سین و همزه کاف و الف و فتح ف و فیه و سا شبه و ف بفتح اول و همزه ثانی و سکون و او و فتح فاف م غارین شبه و ف بفتح اول و ثانی م سنگ بزرگ - شب یازده - بفتح اول و الف و فتح ز و همزه و همزه	شبان فریک شبان فروک - ف بفتح اول و ثانی و الف و نون و کسر و او و همزه و ثانی مجهول و فتح موحده ثانی و سکون کاف و الف و نون و فتح و او و الف و ثانی م مخ شبان فریک شب ج راغ - بفتح اول و سکون ثانی و فتح فارسی و او و همزه و الف و نین میجه گوهری که در شب تاب شب شیرک - بکر و همزه و ثانی مجهول و فتح ز و همزه ترو تیز که حرف و ب الراء و همزه و ثانی مجهول و نون همزه و ثانی بیاض و همزه گوهر و شکس و همزه و ثانی مجهول
تمیق النین	تمیق النین
شبه و ف بفتح اول و همزه ثانی و سکون و او و همزه و ثانی	تمیق الکا فارسی
شبه و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و او و همزه و ثانی و کاف فارسی م گلی مست خرد و سیاه رنگ با رنگ سبز و دو سنگ سیاه برای که از آتش نیز خوراند و بی	شبه و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و او و همزه و ثانی و کاف فارسی م گلی مست خرد و سیاه رنگ با رنگ سبز و دو سنگ سیاه برای که از آتش نیز خوراند و بی
تمیق الواو	تمیق الکا

طاس گرم و خشک قدس تا بیست سال یا بیست و پنج سال
 و شمع جلد مدد بجای من و ضرر باره و من با دام و آب قلم
 ل باقی و دیر و دین و عارش کونی و غرول و معطلی -

تتمیق القاف

شجره لبق - بکون لام فتح موده و سفید لاف درخت پسته
 شجره لبق - بکون لام فتح موده و هام قناری و قناری
 شجره اللی - بکون لام فتح موده و کون موده و درخت پسته
 شجره لبق - بکون لام فتح موده و کون موده و درخت پسته

تتمیق الکاف

شجره الی مالک بجز مینه و با فتح موده و کسر موده و کون
 ستخانی یا مین و الف و کسر لام ف و کسر از ستخانی

تتمیق المیم

شجره ابراهیم - بکسر موده و کون موده باره و ماله و الف
 و کسر یا و کون ستخانی و بکشت -
 شجره الدم - بفتح و الف و ماله و ماله و کسر -
 شجره و ستم - بجز مینه و با فتح موده و کون موده و کون موده

شجره و ستم - بجز مینه و با فتح موده و کون موده و کون موده
 ماله و فتح موده و کون موده و کون موده و کون موده

تتمیق الطاء المعمله

شجره البط - بکون لام فتح موده و کون موده و کون موده
 و کون موده و کون موده و کون موده و کون موده

تتمیق اللام

شجره خطی - بکسر موده و با فتح موده و کون موده و کون موده
 و کون موده و کون موده و کون موده و کون موده

و کسر جیم یا موحده والفت و راء مملکه ثانی ف پشیا و شان	شفا دار و ف یکسر اول با ثانی والفت دال مملکه والفت
شعر - ع بفتح اول و سکون ثانی ف نوی و بال طوسی	ثانی و ضم را و مملکه و سکون دادم یا زهر -
ح ساق و جفت خیموی آدمی سمدل که سخته باشد است	تمیق التانی
شعیر ع بفتح اول و کسری و سکون تثنائی ف جوطب	شفتین بری - ع بفتح اول و کسری و سکون ثانی و کسری و سکون تثنائی ف جوطب
می اگو میزد ف محمل مجلی رخ سفید تازه بزرگ دانه فزیه	و سکون تثنائی و کسری و سکون ثانی ف فتح موحده و کسر را و مملکه شده
من از آب او صد درم فصل ابازیر گرم ل باشد -	ف مرغ بوتیار رخ کو یک -
تمیق النون	تمیق القاف و تمیق الراء المملکه
شعر لجن بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و مملکه و سکون	شعار - بضم اول با قاف والفت مراد مملکه ساجی -
لام و کسر جیم و سکون فون ف پرسیا و شان	شعر - بفتح اول و ثانی فم شقایق -
تمیق الباء	تمیق القاف
شعر الصقالیه ع بفتح اول و ثانی و سکون دادم و مملکه	شعراق ع بفتح اول و سکون ثانی با راء مملکه والفت و کسری
و سکون الم ف فتح مملکه قاف الف ف فتح موحده و ثانی ف	شعر ثانی ف مرغیست که کاسه شکک گویند و آن کلاغ پرنده
تمیق التانی	تمیق اللام
شعیر رمی - بفتح اول و کسری و سکون تثنائی و کسر را و مملکه	شفا حل - ع بفتح اول و ثانی والفت و ضم قاف ثانی ف
ضم را و مملکه ثانی و سکون او کسر و سکون تثنائی ف خذرون	کز روشی و پشایی گاجرد برای دود و صالی و کالی و کالی
تمیق التین و تمیق التانی	سیالی طرح را گویند و گویند می ۲ ق بی و مخرج و ثوبی
شعالی - ف یکسر اول با ضین معجبه الف و سکون م و ذی از کبر	دل و کسری و سخن کرده و مملکه و جگر و قاطع بضم رخ بزرگ و پندی من
تمیق الفاء و تمیق الجیم	دو درم ص آله یا غسل ل بوزیدان یا جلغوز یا دایچی یا
شفا بفتح اول و سکون فاف لام و سکون جیم م شکر کر	تخم زردک و در تقویت باه حسب الصنوبر -
تمیق الکاف الفاری	تمیق النون
شفتین گنگ - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ثانی و راء مملکه	شقایق السببان - بفتح اول و ثانی والفت و کسری و ثانی و ضم
و سکون فون کاف الفاری میوه خرد سفید بیهشتا و م شکر ل	قاف ثانی و کسری و سکون شد و سکون جیم مملکه با هم والفت ثانی
تمیق الواو	ف گل لاله طح می اگویند و گویند حراق بلی یا زهر

پرنده مانند مرغی که در آب به هم خشکی زدگی کند و گویند
پرنده ایست مرغ رنگ که بر زبان بپایند و او بی برآید و بگویند

تمنيق الدال المهملة

شود ادف بفتح وضم اول با ثانی و الف و ال مهمل شین

تمت

شوقارہ بضم اول و ثانی مجبول علیٰ بیوالت و امر مہر و ان

تممة الزائر محمد	
------------------	--

شماره گزینت بقیمت او در شانزدهم اوت و فتحه را در مهره اوت

با و فتح کاف فارسی را عامل ۵ درخت جهاو -

شوشمیز و بضم اول و سکون ثانی و شین و یه ثانی و کس

مہم و سکونِ ستھانی ع قافا و صفار۔

شعبہ نزع بنیم اول و سکون ثانی و کسوف و سکون سہم

ف سیادانه طرح اسبق قطع محلی محکم موبیل از نیم سقا

نمودم ص شیرلو کاسنی ل صمع زیدون یا عم قویرل

تتميز الطاء، المهمل

منه خطه بفتح اول سکون تانی و فتح فارجه طارمه لیم فتنه

تمنق العید المملک

شع-ع-ع لفتح اول و ثانی و سکون ثانی و عین مملو فی ثانی

تنیق الکاف

شواکب رف البیع اول مثانی والفت وفتح لام و مرعی

ہر زبان پر نئے نمایاں عاؤ پر است۔

شوشک - ف. ملخص اول اسکو تہائی نوع مشین سے برقیاتی ہم جاوڑہ

سورة المائدة

د سکون لام د کسرتین جمله د سکون لام تالی هم نوعی اړه راوړي لوان۔

تمسق الذون

شکوہ الدین مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ضم

فوقانی و فتح دال مشدود و در میم و سکون فون م ککر۔

تذکرہ ان - بیستم اول ہوں مانی و صحیح کاف دراز فہم الف

و وزن هم لغت یزد دلویند که حجم بنای روی خدا بود

طبیعی و اعلا ح سیردی س ایلمدم کل اسیر

مرفی بزرگ و سم شام

مجلس النواب
مجلس الوزراء

سومو-ش-بیم هر دین خیمه دستوران هر روز اوم اورد

مصدق البدر

تو کہ سع یفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف م سکا می

مفتی المصباح

تسوی۔ ویکٹر اول و ثانی ہم نسبت ہوا قبلہ الیست

فولست داده سال باقیانبط اکرم احتشاک عمل مصحح میرزا یونس

حق الساموئيل

شہاب۔ فتح فتح اول با یاد الف و مودود رنگ مر

که مرتبه اول از گل کماریزه کشند و در غلی تسریک بآب میجو

دکونید شیر و تکر خوردنی که باب اینجمله باشد

عالمی (عالمی)

شہدائے حج - حج فتح اول و مکون ثانی بادل مہلہ دالہ

فتح نون هم شهدانه فتح تخم نیک طح می اوق مجنوب

بتانی اش سدهم ص بر این نمودن ل یوزن آن کجی و نمودن

دیسکون لام با تات الف و فام و بک استنان -	تخفص و در لغج معده استنن -
تمیق النون	تمیق و تمیق الدال المله
ما باون بنعم موحده م طح می هم ق مفرح محرق ح	صمد موند - نفع اول و سکون دال مهله و کسر موحده و فارسی
کنص سے لڑوں باب گرم دروغی بکند و خلی شور با	و تخانی تجمول و نفع و او و سکون نون م معنی الراعی -
جرب باره من و مرخل بود استنان -	صمد به المجدید نفع اول و کسرانی و سکون تخانی و ضم وال
تمیق السار	مهله نانی و سکون لام و نفع حاء مهله و کسر دال مهله و ثالث
صاحبه ابدا و مئة الف و کسر مهله و نفع تخانی و فام و بک	و سکون تخانی تخانی فام و عمران آهین -
تمیق الباء الواحده و تمیق الراء المله	تمیق الفصا
صبا یفهم اول با موحده و الف در اسلام قمر مندی -	صدف - نفع اول و ثانی و سکون فاء و سبب پی پی طیب
صبریح و کسر اول و سکون و حده و الیاد و کسر ط	ای ۲ ق مبعث سفیدی که در آب شیرین باشند
ح ای گویند ۳ ق مبعث و فیل و مصلح ستوری	از کشتن از آب و سه م عمل شام گاو گوی موحده اکثر
کدوش بکرا باند و بوش ببرد و براق چون نفع باشد چون بپزد	تمیق الراء المله و تمیق الف
بماند و در تر و شود و بون بخشان ماند و چون بوی گویند	صبریح نفع اول و کسر مهله و سکون تخانی و باره مهله
و مطلقا سنگریزه در و نباشد تا به دیدم و گویند تنها از نو	ثانی و الف م با در و ج -
دودم و دیگر مسلمات از کینه دیم یک سال من نفع و کسر	تمیق الموحده
تمیق التانی	صرب - نفع اول و سکون تانی و موحده و صغ و گویند
صبریح نفع اول و کسرانی و سکون تخانی فام و عصاره سنا	تمیق النون
تمیق الحاء المله و تمیق الف	صرفان سبب کسر اول و سکون نانی و فاء و الف نون مندی
صحنه - نفع اول و سکون حاء مهله با نون و الف با تات	از خرمایندی سبب خرمای کوسم و سرب از خرمایندی
طح می گویند ح ای ۲ ق قطع مجاش از کیرم کارد	تمیق الواو
درم ص کیر و مصلی و در دقل و اگر در اسافل شخصی مالتی	صرو - نفع اول و سکون راء مهله م شود کران -
بیامیز و اورا باقل جبت بر روی و محمد بر یکیر و انخل و ط	تمیق السار
و اگر در مده و بگر ملت باشد با صعلی و کل سبب و بدل	صرب نفع اول و سکون راء مهله و الف و نفع موحده و حاء و

تخطی که زرد خواب شد	تمینق المسموم و تمینق الموحده
صبره - با بفتح م غیر ترش -	ضمع السداب بفتح اول و سکون ثانی و ضم عین مخمور و سکون
صبره - بالکسر شترده ساله -	مشترک و اول مهره و الف و سداب کاکو نعل و دوزن و اول
صبره صر مع بفتح و صاد مهره و سکون را و مهره اول و فتح	تمینق المثلثه
مهره ثانی و ف ج و ادسک و جید کیش سه عدد و پنج بارفت	ضمع الحروف مع بفتح اول و سکون ثانی و ضم عین مخمور و سکون
تمینق العین المهره و تمینق الزاء المهره	لام و فتح ثانی و سکون حای و مهره و ضم را و مهره و سکون و اول و الف و فتح
ضمع صر مع بفتح اول و سکون عین مهره و فتح ثانی و سکون را و	تمینق الدال المهره
مهره نوعی از پوزینه بری ست و او سه و کاکو و اصل	ضمع اقباد بفتح اول و فتح ثانی و ضم عین مخمور و سکون لام و فتح
کبا بهست که بری و ثانی میانه و اسم او تند و خوش طوح	تاف و مثلثه و الف و دال مهره که تیرا -
ی ۳۲ بقا بقا بقا و فتح و مطلق و محمول و فتح و یح و فتح و یح و فتح	ضمع سفید بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مخمور و فتح
و ج و بریح که یکش و ش از نم مثال یک بر صحر که فتح و یح	سین مهره و کسر ثانی و تحتانی مجبور و کوند و فتح که بری و
تمینق العین المهره و تمینق النون	تمینق الدال المهره
صعبین بفتح اول و سکون عین مخمور و کسر و سکون ثانی و فتح	ضمع الضویر بفتح صاد مهره و سکون عین مخمور و سکون
تمینق القاف و تمینق الزاء المهره	لام و فتح ثانی و سکون و او فتح و او فتح و سکون مهره
صعتر مع بفتح اول و سکون قاف و را و مهره طایر است	ضمع الکنکر مع بفتح لام و فتح کاف و سکون نون و فتح کاف
نیکار و ف حیر مع طح ی -	فارسی شهور است همین نام ل بیج و آتشینان و دوقی و سکون
تمینق السین المهره	تمینق الزاء المهره
صعایس بفتح اول و ثانی و کسر ثانی و سکون سین مهره و کزانی	ضمع اللوز مع بفتح لام مشد و سکون و او فتح و سکون لام
تمینق و تمینق اللام	سفید باخ و از دخت جوان ل صمغ عربی و کثیرا -
صاعل مع بفتح و صاد مهره و سکون و او لام و کزانی	تمینق الصاد المهره
صل مع بالکسر اول و سکون ثانی و ف ماریت که افون نمی در	ضمع الالباس بفتح لام و سکون لام و کسر و او جیم مشد و الف
تمینق النون	صمغ الوی مفت ملل ح باخ و از دخت کمن -
صلون مع بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او نون مخمور و سکون	تمینق الطاء المهره

صمغ العربی

<p>صنع البساط بکسر موحده بالام والف طاهرا وکاف است که من سق و متقال - ساخته و آن چیز است که از خام سنگ سازند و گویند که از سدن ببرد و نام مرکبی است که از صبر و خون سیاوشان و لکه از روت و صمغ عربی از هر یک جزوی حاصل و منقح از هر یک نیم در گوشت خیمه با صمغ عربی بسازد و در روغن در با کشند تا مشک شود و بر خند کشه شود و نیکو بود -</p>	<p>صمغ عربی بکسر غن مجروح صبر و ماله و ماله و کسر موحده ه گونده و درخت کیکر ط مع گویند رخ گویند بی ش و خن ص کثیرا و شراب مندل و گلاب صمغ بادام و آب اس</p>
<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>	<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>
<p>صنع اول و سکون ثانی و غیر مجروح صمغ عربی ف از و اولم گونده طری می گویند مع ق منسب قایض حالبس تخ عربی شفاف سفید صاف چون ب و گدازنده و آب</p>	<p>تنقیق النون و تنقیق الزا و المله</p>

صوت سح بفتح اول وسكون ثانی و قاف بی شمع طح می ۱	تمیق الزا المبر
ق سخن مجفف اکال شمر	ضمیم المجرع کسر اول وسكون ثانی و فیم سین سواد سكون لام و فتح عین مهله و فتح هم وسكون دال و زار جوف تنکس
تمیق المساء	تمیق المسین المهله
صوت طله بی شمع اول وسكون ثانی و فتح طه و مهله لام و فخر طه ی	ضمیم الفاء المجرع تمیق الالف تمیق اللام
فصال سح بشا و مجفف دلام ف کمار	انسان و طحی ط ب ی خ یا و ذریحان گدشتش تنکاید دور و ششیر بیا باشد
تمیق النون	ضمان سح بشا و مجفف الف و ذنون فیش و طیر ضامن گویند
تمیق الباء الموحدة تمیق الالف	تمیق الیسیم
ضمیمه عرجا سح بفتح اول وسكون حده و فتح عین مهله	ضمیم بفتح اول وسكون ثانی و فیم م اسنوخودوس
سین و یلمنه و اد فتح عین مهله ثانی وسكون راء و مهله یلم ف	تمیق الواو
ف کفار ط گوشت اوح می ۲	فرو سح بفتح اول و ثانی و اد و مجمل م نوعی از مجمل الفظ سح می گویند آگویند رخ راق مجفف خ سبز تازم سبز
تمیق الموحدة	تمیق المساء
ضمیم سح بفتح اول و فیم نیز وسكون موحدة و یلمه	فروع الکلبه سح بفتح اول و ثانی وسكون دال و فیم عین مهله وسكون لام و فتح کاف وسكون لام ثانی و فتح موحده و حفاء باف درخت زقوم
سومار که اقل می زیاده و ارجل می گویند و بعد از ان فیندا	تمیق النین المجرع تمیق المسین المهله
ق خوانند و بعد از ان مطلع و بعد از ان حصرم و چون تمام می	ضمیم الیسیم سح بفتح اول با عین سحجه و الف و کسر حده و سکون تهمانی و عین مهله و حصرم سست و خارزه گرا
ضمیم گویند طح می ق محارح متوطه صل حصرم	ضمیم الیسیم سح بفتح اول وسكون ثانی و فیم موحده و سکون واو ف خارزه و گویند خرز و نارسید
تمیق الزا المبر	تمیق الزا المبر
ضمیمه بفتح اول و ثانی وسكون راء مهله درخت	ضمیم الیسیم سح بفتح اول وسكون ثانی و فیم موحده و سکون واو ف خارزه و گویند خرز و نارسید
جوزر لوا	تمیق الزا المبر تمیق الموحدة
تمیق الزا المبر تمیق الموحدة	ضمیم الیسیم سح بفتح اول وسكون ثانی و فیم موحده و سکون واو ف خارزه و گویند خرز و نارسید

<p>تتمیق الهمیم</p> <p>طین س - بکسر اول و سکون ثانی و هماد و سکون و او و همیم</p> <p>ف تیوه و د ناطع رخ خه که فخل خریف گیرند -</p>	<p>طین س - بکسر اول و سکون ثانی و سکون ثانی فکل و همیم و سکون</p> <p>ب ی ق یغف ش کیدم ص منوال از منسی بیضه</p>
<p>تتمیق الزار الملطه</p>	<p>تتمیق التمانی</p>
<p>طین اهر س - بکسر اول و سکون ثانی و کسرون و فتح هزه و سکون</p> <p>ما و هماد و فتح همیم و سکون و او و هماد و فتح همیم و کسرون ثانی</p> <p>طین اهر س - بفتح هزه و سکون و ما و هماد و فتح هزه و سکون</p> <p>طین اهر س - بفتح هزه و سکون و ما و هماد و فتح هزه و سکون</p> <p>زده و تیره و زک که منده ان بد تشقه بجا میسرند و پیوری</p>	<p>طین اهر س - بکسر اول و سکون ثانی و کسرون و فتح هزه و سکون</p> <p>ما و هماد و فتح همیم و سکون و او و هماد و فتح همیم و کسرون ثانی</p> <p>طین اهر س - بفتح هزه و سکون و ما و هماد و فتح هزه و سکون</p> <p>طین اهر س - بفتح هزه و سکون و ما و هماد و فتح هزه و سکون</p> <p>زده و تیره و زک که منده ان بد تشقه بجا میسرند و پیوری</p>
<p>تتمیق السین الملطه</p>	<p>طین قیر سی - بضم قاف و سکون و جوده و فتح رای و هماد</p>
<p>طین شاموس - بسین و الف و ضم همیم و سکون و او و همیم</p> <p>ملطه و کیشاوس آن تا هم مقام گل مخوم است مع رخ</p>	<p>طین شاموس - بسین و الف و ضم همیم و سکون و او و همیم</p> <p>ملطه و کیشاوس آن تا هم مقام گل مخوم است مع رخ</p>
<p>تتمیق الهمیم</p> <p>طین مخوم س - بفتح همیم و سکون و ما و هماد و ضم قاف و سکون</p> <p>ا و ف گل مخوم گل سرخ رنگ است نبات الملس</p> <p>ح باق قاض و مفرغ و مقوی دل و عا بن و غن</p> <p>ش و درم و در قیاق بدل و در قیاق و در قیاق و در قیاق</p> <p>لوی زشته با شندج اکله بوی شبت و در و باب جسته</p>	<p>طین مخوم س - بفتح همیم و سکون و ما و هماد و ضم قاف و سکون</p> <p>ا و ف گل مخوم گل سرخ رنگ است نبات الملس</p> <p>ح باق قاض و مفرغ و مقوی دل و عا بن و غن</p> <p>ش و درم و در قیاق بدل و در قیاق و در قیاق و در قیاق</p> <p>لوی زشته با شندج اکله بوی شبت و در و باب جسته</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>طین س - بفتح اول و سکون و جوده و فتح رای و هماد</p>
<p>طیطان - سرانی بکسر اول و سکون ثانی با و هماد ثانی</p> <p>والف و لوز و ف گند نار همیانی -</p> <p>طیطان یونانی بفتح اول و سکون ثانی بالام و الف و فتح</p> <p>نا و همیم و سکون ثانی و سکون و او و لوز و ف زده و همیانی</p>	<p>طیطان - سرانی بکسر اول و سکون ثانی با و هماد ثانی</p> <p>والف و لوز و ف گند نار همیانی -</p> <p>طیطان یونانی بفتح اول و سکون ثانی بالام و الف و فتح</p> <p>نا و همیم و سکون ثانی و سکون و او و لوز و ف زده و همیانی</p>

ظفره و بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح
 راء و همزة و فاقی و سکون لام و فتح عین مهمله و همزة
 وادوزا بر محیط خارج شک -

خلیقه و یبدا از شکستن دروش سفید باشد شش و دهک
 دگر بندازد و درم تا سه دم ص یوزج یارب یوس
 ل در غره فودنج و در مرزها مرده راسن
 یادار قلقل و سل دگر بند شیطرح -

تینق الباء

تینق البسیم

عاج - ع بکون جیم و ذلق یل و دانه ی دانت
 طب بی ق جفت خ سفید پاک ش نیم دم از نازاد

ظفره و بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح راء
 مهله و همزة یام یودنه بری -

تینق اللام و تینق الفاء

عاج - ع بکون جیم و ذلق یل و دانه ی دانت
 طب بی ق جفت خ سفید پاک ش نیم دم از نازاد
 ص ب الحو بل شاخ بز -

ظفره و بفتح اول و سکون لام و فاقی و همزة
 و آیه کیر طب بی ق جفت خ سخت ص زبل
 شاخ و سرخه بجزع آن مهل ز داق ضا د ش با شرب

تینق اللام

عاقول بعین مهله و الف و همزة قاف و سکون وادول
 ف دخت ساج ده سال -

ظفره و بفتح اول و سکون لام و فاقی و همزة
 و آیه کیر طب بی ق جفت خ سخت ص زبل
 شاخ و سرخه بجزع آن مهل ز داق ضا د ش با شرب
 گزین پروام و با سل جبت نفوس و همزة اصل فاقه

تینق الباء و تینق الموحده

تینق المسیم

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح کونج
 تینق الباء و تینق النون

تینق الراء و المله

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و تثنائی و الف و ذنون فیا سین
 بری که گل کجک ارده جالی جوی طریح می نیم ق ق

تینق الراء و المله

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و تثنائی و الف و ذنون فیا سین
 بری که گل کجک ارده جالی جوی طریح می نیم ق ق

تینق الراء و المله

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و تثنائی و الف و ذنون فیا سین
 بری که گل کجک ارده جالی جوی طریح می نیم ق ق

تینق الراء و المله

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و تثنائی و الف و ذنون فیا سین
 بری که گل کجک ارده جالی جوی طریح می نیم ق ق

تینق الراء و المله

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و تثنائی و الف و ذنون فیا سین
 بری که گل کجک ارده جالی جوی طریح می نیم ق ق

تینق الراء و المله

عجب بفتح اول و همزة و سکون ثانی و فتح کونج
 عجب - بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مهله و همزة کونج

ظفره و بفتح اول و تثنائی و الف و ذنون فیا سین
 بری که گل کجک ارده جالی جوی طریح می نیم ق ق

عجب بفتح اول و سکون جیم م حبس انیل - عجم از قبیل سب س فتح اول و ثانی و ضم میم و سکون لام دفع راز بجهشده و کسر موحده اول و سکون تخانی م داند بوزنه دانه که سج ط ب ای می ۲ -	عذبه س فتح اول و سکون وال سیمه و فتح موحده ه دخا و بام جز باز و و خمره الشرفه جعولی بامین -
تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف	تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف
عجمال و تجمل - بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون وال مهله و لنت اول و ضم اول و سکون ثانی و فتح و لنت ثانی و ف شیه جعرات شده -	عظمی شای بفتح اول و سکون ر و مهله و فتح طار مهله و کسر نون و سکون تخانی با شایه و الف و جوبک نشان ل و ر و جمل
تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف	تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف
عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -	عرب بفتح اول و سکون ثانی و فتح طار مهله و سکون بوحه ح عرب بفتح اول و سکون ثانی و فتح طار مهله و سکون بوحه ح
عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -	عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -
تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف	تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف
عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -	عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -
تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف	تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف
عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -	عذرنا - سیرانی و یقولی یونانی بفتح اول و ثانی اول مهله و سکون ر و مهله با نون و الف م کند ش -
تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف	تفتیق الدال الیه و تفتیق الالف

عسل القصب الطبريز وبنج اول بين مملو وعلامه سكون تام ثانی وفتح قاف وصاد وها وکسر وده وفتح واد وفا وده ووحده ثانی وکسون واول وفتح ز واه وکسون یکسل حفص یروش دریندی -	عسل القصب الطبريز وبنج اول بين مملو وعلامه سكون تام ثانی وفتح قاف وصاد وها وکسر وده وفتح واد وفا وده ووحده ثانی وکسون واول وفتح ز واه وکسون یکسل حفص یروش دریندی -
دال مملو شیر و شیر و نبات هرس طرح -	دال مملو شیر و شیر و نبات هرس طرح -
عسل واد و بنج لایم با دال مملو ولف وضم غمره وکسون واد عصا ب بفتح اول و ثانی وکسون ووحده ثانی وکسون وبنج عصا ب بفتح اول و ثانی وکسون ووحده ثانی وکسون وبنج	عسل واد و بنج لایم با دال مملو ولف وضم غمره وکسون واد عصا ب بفتح اول و ثانی وکسون ووحده ثانی وکسون وبنج عصا ب بفتح اول و ثانی وکسون ووحده ثانی وکسون وبنج
عسل النخل ع بفتح اول و ثانی وضم لام وفتح فون مشد وکسون واد و مملو ولام مشد و مملو وده طرح می ۲۲ درل و بکلی واد و مملو وده طرح می ۲۲ سرخ واکل ورمی بعد از آن صفی ش واد و قیده و مملو وده ببار واد و مملو وده طرح می ۲۲ واد و قیده و مملو وده	عسل النخل ع بفتح اول و ثانی وضم لام وفتح فون مشد وکسون واد و مملو ولام مشد و مملو وده طرح می ۲۲ درل و بکلی واد و مملو وده طرح می ۲۲ سرخ واکل ورمی بعد از آن صفی ش واد و قیده و مملو وده ببار واد و مملو وده طرح می ۲۲ واد و قیده و مملو وده
عصاره طراشیت بزمه و طینه با وفتح طار مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد	عصاره طراشیت بزمه و طینه با وفتح طار مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد
عصاره الطبخ ع بضم ف و ثانی وکسون ولام وفتح با ووحده وکسون ون وفت افشرد و بزر و بکلی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد	عصاره الطبخ ع بضم ف و ثانی وکسون ولام وفتح با ووحده وکسون ون وفت افشرد و بزر و بکلی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد
عصاره فستق شامش اسود و بزمه و طینه با وفتح طار مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد	عصاره فستق شامش اسود و بزمه و طینه با وفتح طار مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد
عصاره مایه با وفتح اول و ثانی وکسون واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد	عصاره مایه با وفتح اول و ثانی وکسون واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد
عصاره مایه با وفتح اول و ثانی وکسون واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد	عصاره مایه با وفتح اول و ثانی وکسون واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد و کسر وده وکسون و ثانی وکسر وده واد و مملو واد و مملو واد

در این کتاب آمده است

در این کتاب آمده است

در این کتاب آمده است

ص روغن بنفشه زهره الالج یا آرد مغر بل
عصافه السوس - بفتح اول و سکون ثانی و ضم فاد سکون واد
زار و سلف کینک و فاکتی چو و گزگر یا طرح ی سلخ
تمیق الزرار المخرجه
عصاره شجرة الجوز بفتح شین مجر و جم و رار و هلا و ضم فاد و فانی
و سکون لام و فتح جیم ثانی و سکون واد ف افشرد و درخت
کرده کان ل مرزبوش -

عصاره آفستین - بفتح مزه و سکون فاد فتح شین مهله
و سکون تون و کسر فانی و سکون تخانی و تون ثانی و افشرد
افستین ص ریوند چینی ل سه وزن آن از درق آن
عصاره شقایق النعمان بفتح شین مجر و فاد فالف
و کسر تخانی و ضم قاف ثانی و فتح تون شده و سکون عین مهله
بایم و الف ثانی و افشرد و لال عصاره کجور مجر -
تمیق الحار

تمیق السین المله
عصاره السوس - بفتح فانی و سین مهله و سکون
واد و سین مهله ثانی م رب السوس شیرازی آب
شده مبهک طبع ح ر -

عصیه - بضم و فتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و فاه
م ریحان سلیمان گویند بلاب -
عصفیر - بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاد سکون تخانی
و فتح رار و هلا و فاد فخری زرد -
تمیق التخانی

عصاره انبر باریس بفتح مزه و سکون تون و فتح موحده
و سکون رار و هلا ثانی و موحده و الف و کسر رار و هلا ثانی
سکون تخانی و افشرد و زرنک ل و وزن آن از درق آن
عصاره الحیدر - بکسر لام و سکون جاد و هلا و فتح تخانی
و ضم فانی و فتح فانی و فانی و سکون تخانی ثانی و ف
افشرد و درخت سرس رخ تازه ل راقا قیا -
تمیق الظار المله

عصی الرامحی - بفتح اول و فانی و الف و فاد و سکون
مهله مشد و الف و کسر عین مهله و سکون تخانی و ف
کسه لال سیلک طیب می گویند رخ بتانی و ف
مائل بایم ص مندل ل غلب الشلب -
تمیق العصاره المخرجه و تمیق الفوقانی

عصاره القوط بکون لام و کسر فاد و سکون او و هلا
تمیق اللام

عصا - بفتح اول و فاد و موحده و الف و فانی و ف
هر و تخنیکه خار ناک بود از آیدین نام خوانند -
تمیق السین المله

عصاره المثل - بکون لام و کسر میم و سکون مثله
و لام ثانی و عصاره السوس م رب السوس -
تمیق النون

عصیر - بضم اول و سکون ثانی و کسر رار و هلا و سکون تون
مهله ل فاد و سکون خطمی بری خوانند -
تمیق اللام

عقار کوبان - رومی بنیم اول با ثانی و ثالث و کسر اول	عقار کوبان - رومی بنیم اول و ثانی و ثالث و کسر اول
و نیم کاف و دوا کوبول با با و ثالث ثانی دون م عاقر قرحا	و نیم کاف و دوا کوبول با با و ثالث ثانی دون م عاقر قرحا
عشر بران - بفتح اول و سکون ثانی و فتح راوله و موحده و	عشر بران - بفتح اول و سکون ثانی و فتح راوله و موحده و
دون م استعد و قدر یون ف ت زنگلی دار و -	دون م استعد و قدر یون ف ت زنگلی دار و -
تمیق التمنانی	تمیق التمنانی
عقرب یخسری - بفتح اول و سکون ثانی و فتح راوله و	عقرب یخسری - بفتح اول و سکون ثانی و فتح راوله و
موحده اول و فتح موحده ثانی و سکون جاوله و کسر اول	موحده اول و فتح موحده ثانی و سکون جاوله و کسر اول
ثانی ف کز دم و دریائی و آن ماهی ست که بر سر و	ثانی ف کز دم و دریائی و آن ماهی ست که بر سر و
خاری بود که بران می زند و بگز و ده سنگی محلی -	خاری بود که بران می زند و بگز و ده سنگی محلی -
تمیق الکاف و تمیق الموحده	تمیق الکاف و تمیق الموحده
عکوب راع بفتح اول و نیم کاف و سکون و او و موحده	عکوب راع بفتح اول و نیم کاف و سکون و او و موحده
عکرب بفتح عین و سکون کاف و فتح راوله و با و موحده	عکرب بفتح عین و سکون کاف و فتح راوله و با و موحده
م نوسه از تر سف بنر لیست -	م نوسه از تر سف بنر لیست -
تمیق الفوقانی	تمیق الفوقانی
عکال الزمیت راع بفتح اول و ثانی و نیم راوله و فتح زو نیمه	عکال الزمیت راع بفتح اول و ثانی و نیم راوله و فتح زو نیمه
مشده و سکون ثانی و فوقانی ف دردی نیست محکوم	مشده و سکون ثانی و فوقانی ف دردی نیست محکوم
تمیق الراء الملهل	تمیق الراء الملهل
عکال لایا طریع بکسر اول و سکون ثانی و نیم کاف و سکون	عکال لایا طریع بکسر اول و سکون ثانی و نیم کاف و سکون
عکس راع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ثالث و فتح عین و موحده و	عکس راع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ثالث و فتح عین و موحده و
ف نویائی انخی بشیرازی بر و گردید و سخ الکوز	ف نویائی انخی بشیرازی بر و گردید و سخ الکوز
همین ست نش یکشغال با و شمال -	همین ست نش یکشغال با و شمال -
تمیق السین الملهل	تمیق السین الملهل
عکس راع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ثالث و فتح عین و موحده و	عکس راع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ثالث و فتح عین و موحده و
ف نویائی انخی بشیرازی بر و گردید و سخ الکوز	ف نویائی انخی بشیرازی بر و گردید و سخ الکوز
همین ست نش یکشغال با و شمال -	همین ست نش یکشغال با و شمال -
تمیق الکاف	تمیق الکاف

تشیق النوب و تشیق الالف	علیق - مع بنم اول و فتح ثانی و سکون تثنائی و تان و ت
عفتا - بفتح اول و سکون ثانی و تان و تالف م سیرخ	در و شیرازی توت س کل ط ب ای ۲ قی قاف و خ
تشیق الموحده	تر و زده ش از بیخ او و در مهن صج کسل سکون طار
عقاب - مع بنم اول با ثانی مشد و الف و موحده	تشیق الکاف
جیلان و طان ه دلاخی برط مع گویند خ و را گویند ب	عکس ک بکر اول و سکون ثانی و کاف ف بر مری کردان تالید
اق لیرن خ جرمانی تازه کرم ناخورد شیرین شرم و بیخ	تشیق البسیم
ص شکر ک کشمش بدو بر مری یک سیم زن آن یا بستان	حلقه - مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون بهم
عنب لیلیب - مع بکر اول و فتح ثانی و ضم یوحه و فح کشمش	خفطل و گویند تار کما و هر پنج بود از فلفله خوانند
شده و سکون مین جمله ثانی مشد و و فتح لام ف و با نود	عکس لطم - مع بکر اول و سکون ثانی و ضم کاف سکون
و کوی کاکا کاجی ط ب را گویند ۲ گویند سح راق راق	لام ثانی و ضم موحده و سکون طار سیم مترو گویند ضحیت
خ زرد تازه ص فز باصل ل ساد و ران باطباط	بطم ست ط س گرم و خشک ص صل ش کشمال
عنب - مع بکر اول و فتح ثانی و سکون و موحده و ف انگور	تشیق التثنائی
ه و کله ط پوست ادبی شکست اوج رود و کوب	علی - بفتح اول و ثانی و کسر سین و سکون تثنائی و ضم
ق مندی مملخ سید رفیق شیرین ص حلیب ل زبیب	عکس - بفتح اول و بفتح موحده و سکون مین مجرای دال
عندلیب بکر اول و سکون ثانی و فتح دال و کسر لام	والف و کسر ال و سکون ثانی و فتح سید مال بر دی
سکون تثنائی و مرغ هزار استان	تشیق البسیم و تشیق البسیم
تشیق الفوقانی	علی - بفتح اول و سکون مین و فتح لام و سکون جوف
عزروت - مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ضم ماحط	از جزیره کبود است او سرخ و سبز بود و او را همچنان باخته
و سکون و ادم خور ل ه راکی	خوردنم خربزه رسانی
عزروت - مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح زایچه و ضم	تشیق الدال المثل
را همل و سکون و او و فوقانی م انزوت	عزروت - بفتح اول و سکون مین و فتح زایچه و سکون دال ممل ف
عکس ک - مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم موحده	تشیق الراء المبل
و سکون و او کاتر و دیو یا کمری ط ق منسحق و کمری	عازر - بفتح اول و ثانی مشد و الف و ممل ف موزد

تفتیق الودود و تفتیق المومعه	سفید باشد ص سرکه در معن محل اسفنج
عود الصلیب - ع بضم اول و سکون لام و ضم دال و فتح عود و فتح	تفتیق الدال المله
عود مملد شده و سکون لام و سکون تخال هم فادانیا و انجیر است که در گردن کودکان آویزند	عود ع - ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حمر و سکون دال مملد و فتح
تفتیق الودود المله	تفتیق الودود المله
عود الفالو ح - ع سکون لام با فالف و ضم لام ثانی و سکون	عود ع - ع بضم اول و سکون ثانی و فتح مومعه و سکون ابر
عود و فتح دال بهایف ششک -	چیز نیست مشدو طرح ۲ ی اقی مقوی باغ و دل رخ
عود الود ح - ع سکون لام و فتح وادف وادف اگر د - ح	اشتبیه چرب سفید است بکشن ناگی ص صفت
عود ح - ع بفتح اول و سکون وادف وادف حمر و سکون حمر	بالویدین کافور و خیال و دود و بک زن آن مشک و دانه کبر
عود نوحی از عقیق است و نوحی از دام غیلان است چون شکله	زعفران یا وزن آن مشک و مر و زعفران -
شود از اضرایخ خواند ط ۲ ق رابع رخ یا مانی بنزوق	عنقده - بفتح اول و سکون و ثانی و فتح قاف م مرزنگوش
ص کبریا مصطکی ل شسته یا فلفل حب و دمای گرم با عقیق	تفتیق القاف
تفتیق الحاد المله	عناق - بفتح اول و ثانی و انت و قاف م بزرخاله -
عود المرح - ع کبر سر زنده شده و سکون تخال اسی است	تفتیق اللام
شکر که بزبان شام فادانیا و بزبان مصر امیران دانه مشیر	عود ح - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم مملد و سکون
اهل انبرایس که آنرا بر روی دار تخم خاوند و عود الود و الیز و حمر	لام م بقیل ص یا زوش و یا زوشی و کتده و شوش و کاند
عود القح - ع سکون لام و فتح قاف بار اول مملد عاف و واد	تفتیق المسیم
تفتیق الودود المله	عود ح - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مملد م بقم -
عود السیر - بضم یا زنده و تخانیه و سکون سین مملد م واد	عود ح - ع بفتح اول و سکون ثانی و لغت و لیم و تخان و واد و اس
نار عود رس است	ه سکوداری و گویند بخار است که بفارسی گلزار گویند -
تفتیق الودود المله	شاده ای درختان میرد و غیره نیز است -
تفتیق الودود المله	تفتیق المساد
عود العطاس - ع سکون لام و ضم حمر و سکون لام مملد با طار مملد	عود ح - ع کبر اول و فتح ثانی و ضم مومعه و سکون لام مملد
مملد و تخانی شده و قاف حمر و زوشان کبر است	مملد و تخانی شده و قاف حمر و زوشان کبر است

تتمیق النون	تتمیق الدال المله
عبدالمانع کبریا دل ملامت بر سر و سکون	عین البدر مع سکون لام و هم بر سر و سکون
دین ملامت و نون فوج بلسان طحی	دال ملامت باقی است با فزنی که معروف است با زانی
خامس از شش و نیم مثال کبریا دل حب بلسان	تتمیق الراء المله
تتمیق المهاء	عیون البقر مع نسیم اول و ثانی و سکون و هم فوج ملامت
عبدالدرقه مع بفتح دال ملامت و سکون راه ملامت	لام و فتح موحده و فاف و سکون با حمله زوال و فوج ملامت
دفع قاف و بافت بیج انگدان	بهاصل است که نندگور یا کمان که ننداق الملامت نیست
عبدالحمید مع بفتح حاء ملامت و یا و ناه و تحا نیه مشدود و دال	تتمیق الطاء المله
ناقص که در بار و دوان هم بر سر و شله یوسن طه ملامت	عید ان النساطه کبریا دل و سکون ثانی و دال ملامت
تتمیق التماسه	و نسیم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون طاء و ملامت و فتح ملامت
عبدالمنعم کبریا سکون نون و کبریا دل ملامت ثانی و اگر	ثانی و الف و طاء ملامت ثانی ساکن فوج ملامت
از و حاء ساکن و طحی ابق مفتوح و زعمی دال و دال	تتمیق السیم
مندی ش زیم درم یک و هم ق فاق کل سر غل	عیان مع بفتح اول و سکون ثانی و ملامت و هم فوج ملامت
شکر بستن مندل زر و دوا ملامت و دالک ندان ملامت	تتمیق النون
دو دالک زن آن عرضان زر و دالک و نیت آن زر و دالک	عیران میجودی کبریا دل و ثانی مجهول و ناه و حمله
در جین و گوشت مصطکی و کسبل	و الف تم قسی زر و دوا ملامت و ی ۲ ق فاقین ح انچه بود
تتمیق الماء و تتمیق النون	سیب و دوا ملامت و فوج ملامت
من مع کبریا دل و سکون با فاف و در صورت بیستم	عین مع بفتح اول و سکون ثانی ف میشم و آنکه دوند
تتمیق الیاء و تتمیق الواو	عیون جمع من مست و آن عضو نیست از اعضا مصرع
بوسوب مع بفتح اول و سکون تحا ثانی و نسیم ملامت	حیدان و گرم و زعمی نمک و صقر
و دوا ملامت اذان العاد با ناه و زور ان ملامت و نسیم	عیون - کبریا دل و سکون با ناه و تحا ثانی و نسیم نون و سکون
بالمع مع بفتح اول و سکون ثانی و نسیم نون و دال	دوا با نیت سیات و نون هر دو نوع است یکی کلام و سکون
به مشدود هم بیستم ملامت	ماند و بر آن که یکسان است و نون هر دو نوع است یکی کلام و سکون

تمیق الساء	مرغانی بزرگ چشم طاکرم و تدر در هر چهار درجه -
عیون الکرمه - ع بغم اول و ثانی و سکون و او و هم لون و کسر دال مهله مشد و سکون تحتانی ثانی و فتح کان و خله	تمیق الزاء الفارسی عاز و ف بز او فارسی م حار -
ف شک خرد و س وجیه سرخ و گویچی و سق ط ح ی ا فریم این المجه و تمیق و تمیق الالف	تمیق السین المله
علاطه طار یونانی بغین معج و الف ملام و الف ثانی و هم لام ثانی و سکون و او باط و مایه و الف ثالث باطای قطبی	عنا غاس - بفتح هر دو عین معج و الف بعد از هر یک و هم لام و سین مهله بنا نیست الملس و بدل و کل آن حنی و خید نامند کل ثبت و یونانی منتن الراه که گویند طاکرم م خله
تمیق القوقانی	تمیق السین المجه
غاف بفتح غین معج و الف و فتح قاء و ثانی و فانی و کسر با و قانی و ثانی و ثانیه فیز آمده یکا میست خاد را که از کوهستان	عاش - ف خوشه غوره و خبازی که جهت کم نمک و در عاش - ف لبسم و او م غاش -
حوله شرار آورده و برگ آن حرار و عریض و طولانی و غریب و از دست برگهای آن شاخ میجوف خشن و زویده و کل آن	تمیق اللام
لاجره و در ی رنگ و در شکل و باریک شاخ و درازی یک رنگ شاخ و در قیصر تلخ باشد چون معج و از گل نلکه گویند طح ای	عاسول - ع بضم سین مهله و سکون و او م اشان -
سیک و نیک ح می قی و فتح و مقوی کبرخ فارسی که از کوته ستا و ای شیراز آرد من نیم مثال ص اینسون یازد لح آسار و ن نیم وزن آن افشنتین -	تمیق النون
تمیق الزاء المله	عاریقون - بفتح عین معج و الف و کسر راء مهله و سکون عالمی و ای ق محلل و فتح قطع مهمل بغم و سودا و خله زرد و ریزنده ش از یک انگ تاد و دهک گویند از ثلث دم نامشغال ص سکینین یا مصطلکی و در سلمات بنی و دای
عاریقون معج و الف و یکون را در مهله مشهور است بهین نام طح ی ق محلل لطیف و درق اد و بری ش نیم مثال ص طباشیرل برگ سینیز با شونیز -	ترید و گانگ زن آن کشیمون و ده یک زن آن مرلی و غیره یا نیم وزن فریون یا نیم وزن صبر -
تمیق الزاء المجه	عالمون - یونانی م عاتد البین بنا نیست ایستاده طاکرم خشک -
عاز و بفتح غین معج و الف و زاء معج و ف نو سیه از	عالمون - دو است خوشبو و طریک با قوت بخیه و کوه

غزال کبک مع بفتح اول غم ثانی شد و فتح سین همایه شد و ویم ف سریش اری طح ی خ سفید غش -	تمینق الکات	غز شب - ف بفتح اول سکون ثانی فارسی هم در آنگور که شیر و کس مین تخم آنگور که در میانش باشد -	تمینق الیم
غرم - ف بفتح اول غم ثانی کم کیش شوی و گو - فند و میش و شوی -	تمینق الیم	غرم - ف بفتح اول سکون ثانی فارسی هم غز شب -	تمینق الواو
غرداشع بفتح اول سکون ثانی با و او و الف و فتح سین همه و خا و اهر و خیل ثانی و گویند بنی ۵ کو انچه -	تمینق الیاء	غرد خا و و غر و گا و - ف سر و گاس -	تمینق الیم
غری مع بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی ف سریش بست گا و یا گا و میش و اور آب می نزنند و مایه نمایند و قرص میا زند طح ی ۲ ق نری بفتح سین سفید ساقی ش نیم در من طبع الاصول لی و رفیق رفت -	تمینق التمام	غساک بفتح اول سکون ثانی و الف هم گیاره یان کیش و گینه غسک - ف بفتح اول و غم ثانی هم کرم و شعل -	تمینق الیم
غزال مع بفتح اول زاز و سیمه شده و الف و لام و ف شیر خز و کسر اول و ثانی مخفف و آه و بر و ط و ا گرم و خشک سریع الهم و مخفف و فیل الندان بکعبین -	تمینق الزا و الیم و تمینق اللام	غسل - بفتح اول و ثانی ف حطی -	تمینق الکات
غشع و بفتح اول و فتح سین و ف خا و اهر و بر گنه و مرانی -	تمینق الزا و الفارسی و تمینق الالف	غشع - ف بفتح اول و سکون اول و کسر و سکون ثانی و کسر و سکون با و ثانی و الف و الف و سکون علیجن اغریا و سکون اول و فتح ثانی و سکون ثانی که جرم و سکون فون مخ همه و سکون غین و سکون و سکون با و ثانی ثانی هم سکون شیع و پودنه که هر علیجن و پودنه و غرا که	تمینق الیم
	تمینق الموحده		

تتمیق الکفات	قوانیا - یونانی بنفادالت باوالت ثانی که شرف باوالت
غوشه شک من بنم اول سکون ثانی فی فتح شین باالت هم غوشا - غوک - و بنم اول و ثانی مجول و شک به میزندک -	دالت ثانی هم عود و هلیس بطح می سگویند مسح ق تا بش خفت منفتح مد و قوی دل خ سبط روی ش نیم مثال هس کیزال غار یقون زرادند مرج بازفت یکا
تتمیق السار	دفر و سید و منتر ساق آ بود و جون بر جمع شود بدل خود -
غوره - و بنم اول و ثانی مجول فتح را و سله و خفا و اول بر سیه و از ترا هم نیز خوانند -	تتمیق البیم
خوزه یفتح ز اوجوت پیس گفته که در نلانت با و زرافانی هم غنچه غوشه و غوشه و بنم اول و ثانی مجول سکون شین سجد و فتح نو قانی در نلنت اول و فتح شین مجید و خذ و قانی در نلنت ثانی هم نوس از کما و قطر -	فادج یفتح و ال سله سکون جیم و شک است زر و که بسفیدی و بسری از دم پا و زهر کانی نه بر هر از بسنی -
تتمیق الیاء التسانی و تمیق القات	تتمیق الدال المملک
غیداق - ع کسر اول و سکون ثانی با و ال مملد و الت و بجه نسب که از م تبه حل فراتر ک شده با	قائید یکس قون سکون ثانی به با سطر ح را گویند ج می طخ غنچه
تتمیق السار	تتمیق الیاء المملک
غیم - یفتح اول و سکون ثانی هم غام -	فما و سیر ع سکون ال مملد و فتح ز اوجوت سکون ما و امل
تتمیق السار	و با و زهر و داروی که خط روح و دفع ضرر هم کن بزم اسم خوانند آنجه مخصوص است محرک شین محرک و با و زهر کانی
غیار یفتح اول و ثانی دالت کس و را و مله فتح و کما و خفا و ام و ثانی	فارس ع - یفتح اول و موش و چوما -
ترقیم القادش و تمیق الالفت	قاعرف کس فین مجده گل را س پیان -
تتمیق السار	تتمیق السار
فاشمل - یونانی بنفادالت که شین مجید با و همادالت ثانی هم بر ایشان بر ایشان کرده لبشاد کرم و شتی و بخوشی طرح می سل در و بوج و نیم وزن بسیار -	فالر غوس - ع یونانی کسرام و سکون را و مملد ضم غین مجید و سکون و او و سین هماد و فتح قلق -
	قما قصل تعلیوس - یونانی با و ن و دالت ثانی و کسرات و سکون سین مملد و فتح همزه و سکون سین مملد

فتح خان نامی دسکرام دسکون چغتائی وشم نوٹ ہے
دسکون راویم نوٹ سے انددقی کی کبیہ۔

دسکون داد و فتح نہیں ثانی دسم فوقانی بکون داد
ثانی و دسم از نو فارکو نیک۔

تحقيق الشيخين المعجم

تحقيق السام

فارة ایشیش - بفتح را و او مایه فو قافی رسکون لام و کسر
سوحده و کسکالی بمجول شین خیمه پیش موش کور -
فانوش - سر یانی بقاء الت و ضم شین عیبه و او مجول
و شین خیمه شیط طرح -

فاجسته بذا و الت کریم فتح نشین مع بر و نثار نام جید سر
فانست بسج وال و سکون فخر بر فتح نونانی وید کا
ح عرفی طاکوشت اوج می ص شکر در بر و نثار و سر کر شین
فایسته بفتح فادالت و کریمین بیک و فتح خنایه م
فل و فتح خیل و فرندی و گویند بیزم بیدند

تفسير الزاوي المجمع

قاط - رومی، لغت الف و ف، المجمع، ج ۱، ص ۱۰۰

فانفسه مع البفتح فابا البت وكونه من مجزئ فتح شتماني
دانت كل ضاحح به من لوكه كخوشبهر لودينر

تمهيد النون

فاترین - فتح نوغانی و سگون را از جمله کسری
مملکه و سگون تحفانی و نون هم سپیدان -
خادان - فتح دال مملکه و نیوار -

باین نام خوانند و گویند کل راسے چنپا۔
 فافرو سح کہیں سخن سجد و فتح را و مہر و نماز و
 کبابہ دہن شگافہ طاس گرم و مشک۔

تمیق التماسے

فاشترتین - یونانی فیثاغورث که شش تن مجریه را
مسلّمه و مکی بن مین مملو کتر است و نو قانیه و مکی بن ابی نضاه
تجانی فیضی را و غش شش غلثت و سیستان و سیاه ام

فائزین ایکو شین میں برقعہ اور عمامہ سکون میں ہمارا کون سا ہے

مشیق البحر و تحقیق الامور

کرم الاسود مطح سی ۳۰ ق بجلی لطفش نیم شعل
مس زرد و نمدل بوزن او و روغ و نیم وزن لباس
فنا قمر ابراقیون - دانی نبون الع ثانی و کمر قمر

فجل - ع بضم اول و سکون هم و لام ت تر ب ه موی
ط بر ک ر ا ج م ی م ق مشط ل ط ف ت ب ر گ ا و ش ن و متغی
خ یستانی و میر تا ز اش ن زمر با س او ده درم ص سل -

تمیق التماسے

و پسین هملا فتح بهر دو سکون مجعده باره هملا الف ثالث فتح
کات ثانی و سکون هملا فتح ثانی و سکون او فت ذرت چا و غیر
خا ناقص حم و تون یه نانی نین الف ثانی و کسر

فصل ششم فی فضل شاه اسماعیل و در بیان کرامات و معجزات آن بزرگوار

بسم الله الرحمن الرحيم

قائِدِ دُشْمَنِ مَحَلِّهِ وَفَتْحِ عَارِضِ مَحَلِّهِ وَكُفِّهِ مَحَلِّهِ وَنُفْهِ رِأْسِ مَحَلِّهِ

فصل في معرفة احوال كل شيخ ورجل في قديم زمانه ورايه وعلومه وجاهه

<p>بهرین آن سبز تاز به است طار و سرخ و شکله با عطر است -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فل سح بقع اول و سکون لام فت بیخ نیکو قرمز بی طح می ۲ هس عسل ل کفاح -</p>
<p>فقلایم نون یفتح اول سکون ثانی بلایم الیگ کسمیم و سکون تخانی و نیم نون سکون او فت بیخ کد نشان -</p> <p>تمیق اللام و تمیق الدال المله</p>	<p>تمیق النون</p> <p>فقلل مون سبک فاقین و سکون لایم و نیم بیخ سکون دار و نون فت پردنه کوری طرح می -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق المساء</p>	<p>تمیق المساء</p> <p>فقلل السفالیه یفتح صا و مملیه شد و قافه است و کسر لام ثالث و فتح موده و فتح تخم پنجه است -</p>
<p>فقلل اسودع کسر و د فاق و سکون لام اول کسر و نیم و فتح هز و سکون بین و یفتح واد فقلل سیه و کالی و فتح ح هق و یفتح و فتح ش خیز و نیم عسل با و یفتح و یک نیم وزن فقلل سفید با و نیمیل -</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فقلل لیس و سکون لام ثالث و نیم بین و نیم و رابعه و سکون ال مملیه و دانه -</p> <p>تمیق الازاد المجه</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>
<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p> <p>تمیق النون</p>	<p>فلخو و فلقیده و یفتح اول سکون لام و نیم جابجید و سکون و او و کسر ال سکر و یفتح اول کسر و نیم سکون تخانی و یفتح ثانی می پیده دانه -</p>

فقطا فلون کیر لول سکون ثانی باطو همداد الف فتح فاقا وقم لام و سکون نادر و ن ثانی ف تنج گشت -	ش نیم شتال در مطبخ در دم صلیبوسن با تخم آنکه ل یک نیم وزن بلخ و شیطخ در طلا -
تسبیح الواو و تسبیح الدال الممله	تسبیح التماسه
فواو - یفتح اول و واو و الف ه بنگرا -	فوتج چلی بضم اول ثانی مجهول سکون فاقا فاقا فاقا
تسبیح اللام	و کسجم ففتح حیم ثانی در موده و کلام و سکون ثانی ف
فوقل ع بضم اول سکون ثانی و کسر ثانی ه بسیاری طبی س گویج ی ساق فاقا فاقا فاقا فاقا فاقا فاقا ص صمغ ل صمغ ل صمغ ل صمغ ل صمغ ل صمغ ل صمغ ل فول ع یفتح اول و سکون ثانی فاقا - فول یضم اول و سکون او و فتح ماف سوره -	پودینه کوی طحی سح خوشبوی تازه بزرگ و کوی ش یک نیم در ص کثیرال یک نیم وزن فو و فو و فو فوتج نهری یفتح فون و سکون نادر و کلام فو و فو بستانی طحی ساق طحی ساق طحی ساق طحی ساق تا یک شقال ص کثیرال یسوس ل فو و فو و فو و فو
تسبیح الیم	تسبیح التماسه و تسبیح الیم
قوم ع بضم اول و سکون ثانی و میم ف گدم -	فیروزج بکسر اول سکون ثانی و فو و فو و فو و فو
تسبیح الواو	زا و جمعه سکون حیم فو و فو و فو و فو و فو
فو - یونانی بضم اول سکون ثانی نیجست باریک خوشبو و انبیل الطیب بلکه فو از سنبل الطیب است ه جالی کر می طحی ی فو و فو و فو و فو و فو و فو ص از نادر یار الیوس ل صمغ ل صمغ ل صمغ ل صمغ ل	فیله و ج کیر لول سکون ثانی و فو و فو و فو و فو فوقل ع بضم اول سکون ثانی و فو و فو و فو و فو فوقل ع بضم اول سکون ثانی و فو و فو و فو و فو
تسبیح المساد	تسبیح النون
فوده - ف یفتح اول سکون ثانی و فتح دال ممله	فیجج ع یفتح اول سکون ثانی و فتح حیم سکون فو و فو
م خیر خشکی که از آن آبکامه بسیارند -	ترقیم القاف و تسبیح و تسبیح الالف
فوشه بضم اول ثانی مجهول و فو و فو و فو و فو و فو فوقل ع بضم اول سکون ثانی و فو و فو و فو و فو فوقل ع بضم اول سکون ثانی و فو و فو و فو و فو	فاراسیاس ع بقاء و الف و فو و فو و فو و فو کسین ممله با تخم ثانی و الف و الف و الف و الف فاقا - بقاء و الف و کسین فو و فو و فو و فو

قت بضم اول وسكون فوقانی هم هست -

قتاء هندی - و خیار خیر -

تتمیق الدال المهملة

تتمیق الدال المهملة تخمین الالف

قتا و مع یفتح اول و ثانی و الف هم و خیر و تاء و است
که صیغ دس کی است بشیر از ی و ت که طاح ر -

قد یا یفتح اول سکون دال مهملة کسریم و تخانی و الف هم و طیا
تتمیق الحار المهملة

تتمیق التاء المشددة تتمیق الالف

قد یفتح اول و ثانی و الف هم و نصفه -

تتمیق الدال المهملة

قتا یفتح اول مشددة و الف و خیار و راز و کدی
بک ۲ ق مد مجمل خ نیشاد و ی خت تاز و ح س ل ان فایز

قد یفتح اول کسری و سکون تخانی و دال مهملة
ثانی و گوشت خشک خ از حیوان تر -

تتمیق الدال المهملة

تتمیق الهمیم

قتا یفتح اول و ثانی و سکون دال مهملة
خیار باد رنگ ه کبر اطی ر -

قتا یفتح اول سکون و هم و تخانی و الف هم و طیا
تتمیق الالف المهملة و تخمین الالف

تتمیق الالف المهملة

قتا و حار یفتح اول و ثانی و الف و هم و سکون
لام و کسر و طیم و الف ثانی و راز و هم و کسر و طیم
ق سکن و هم و خیر و سید و ش از یک ر م یک شقال گویند از
عصاره او و د و الف و کسر و ش و ی و صغ و د و ر و ل و هم و د -

قرا صیا یفتح اول و ر و هم و الف و کسر و صا و هم
یا تخانی و الف ثانی و ت و با و ط و ح و م و ی و خ و س
رسید و سیاهش یک کف و رقیع و ص و ج و ی و ن و ل و با و ح
فرد و ما نا یضم اول سکون ثانی و هم دال مهملة با هم و ط
و نون و الف ثانی و هم کربا و جلی ط و ح و ی و م و ق و معنی و ط
ملطف مدخ تاز و زر و فریش یک شقال صا و ی و ن
یا صندل ل خرد و خربل و مشکطرا مشیج -

تتمیق الهمیم

قتا و النعام یضم نون با هم و هم و الف هم و خطل کوچک
تتمیق الما و

قرا صیا یفتح اول و ر و هم و الف و کسر و صا و هم
یا تخانی و الف ثانی و ت و با و ط و ح و م و ی و خ و س
رسید و سیاهش یک کف و رقیع و ص و ج و ی و ن و ل و با و ح
فرد و ما نا یضم اول سکون ثانی و هم دال مهملة با هم و ط
و نون و الف ثانی و هم کربا و جلی ط و ح و ی و م و ق و معنی و ط
ملطف مدخ تاز و زر و فریش یک شقال صا و ی و ن
یا صندل ل خرد و خربل و مشکطرا مشیج -

تتمیق الما و

قتا و الهمیم یضم سکون لام و مع حار و هم و تخانی شد و
و حضا نام زرا و ند و ط و ی و گویند خطل کوچک -

قرا صیا یفتح اول و ر و هم و الف و کسر و صا و هم
یا تخانی و الف ثانی و ت و با و ط و ح و م و ی و خ و س
رسید و سیاهش یک کف و رقیع و ص و ج و ی و ن و ل و با و ح
فرد و ما نا یضم اول سکون ثانی و هم دال مهملة با هم و ط
و نون و الف ثانی و هم کربا و جلی ط و ح و ی و م و ق و معنی و ط
ملطف مدخ تاز و زر و فریش یک شقال صا و ی و ن
یا صندل ل خرد و خربل و مشکطرا مشیج -

تتمیق التختانی

قتا و هندی بری - بکسر و سکون نون و کسر دال مهملة
تختانی و فتح و حده و کسر و او و له شد و د و ط -

قرا صیا یفتح اول و ر و هم و الف و کسر و صا و هم
یا تخانی و الف ثانی و ت و با و ط و ح و م و ی و خ و س
رسید و سیاهش یک کف و رقیع و ص و ج و ی و ن و ل و با و ح
فرد و ما نا یضم اول سکون ثانی و هم دال مهملة با هم و ط
و نون و الف ثانی و هم کربا و جلی ط و ح و ی و م و ق و معنی و ط
ملطف مدخ تاز و زر و فریش یک شقال صا و ی و ن
یا صندل ل خرد و خربل و مشکطرا مشیج -

قرا صیا یفتح اول و ر و هم و الف و کسر و صا و هم
یا تخانی و الف ثانی و ت و با و ط و ح و م و ی و خ و س
رسید و سیاهش یک کف و رقیع و ص و ج و ی و ن و ل و با و ح
فرد و ما نا یضم اول سکون ثانی و هم دال مهملة با هم و ط
و نون و الف ثانی و هم کربا و جلی ط و ح و ی و م و ق و معنی و ط
ملطف مدخ تاز و زر و فریش یک شقال صا و ی و ن
یا صندل ل خرد و خربل و مشکطرا مشیج -

تمنیق الشار الملحمه	در آب بکوان مفران تند و بزرگان چون بخانیز رنگ بران کند -
قرطاس مع نفع اول ثانی دالت و دعا بملک نعم نعل -	قرصیا بفتح اول سکون ثانی و کسر می با تخلف کم تو تیا -
تمنیق الشار الملحمه	تمنیق الحار الملحمه
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع نیز سکون ظاهر ملحمه	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و دعا بملک شونیز -
نومی از بهشت بک اول م نومی از کراش و نفع اول ثانی و	تمنیق الدال الملحمه
سکون ثانی نیز کراش آن بفتح و نفع غفلت است اقا قیا	قرطاس بفتح اول سکون ثانی با الوت و ال ملحمه و نفع
عصاره است طلب می ۲ ق قابض ش یک دم ص	اول و یکسر اول سکون ثانی و نفع ثانی و کبی بوزنه
ایتم کدول جبار بفتح اول سکون ثانی و دعا بملک	و بیون تیری نمی بند می آنچه آوان سخ است بند و آنچه
نورس از بهشت و یکسر اول نورس از کراش است -	رو س آن سیاه است لنگور و نمی کنه یعنی کلی نیز آمده -
تمنیق العیس الملحمه	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و کسر می و سکون بفتح نفع
قرطاس بفتح اول و بفتح نیز سکون ثانی و نفع بملک	تمنیق الازار الملحمه
کد و طب ۲ ق ملین کخ تر و بنوشین ش	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و نفع لون و سکون
از آب او نیم رطل ص خردل سیرک تر برز -	لام و نفع موده و سکون جار بملک کمر یا -
تمنیق الکاف	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و نفع ثانی و انداز
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع موده و سکون اول و سکون	تمنیق الزاد الملحمه
تمنیق اللام	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و کسر می و سکون ناهنجور و نفع
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی	ف کرم و رنگیزان کبدان ابر و شمر و صوت را گویا
سکون لاد و نفع ثانی و نفع اول سکون لون و نفع تمام	تمنیق السین الملحمه
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی	قرطاس بفتح اول سکون ثانی با جواهر دالت برین ملحمه
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی	ف کاندلایی اق بفتح خمی ص کتیرال و و نفع بزرگ
تمنیق الشاد الملحمه	تمنیق الشاد الملحمه
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی
قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی	قرطاس بفتح اول سکون ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی و نفع ثانی

نیم وزن جزو الطبع نیم وزن و اجین و قریه یا نیم وزن و غیر شک
 و نیم وزن آن خوشنجان گویند بوزن آن خوشنجان -
 قرن مزایل - و بفتح اول ثانی و سکون فون و فتح میم و سین مله
 سکون نون و جود کسر سیم و فتح تخلفه شد و م شاخ بر کوی خ
 از ایل بزرگ که سوخته باشد پس کثیر ال اسار و ن خوشنجان
 قول - بفتح اول ثانی و سکون و او و لام هم مرغان -
 قرون اسبل بفتح اول ثانی و سکون او و طیم و نون و سین
 سمله شد و سکون نون ثانی و فتح موحده چیریکه در میان
 سنبل بیانده و آن از سموم است که بخیا و در طرح می آید

قرن سلاویون بفتح اول کثر ثانی و سکون سین حله یا یا و مملو
 ال کسر و را و مملو ثانی و فتح تخلفه یا و سکون او و نون هم کلمات کو بی
 قرون بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف ثانی و را و مملو ثانی و سین مله
 قرون - روی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی
 و را و مملو ثانی و سکون او و و نون هم سمله -
 قرنقان - سر یا فی بفتح اول و ثانی و سکون نون یا
 قاف ثانی و الف و نون ثانی هم کرد یا -
 قرون بفتح اول ثانی و سکون او و نون و ثانی و مملو و سمله
 سینک طب بی قی محض و از ایل بزرگ و در میان اسبل نام

تتمیق المسیم

قرطم بفتح اول و سکون ثانی و ضم طار سمله سکون سیم و ف
 خشک اندک و در طرح اوراق شنبلیله پس بفتح سفید فربه
 شد و درم از آب جویس ل کیون بادام درج و در نیم نیمه

قرقو - سر یا فی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی
 و سکون او و م زعفران -

تتمیق النون

قرقو ایمن - بفتح اول و فتح ثانی و شد و فتح قاف ثانی و سکون
 لام و فتح عین مملو و سکون تخلفی هم کسر المار طبعی و ق
 مملو مطلق شد و بفتح خج و درم کل کج ل کرس -
 قرحان بفتح اول و ثانی و حاء مملو الف هم نومی از کی سفید چک
 قرون بفتح اول و سکون ثانی و ی و ال طار الف کسر هم ف
 فردان - بفتح اول سکون ثانی و او ال مملو الف
 ف کمنه و کلی که اکثر اسکندر گامی چسپد -

قرطم سدری بفتح اول سکون ثانی و فتح طار مملو و
 کسر سیم و یا و سکون نون و کسر ال مملو و الف النیل -
 قرقه الی الاچینی - بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف و ثانی و فتح
 مملو شده و الف سکون او و مملو کسر فاف ثانی سکون کساکو
 نون هم جود اجین و بیج طبعی سلق لطیف بقوی جود مدور
 بسی هم کونده و ثانی هم شتال ان و وزن فون و اجین
 قرنفل لبثانی - هم زخم شک -

تتمیق الیمن المملو و تتمیق الالف

قرسا - بفتح اول و سین مملو و الف هم سمله -
 و فتح میم و سکون او و کسر سیم ثانی و سکون نون هم فرد یا -

تتمیق الموحده

له و زبان شایمان آباد و جوی کوی

باد او شد و الف ه قصب لذریه	قصب ع بضم اول سکون ثانی و میم مث غلبه کشته
تمیق الموحده	تمیق السار
قصب ع بفتح اول و صاد ممله و سکون موحده و ف نه طحی الگویند بر کرباق المطنخ فتح اول زووق غرّه	قصاب ع بضم قاف و فتح ضاد و الف و فتح عین مملع ماده سگ آبی و او دبلاد و گویند غبار آسیا
تمیق الدال الممله	تمیق التماسی
قصب لذریه اول ثانی و سکون و ال مملع عوج	قصاب مصری ع بفتح اول ثانی و الف و کسر مملع و میم و سکون صاد ممله و کسر رار ممله کشته
تمیق الرا الممله	تمیق النطا و الممله و تمیق الالف
قصب السکرت بفتح اول ثانی و ضم موحده وین ممله بشد و کاف شد و ف شکره کائدا و او کوه و پندار گویند طح راح شیرین آبدار	قطونا بفتح اول و ظا ممله و سکون اد بانون م مملع و قطا بفتح قاف طار و الف ف شکوه و ا و ا طام کرم شک
قصب بکبر اول سکون ثانی و کسوف و سکون بحکم قلمی و ازیز	تمیق البار الموحده
تمیق السار	قطلب شامی بفتح قاف و سکون ط و ضم لام ع قافل ا بیه و خفیت شبیه بدرخت به ط م سرد و شک
قصاب ع بضم اول با ثانی و الف و فتح عین ممله و سگ آبی یعنی قندزه او دبلاد	تمیق الرا الممله
قصب لذریه ع بفتح اول ثانی و ضم موحده فتح ذال مجیشد و کسوف ممله و سکون فتح ترا ممله ثانی و ا و ا چایا طحی الگویند بر کرباق المطنخ فتح اول زووق غرّه	تمیق العتاء
عرق اسوس اللفظ الطیب یا صندل یا عودس یا بنبل و عود	تمیق النون
قصب لذریه اول سکون ثانی و فتح ممله ثانی و ا و ا کوهی	قطران ع بکبر اول سکون ثانی و بار و ممله و الف و نون و ا و غنی مت که از درخت عرب گردید گویند قیر طحی ا بیه
تمیق الفداد المبعیه و تمیق الموحده	گویند باق مصلع مصلع المطنخ مانود از درخت عرب صر و غنی بان
قصب بفتح اول سکون ضاد مجیه و موحده و ف نه سبت	الخطیاه و بانیم وزن جوب بیدار و رقی با جاد شیرین از درخت
تمیق المیم	قطن ع بضم اول سکون ثانی و فید طح حرق تخم ممله

خ فزید پیش از آب و تخم او و در هر صلب بسوزند ل از تخم او خشکش و بادام -	و کسرون با تخم آن و الف و زنجبیری - قلیسیا یکسر اول ثان و سکون مختصا و کسرون مختصا ثانی و قلمی
تسبیق التماس	تسبیق الموحده
قلعہ بخری - یونانی میوه و ملح نیز خوانند نباتیت شبیه سبج و بخارط ۲ گرم اتر -	قلب بفر اول و سکون ثانی و مود و ماش مهدی ۵ نله میوه و گویند فزاد و طاب ۲ گویند ح ی -
تسبیق همین الموحده و تسبیق الیاء موحده	قلب بفر مع لقم اول و ثانی و سکون و اود و لملاح سرخ ماخوذ از جیان کو چک و دندان -
قلعہ بخری قات و سکون مین ممل و فتح فون غ مام و قلب نیز از این نامند فاضل باز و گویند نباتیت برگ ساق آیتاده و برگ آن شبیه به برگ استالخ -	تسبیق الفوقانی
تسبیق اللام	قلعہ بخری یکسر اول و سکون ثانی و کاسر المرحه کلحق طرح ای ۲ ق مد رشتی منشت ش و درم و گویند نیم شقال ص نشاسته و کتیرال کبابه -
تسبیق اول و سکون مین ممل و فتح مود و سکون لام م فوسه از کلمات طرح ر -	تسبیق الدال الممله
تسبیق الفاد و تسبیق الدال الممله	قلعہ بخری یونانی بفتح اول و سکون لام و فتح قات ثانی و سکون فون دال ممل و فوسه از زراع طرح می هم -
تسبیق الراء الممله	تسبیق الراء الممله
قلعہ بخری یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قات و طاد و ممل و الف و ا و ممل و فون دال زراع و زاک شردن و زاک ز و طح ی ۲ ق مرق کابو قمرخ سبزی ص شور کچر باز و زبانی که باشد بدل آن باج دیگر کنند -	تسبیق الراء الممله
تسبیق الراء الممله	تسبیق الراء الممله
قلعہ بخری یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قات و کسرون ممل و سکون مختصا و کسرون مختصا ثانی و قلمی قلعہ بخری یونانی بفتح اول و سکون لام و سکون و ا و طاد و ممل فوسه از کرات شامی -	تسبیق اللام و تسبیق الالف
تسبیق اللام و تسبیق الالف	قلعہ بخری یونانی بفتح اول و سکون لام و سکون و ا و طاد و ممل فوسه از کرات شامی -

<p>۱- تمیز الراء و تمیز الالف</p> <p>کیر طح ی ۲ گویند برق لطیف سرخ مائل بزردی ش در دم و گویند در سہادت نیم مقال ص مع عربی یا انیسون ل راز یا نہ یا بزرگ کمالی یا شج ازہنی -</p>	<p>قوینا - یونانی بقیم اول و سکون و او و کسر شلہ و سکون تحتانی بار او مملہ و الف و ت نو شادر -</p>
<p>۲- تمیز النون</p> <p>قندر ان - و ت بفتح اول و سکون ثانی و کسر ال مملہ بار او مملہ و الف و ت م سقر - قنطور یونانی بفتح اول و سکون ثانی بفتح طار مملہ و سکون او و کسر طار مملہ و ت ثانی و سکون او ثانی کم کرون طح ی ۲ ق ق یصل مفتح لطفت یصل باضم مد و جالین م سقر و ت ش از کبیر و در دم و از و ق یصل کیشقال تا و یصل او و یصل صل ل کبیر مع عربی و کبیر اباسند ل یا سند بال از کبیر حنا و دو د لگہ زن آن سور بخان بوزن آن لہنی از و ق یصل یرشیا و شان و میوزن حنا باز آوند مدحج -</p>	<p>قورسا ما - یونانی بقیم اول و سکون ثانی و در او مملہ باسین مملہ و الف و ت م و الف م و د و لسان - قوسیا - یونانی بقیم اول و سکون ثانی و کسرین مملہ یا ت حنا قوطلا ما - یونانی بقیم اول و سکون ثانی و ضم طار مملہ و سکون و او ثانی باضم و الف م و آ و یون بری - قونیا - یونانی بقیم اول و سکون ثانی و سکون یا ت حنا و الف و آب چکیہ و فاکستر -</p>
<p>۳- تمیز الراء و الهمز</p> <p>قور یض و ان سکون ثانی و فتح قو فانی و سکون او مملہ و ت حنا قور یض اول و سکون ثانی بار او مملہ و الف و قطن -</p>	<p>قور یض اول و سکون ثانی بار او مملہ و الف و قطن -</p>
<p>۴- تمیز السوا</p> <p>قندر یض بقیم اول و فتح ثانی مسدود و خشار تا و یصل بزر ناست و گویند طلال انبوسیت و بر یطاح ی ۲ گویند یض ۳ ی ابق ملل لیسن ح زرد و دگر آندہ و ت و یصل او قندر م ق یصل سکینج و دوزن یا یک نیم و زان جا ت حنا و دوزن ت حنا و دگر گیشیم وزن ریو ت حنا و گویند ش -</p>	<p>قور دیوس - بقیم اول و سکون ثانی و در او مملہ و فتح و ال مملہ و ضم تحتانی و سکون او ثانی و ت گیا ہیست کہ پای ناخ خوانندہ کاک جنگی و سی - قور قالس - یونانی بقیم اول و سکون ثانی یا ت حنا ثانی و کسر لام م و قروانا -</p>
<p>۵- تمیز التماس</p> <p>قنابری س بفتح اول و ثانی و الف و فتح مودہ و کسر را و مملہ م یا ت حنا کہ در اول برج مسرید طلال گرم را ق یصل ملل ص طنج و بریانہ و آن ش با و ام ل کبیر</p>	<p>قولا میوس - بقیم اول و سکون ثانی یا لام و الف و کسر میم و ضم تحتانی و سکون او ثانی م سقر و مریم - قوالص ع بفتح اول و ثانی و الف و سکون ص و مملہ</p>

فت سکه از دایره رخ ماخوذ از رخان تازه فریه -	تمینق الطار الممله
توقاق یغیم اول سکون سکنا یا نون العفت کا و برون کند	قیلوط - یفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون طار ممله و ورق گندنا و شامی -
تمینق النون	تمینق اللام
قو طولید و ن - یونانی یغیم اول سکون ثانی و ضم طار ممله و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و ضم وال ممله و سکون واو ثالث م نوعی از حی العالم -	قیل - بکسر اول و سکون ثانی م قبر -
تمینق التختائے	تمینق المیسر
قونی یغیم اول سکون کسره و سکون تحتانی و ضم یغیم یجری -	قیصوم ع اول و سکون ثانی و ضم صاد ممله و سکون واو و میم ک برنج باسب کرسه از یغیمین سطح گویند
تمینق البار التختائے و تمینق الالعت	۲ ی ۲ گویند اگر در الگویند ۲ ی اق مقطع مطلق محمل مد یغیم تخ تازه ز روش میقال تا و در دهن نیران
قیملیا - بکسر اول سکون تحتانی و ضم میم و سکون واو و سکون لام با تحتانی ثانی و الهم طین قیملیا طاب ۲ ی س قی مجتف راقع طین ایمنی -	ال یا بونج ی شیخ ارمنی و در صدی عیار و با و نیه فی انیتین
تمینق الراو الممله	تمینق النون
قیصر ع بکسر اول و سکون ثانی ه رال -	قیطاقون - یفتح اول و سکون ثانی با طار ممله و سکون و ضم قات ثانی و سکون واو و نون م ترس -
قیصوم ع اول سکون ثانی و ضم شین میج و سکون راء	قیقهن - یونانی یفتح اول و سکون ثانی و فتح قات ثانی و کسر نا و سکون نون م متقه -
تمینق السین الممله	تمینق التختائے
قیصر ع بکسر اول و سکون ثانی و سکون راء و سکون تحتانی ثانی م خزل	قیچی - فت بکسر اول و سکون ثانی و کسر عار ممله و سکون تحتانی ثانی م خزل
تمینق السین الممله	تمینق التختائے
قیصر ع بکسر اول و سکون ثانی و سکون راء و سکون تحتانی ثانی م خزل	قیصر طی س یفتح اول سکون ثانی و ضم راء ممله و سکون واو و کسر طار ممله و سکون تحتانی و ضم میج که از هم در غون محمل
تمینق السین الممله	تمینق التختائے
قیصر ع بکسر اول و سکون ثانی و سکون راء و سکون تحتانی ثانی م خزل	صنیدین ورق گل سنج و گل مالک و هفران کافور سازند
تمینق السین الممله	تمینق التختائے

کاک۔ بکاف عربی و راول و آخرم کیک۔

کہ ایک دفعہ تمام مہم کردہ کو بند خرابی نہ مار سیدہ۔

کھاو رک۔ و بسکون او فتح را و مسلم خیار گیر و شمر کبر۔

کام و کجای عشق دار و دیوار عشق و دلخیزم میخاک باز در کینه

تہنیک الکلمات الفارسی

کاگ۔ بکاف خار سے ٹٹالے وٹنا غ۔

تمنيق اللام

کاکل و بزم کاٹ مانی و سکون لاس خطہ روزی۔

کمال۔ فن تو ہے از گل و گویند گندنا۔

کے پیلہ کے بکسرتانی فحشا، نون، موم، عودہ، قارون، غار، اقامہ، دار

تتمين ايسم

کاشم که شین معجزه سکون میم انجدران و می طرحی رخ

ند و در تبریز یک ورق مسموم را از بانه آن را در دارم انجیره یا تخم کدو

تتميق النون

کارتین میں لکھنؤ راویہ مفتی فوتمانی مع منکبوت۔

کاکیان و لیکن و مانی با موحد و مانی مریات حکم

تمت

کافیروست یکسوزن سلون تجمانی و ضم را و معلوم مازدین -

کامیاب و نفع بخش تر از خطیب اوراق مولودوم رفیق

مسکنِ محدثان کو یزید مورثِ صفیہ اشعث سدود و در بول

منوم راجع اور امینین جس پودینہ داکوس مربی پیلہ

دیرہ مل احمد دودا درم احمد الاحویں نرو جیسے ہند باب۔

محقق السام

تمیق الحیمن المسله	کیا برع یفتح اول فثانی با انت مود و فخر ارم الخیر
کتع - ف یفتح اول و ثانی م قروت و یجاشی و فانی	و کیا جینی فخر یسیت که از ملک جینی فون رم می اوز غلط
تمیق الککات	ی ۲ گویند ف ق متع مجمل فانیض خم جینی خوشبودی بان
کتک - ف یفتح اول فثانی م سید بری بزان هندی سید	گزندش از دودا گتایم درم مسند ال کلاب سیتگی یا
تمیق اللام	تخم کا هر یکا کج ل اهل بود او داری جینی یا اسارون
کتک یا دل - ف یفتح اول فثانی هندی و فخر ارم مود و فانی	کیشیه ف یفتح اول فثانی و سکون فثانی م فثانی
والله ف یفتح دال مود هندی و سکون اللام قسمی از پا دل	کبیده - ف یفتح اول فثانی و سکون فثانی و فثانی و فثانی
کشل - ف یفتح اول و سکون ثانی هندی و فثانی و سکون	مها م یسیت گندم و برنج و جزو آن ه ساتو -
لام م مود هندی و فثانی و فثانی و فثانی	تمیق الموحده فارسی و تمیق این المله
تمیق الحیمن	کیاس - ف یفتح اول و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی
کتع - ف یفتح اول فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی	تمیق الککات
تمیق النون	کیسوک - ف یفتح اول فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی
کسان - ف یفتح اول فثانی و فثانی و فثانی و فثانی و فثانی	طائر سکت که بنهین جینی که و اگر ایما نبر کا خور و کورک
سکینجین عملش از سدم تا چهار درم دل و فثانی و فثانی	جانور دیکر که بر باد و زمان ده شود و بان ترخت گردد -
کتران - ف یفتح اول فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی	تمیق الفثانی
تمیق الواو	کبی - ف یفتح اول و سکون فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی
کتو - ف یفتح اول و فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی	تمیق التثانی
سنگوار و یفتح اول و فثانی و فثانی و فثانی و فثانی	کت - ف یفتح اول و سکون فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی
تمیق الحار امله	تمیق الخار الحیده
کتیله یفتح کاف و فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی	کتع - ف یفتح اول فثانی م قروت و یجاشی و فانی
تمیق الحار امله	کتس - ف یفتح اول فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی
تمیق الحار امله	میر و و فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و سکون فثانی و فثانی

کریا - و بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی	تتمیق الحاء المعجمه
کریا بیست که آخر بلند و زگو میسرند -	کح - و بضم اول و سکون خا و مجرم کیا و لوح -
کرده بیضی صفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و هزه و لمینه نا	تتمیق الدال المهمله و تنقیح الحاء المعجمه
و فتح موحده و سکون تحتانی با صا و مجرم فاشرا -	کدومی تلخ - و بفتح اول و ضم دال مهمله و دوا و مجبول و
کرده سودا بفتح میم و سکون و دال مهمله فاشر شین	تحتانی مجبول فتح فوقانی و سکون لام ه تو نظری -
کریا - و بفتح اول و ثانی و سکون نون با موحده هم کلم -	تتمیق الراء المهمله
کریا الحاء صفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و ضم موحده	کدیه بفتح اول و ثانی و سکون را و میم کاوی که گواک
و سکون لام با میم و الف محمده و ف نیلوفر -	می ۲ ق سکون ش کشکال صغاب ل ثارت فوا که فندل
کروار - ه بکسر اول سکون ثانی با و ا و الف و را و	تتمیق الیم
مهمله ثانی و ثانی چنبر -	کدرم - و بضم اول و سکون ثانی و ضم را و مهمله هم غلمه
کروندرا - ه بفتح اول و ثانی و سکون و ا و و فقاو	الیست مانند ارزن که اکثر در پنج زار باشد -
نون با دال مهمله میوه هندلیست -	کدرم - ه بفتح اول و ثانی و سکون میم و فیت هندلیست
کریا صفتح اول و ثانی و سکون و ا و تحتانی و قبی از	مشهور که گلشن زرد مشابیهت بکمر که بزرگ گوسه خرد -
زیراه کالی زیری طح می گونید و ق قابض لطفت	تتمیق النون
مقوی موحده تازه بستانی شش و در ص صغری و بزر	کدومی شیرین - و بفتح اول و ضم ثانی و دوا و مجبول
ل نیم و رن کون غلی و نیم وزن اینسون یا لازیاخ	تحتانی مجبول و کشین مجرمه سکون تحتانی ثانی و کسر را و
تتمیق الموحده	مهمله و سکون تحتانی ثالث ص قرع -
کرب - و بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون هم کلم	تتمیق المراء
طح می ۲ و اطراف او می ۳ ق لمین منبج	کدیه - و بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و پوست خرنوب
خ که بکرب بستانی مشهور است و بن	تتمیق الراء المهمله و تنقیح الالف
تتمیق المثلثه	کروا - ه بضم اول با را و مهمله و الف و فرت لسان البصایره
کراش ص بضم اول با ثانی ش و د و الف و گن باط	کراکا و بفتح اول و ثانی و الف و با کات ثانی هم و در هم سکون
ح می ۳ ق منبج ص سدر که در و شن ل لبیل -	کراکرا بفتح اول و ثانی و فتح کات ثانی و را و مهمله ثانی هم ذراع

اگر درین منبع اول سکون ثانی فتح کاف باشد و هم را و هم را و ثانی را
 و آنچه بول سکون نون هم سکون یکجای سطح می ۲-
 اگر کسین بر بر فتح و کاف یکجای و در اینها فتح نام و در اول
 کرویون - رومی منبع اول سکون ثانی فتح کاف و ثانی م فاع -
 سکون و او و نون هم منظور یون و نون -

هم نوعی از تخم فا و زون طحی سق بمقتضی سیاه
 بزرگش دودانگ ص صغ و کثیر ال سند قلقل -
 کینه شکله منبع اول سکون ثانی فتح میم و هجره و کینه با
 شین و جبهه الف کبر تخانی و فتح کاف ثانی م فاع -
 کینه - و منبع اول سکون ثانی فتح نون و فتح میم -

تمییز الراء

کر با سو و کرسو - و منبع اول سکون ثانی با موحده
 و الف فتح سین جمله سکون او و در لغت اول فتح موحده
 و فتح سین جمله در لغت دوم هم جا نور چلیپا سه -
 کرجو - و منبع اول سکون ثانی فتح میم فام ظاهر بود و نه -
 کرو - و منبع اول فتح ثانی م برده سفید بکوت که در آن سفیدند -
 کر کر و منبع مژگ کاف و سکون کر و در او مایه فتح نام ماقر قوا -

کر یا و فارسیه شایسته جلیبیه نعیم اول ثانی و سکون او با فتح
 و الف و کسر مژه با فا و الف ثانی و در او مایه خاله و کسر
 سین جمله فتح تخانی شده و ثانی و خا و با و با شین مجید
 الف ثالث کسر میم فتح تخانی شده و ثالث فتح میم بود و نه
 و کلام فتح تخانی مشد در الف م مشد و ثانی -
 کر - و منبع اول ثانی م سکون پر و در سفید بکوت که در آن سفیدند

تمییز التختانی

تمییز الراء

کر با سو و کرسو و منبع اول سکون ثانی با موحده و الف فتح
 سین جمله در لغت اول فتح موحده و لغت ثانی م چلیپا سه -
 کرسینه و منبع اول سکون ثانی کفر ثانی و سکون تخالی و
 فتح نون م برده سفید بکوت که بر آن سفیدند -
 کرسینه و منبع اول سکون ثانی فتح سین جمله در لغت
 کرسینه و مژگ کاف و سکون کر و در او مایه فتح نام ماقر قوا -

کر یا شجلی ع نعیم اول با ثانی مشد و الف و کسر
 و فتح جیم و موحده و کسر لام م فراسیدون -
 کر کی ع نعیم اول سکون ثانی و کسر ثانی و کسر کونج
 خ صید کرده با کز که از شین سین از چند و زب زب کسر و با از م
 کر نکالی - و منبع اول و ثانی و سکون نون با کاف
 فارسی و الف و کسر نون ثانی م نوسه ارا انکور -

تمییز الراء و تمییز الالف

کر با سو و کرسو و مژگ کاف و سکون کر و در او مایه فتح نام ماقر قوا -
 کرسینه و منبع اول سکون ثانی فتح میم فام ظاهر بود و نه -
 کر و - و منبع اول فتح ثانی م برده سفید بکوت که در آن سفیدند -
 کر کر و منبع مژگ کاف و سکون کر و در او مایه فتح نام ماقر قوا -

کر یا و فارسیه شایسته جلیبیه نعیم اول ثانی و سکون او با فتح
 و الف و کسر مژه با فا و الف ثانی و در او مایه خاله و کسر
 سین جمله فتح تخانی شده و ثانی و خا و با و با شین مجید
 الف ثالث کسر میم فتح تخانی شده و ثالث فتح میم بود و نه
 و کلام فتح تخانی مشد در الف م مشد و ثانی -
 کر - و منبع اول ثانی م سکون پر و در سفید بکوت که در آن سفیدند

تمییز الموحده

تمییز الراء و الموحده

تتميق الزاوية	كسوة رمي - هفتح اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق الكمان	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق السهم	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق الموحدة	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق الشين الموحدة تتميق المتار	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق الواو	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق الثلثة	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق السار	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق السار	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
تتميق التمتان	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه
كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه	كسوة رمي اول سكون ثانی وفتح فوقه

بجمله شد و سکون تخمائی م جنطیا ناما -	کنت - بفتح اول و سکون ثانی م بقائه الحقا -
کنت که بفتح بفتح اول و ضم ثانی شد و سکون لام	تتمین الکاف
و فتح کاف ثانی و سکون لام م هشتان -	کنجلیک - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جمیم فارسی و
تتمین الجیم	کسر لام و تحتانی مجبول بفتح ز او جمعه ع غمق -
کنج - و بفتح اول ثانی و سکون ذون م فوسه از	تتمین اللام
ماهی است که مانند ششور فاریت می است سکه امید	کنج و ذون و بفتح اول سکون ثانی و فتح جمیم فارسی خا و
تتمین الدال المهمله	ضم ذون و مجهول م غکی است که تبری کاشش بران گویند
کنت لاسدع سکون لام و فتح هزه و سکون مملعه م عفتنا -	تتمین الساد
کنج الیود و بفتح اول ثانی و ضم اول مملعه و سکون لام و فتح تخمائی	کنجلیک - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جمیم فارسی و
و ضم با و سکون د و دال مملعه م تفر الیود -	کسر لام و تحتانی جمیم و فتح ز او جمعه م کنجلیک -
تتمین الراء المهمله	تتمین التتائ
کنشیر و بفتح اول سکون ثانی و کشین مجزیه سکون تخمائی	کفری - بضم اول و سکون ثانی و کسر اول مملعه م جفری
دارد سه که زو و فقه و دیگر فخرات بدان می کنند	و بفتح اول و سکون ثانی و فتح جمیم فارسی و فتح تخمائی
تتمین الزاد المجه	تتمین الکاف و تتمین الالف
کنجلیک - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جمیم فارسی کسر	کدر - و بضم اول سکون ثانی و بار اول مملعه م بی و فتح تخمائی
و تحتانی مجبول ز او جمعه جانوری است آنی که در تیره در دانه	کدر و ناله - و بضم اول سکون ثانی و فتح ز او مملعه و سکون
و دوم باریک خود ع غمق م غایص جمع آن -	و او و خفا و ذون بدل مملعه و الف م کافر -
آتمین الیمین المهمله	کجور - و بفتح اول و ضم ثانی و ذو و مجهول ز او مملعه و الف م
کفاقس - بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم	نبات م بی است که کشش در دهن میزده مانند و کشش و کشول
کاف و سکون مین مملعه م و فلی ه کثیر -	آتمین الیمین المجه
آتمین الیمین المهمله	کاش و کشش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی م
کنت انصبغ ع بفتح فاء و ضم مملعه و سکون مملعه م	در لغت اول و کسر اول و تحتانی مجبول کسر کاف ثانی
تتمین الفاء	و تحتانی مجبول ثانی در لغت ثانی م تیره و تیزک -

دسکون میم و ضم را ر همایه و او محمول ثانی می نویسی انا مردود	تتمیق الکفات	کک - فتح اول دسکون کات ثانی نماند که از آرد و شکستند
تتمیق الزا و همله		م کال گیاره را نیز گویند و ضم اول م با کیانی که از هم کردن با زبانه
کلا و ز فتح اول ثانی و الف فتح واد و سکون او محمول و فتح	تتمیق المساو	
کلهار - فتح اول ضم ثانی شدد و اظهارا و الف ه ک ک ل ا ش		
تتمیق الزا و همله		ککیر - فتح اول دسکون ثانی فتح جیم فارسی و خا را هم نمیدانند
کلو ز - فتح اول و ضم ثانی و سکون او هم غوره و پیشه کفته	تتمیق التختانی	
کلیر - فتح اول و سکون ثانی و سکون عملی نه می زنند		ککرا - پیشانی - فتح اول دسکون ثانی بار او محمول و الف کسر
تتمیق الزا و الفارسی		سین محمول و خا و فون کسفات الف و سکون ثانی می دروا
کلو ز فتح اول و ضم اول دسکون ثانی و ضم میم و سکون او هم چلیا		بندیت شبیه و بیلا و شخ نیز می گویند که مخوف و زنگ آن
تتمیق السین و همله		سرخ تیره و طعم آن اندک تلخ اگر گرم خشک -
کلس - فتح اول دسکون ثانی و الف فتح واد و سکون او هم چونه		ککری - فتح اول دسکون ثانی و سکون محمول پس می سکون
تتمیق الشین و همله		تختانی و خیار دراز و ضم اول و کت با کیانی -
کلا ش - فتح اول ثانی و الف فتح و عکس فتح و آخر کلا ش غایب	تتمیق اللام و تتمیق اللفت	
کلا کوش - فتح اول و لام و الف سکون او و فارسی		کلا - فتح اول و لام و الف هم و زغ و غوک -
و ضم میم و سکون او هم موثر و شقی -		کلیا - فتح اول دسکون ثانی با ثانی می بخارده ساجی -
تتمیق التین و همله		کلین - فتح اول دسکون ثانی و ثانی و خا و زون و الف محمول و فتح
کلا غ - فتح اول دسکون ثانی و الف فتح و از ه کرا کال گیاره	تتمیق الجیم	
کله غ - فتح اول ثانی و ضم میم و سکون او همله		کلیو - فتح اول دسکون ثانی و ثانی و خا و زون و الف محمول و فتح
م نو عی از کس که بر سرش نیز نباشد -	تتمیق الحار و همله	
تتمیق الفار		کک - کسر اول دسکون ثانی و میرزد -
ککاف - فتح اول دسکون ثانی و ضم میم و سکون او هم راسن -		ککیم - فتح اول دسکون ثانی و ضم میم و سکون او هم راسن -
تتمیق الکفات	تتمیق الدال و همله	
کک - کسر اول دسکون ثانی و ضم میم و سکون او هم راسن -		ککیم - فتح اول دسکون ثانی و ضم میم و سکون او هم راسن -

<p>تمینق الدال المسله</p> <p>کمون سودیغ نفع اول فتم ثانی دسکون او کسکون نفع نفع دسکون بین مملکت نفع و او ثانی کم کون بر سر ششونیز رانیز کونیز</p>	<p>کشتی نمانس م کشتی منی بهترین رسیده شاداب ط اسرود ۲ خشک ص غسل و جارش مکونی -</p>
<p>تمینق الراد المسله</p> <p>کما شیز نفع اول ثانی الع کشتی منی میده سکون تخمانی و راهمه منخ کفر کعبه که فراسیون تخم اسطیج ای گویند ق نهی بعلل خم زردیز نفع و او کما ص کل منسل ای نفع</p>	<p>کمرک - نفع اول سکون ثانی نفع راجه و سکون کات ثانی م میده بند سست ط ۲ سرود تر خشک -</p>
<p>تمینق الزار المسله</p> <p>کیمیز نفع اول کسکونی و سکون تخمانی و زار میده ع بول م پیشاب مروت -</p>	<p>کما ص - نفع اول سکون ثانی کات ثانی م زعفران ع افواه الطیب و گویند صغ و رخت بطم -</p>
<p>تمینق السین المسله</p> <p>کما دیوس بر سرانی و ثانی نفع اول ثانی دلت نفع وال مملد سکون او مملد فتم تخمانی و سکون او بین مملد اندری تلخ موندی گویند موندی سطحی ای گویند ق طاعت در مملد خ تازه بری که بود از او اکتم بر کیند ش کینه فعال ص غرض ای غاث یا غوث و ندریون با تخم ماض بر س یا تخم شلغم بری -</p>	<p>کما لیون - نفع اول ثانی دلت کسکون ملام فتم تخمانی و سکون و او نفع از موزیون سیاه - کمون ع نفع اول فتم ثانی دسکون او انواع کسکونی و کار دشانی نفعی و یا طبعی ای گویند ق مملد طاعتی منفع عابض م مملد خ کسکونی و مملد کسکون و کسکون مملد یا کسکونی کسکونی ای او نفعی موزن کسکونی یا تخم کسکون -</p>
<p>تمینق الفصاد المسله</p> <p>کمون فتم نفع اول ثانی دلت کسکون و سکون تخمانی و مملد سکون او بین مملد فتم کسکونی و شیزازی و مملد در طبع ای مملد نفع مملد ش کینه فعال ص غرض ای غاث یا غوث و ندریون با تخم ماض بر س یا تخم شلغم بری -</p>	<p>کمون مملد نفع اول فتم ثانی و سکون و او کسکون و فتم مملد سکون و سکون ملام م ایون -</p>

[illegible]

گرام کند - و بکسر اول با ثانی و الف سکون بم فتح	تمنیق النون
کاف و سکون نون با دال جمله استعمل کند -	گماوزبان - و بسکون او و فتح را ترجمه باموحد
گر بیدید - و بضم اول فارسی سکون ثانی مفتوحه	و الف مع لسان الثوره کما فتحه کانداه -
و خفاء و ما و کسر موحده ثانی و تحسانی مجهول بم بیدید	گماوزبان و بکسر او و تحسانی مجهول مفتوح را ترجمه بزیر گماوز
تمنیق الزا را ترجمه	تمنیق المار
گماوزبان و بسکون او و فتح را ترجمه بسکون او و فتح را ترجمه بسکون او و فتح را ترجمه	گماوزبان و بسکون او و فتح را ترجمه بسکون او و فتح را ترجمه بسکون او و فتح را ترجمه
تمنیق الکاف الفارسی	تمنیق الیا را الموحده و تمنیق الزا را المله
گرگ بضم اول فارسی و سکون ثانی به بیطر یا -	گبر و فتح اول فارسی و موحده م سگی است که از ان
تمنیق اللام	غله و فتح و آواز نه مانند و یک کاسه و صحن بازند -
گرشال و فتح اول فارسی و سکون ثانی بشین معینه	تمنیق الجیم و تمنیق الیم
الف لام حیو نیست که از خشن شمال هر دو توله شود -	گچ بکسر و فتح اول فارسی سکون جیم کسر موحده فارسی
تمنیق النون	و سکون تحسانی مفتوحه فارسی ثانی م تر جاب -
گران و فتح اول فارسی با ثانی و الف سته و کسر م و در گره	تمنیق الرا را المله و تمنیق الفوقانی
تمنیق الواو	گر غشت - و فتح اول فارسی و سکون او ممله
گر گوی و فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحد	و فتح غین ترجمه و سکون بین جمله م بر غشت -
و ضم کاف ثانی م بیدید مشک -	تمنیق الجسیم
تمنیق المار	گر فواج - و فتح اول فارسی سکون ثانی و دال جمله با نون الف
گرزه - و فتح اول فارسی سکون ثانی و فتح را ترجمه بسکون او و فتح را ترجمه	م گر زنده کباب مرغ یا گوشت گوشت دیگر حیوانات در آب
که زهر از راه تر از اران گیرست گویند و است گیس و خط و ف	بجوشان و میانش بود و به جاده گردانید و کباب است از مرغ و خمر
که هیچ ترکیه بر شتر قمارت کند و گویند فخر مار و گویند فوش	گر خج و بضم اول فارسی سکون نون و م میخه چانول
گر زنده - و بضم اول فارسی سکون ثانی و سکون نون و فتح	تمنیق الجیم الفارسی
دال مملو غرو شده شوکت الحاکمه کنوا نجا -	گریم - و بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح فارسی و گوی -
تمنیق التحتانی	تمنیق الفدال را المله

<p>دسکون شین مجرثانی رفیقانی ثانی بانی است بر عید مانند لیسان آفتنه آن خجود دودم بجکست هنجلی طرحی دل بوزیدان یا کافور سه درن صبر ساه - گشت - و بفتح اول فارسی هم خرزهره -</p>	<p>نرومی - و بفتح اول فارسی ثانی دسکون او دسکون فارسی دسکون تحسین هکلو -</p>
<p>تسبیح الزار المعبره تسبیح الزار المعبره گزار - و م زرد کس خ جز -</p>	<p>تسبیح الزار المعبره تسبیح الزار المعبره</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی دسکون لام و هم سین مملو سکون را و هم لام در ده کلاب بکسر اول کس مغرور گیر تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی ع ا ن ل ه جهاؤ - تسبیح الکاف</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی سکون لام فتح فیس و سکون او هم لام بیشم نرم که ازین کجور شانه برارند و انان شال غیره یا فند تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی دسکون ثانی با هم الف و فتح زار مجرثانی ع جز مانع هم بار و فتح گره دین -</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی سکون لام فتح فیس و سکون او هم لام بیشم نرم که ازین کجور شانه برارند و انان شال غیره یا فند تسبیح الزار المعبره</p>	<p>تسبیح الزار المعبره تسبیح الزار المعبره</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی سکون ثانی و فتح مجر دسکون نون و هم کاف فارسی ثانی که مکرر دسکون ثانی و فتح بیشم نیست مانع بجز مجر که بر ورق طرفای فند شل فند هم -</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی سکون ثانی با هم الف و هم زار مجر ثانی دسکون ادم گزار -</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>تسبیح الزار المعبره تسبیح الزار المعبره</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی سکون ا افان هم فست زار و هم مجر تسبیح الزار المعبره</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی و هم سین هم لام فتح فوقانی هم ساک سرخ و سرکین -</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>تسبیح الزار المعبره تسبیح الزار المعبره</p>
<p>گلخ - و بفتح اول فارسی و هم ثانی دسکون داد و زار مجر ع صدق و گویند چلنوز و گویند با دام کوبه - تسبیح الزار المعبره</p>	<p>گزار - و بفتح اول فارسی و هم سین هم مجر فوقانی فتح موده سکون او هم فتح کاف فارسی ثانی</p>

تتمیق التماسی	کلمه کل - فتح بروف کاف فارسی سکون بر دو لام لوی از لیمو
گل پاری - فتح بضم اول فارسی و سکون ثانی یا مود و فارسی الف و سکون او جمله و سکون هجاء و سکون تمانی کلیست بغایت سرخ و خوشترنگ هم گلشنار فارسی -	بعد زانچه و افتاده ترست که چون از آن در آن بجای نهد اند زمانی که گذشته شود و بضم بروف کاف فارسی ع مثل
تتمیق المیم و تتمیق الفوق تمانی	تتمیق المیم
گفت - فتح بضم اول فارسی و سکون میم و سکون هم میم خمسیت بهرست فردا که بگویم خنجان من و مثل قریب مکره و مکره که در ظرف و قریب بهرستی نیار و اگر از این شراب از زنده بخل نیستند و اگر در زیر بالین نهان بپوشند	گل گندم - فتح بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح کاف تکار نشان بگویند و بضم اول جمله سکون میم پنج گیاره بیست چنان نمایند که گویا پنج شش دانگ هم بجمع جیبید اندم که در گندم
تتمیق النون	تتمیق النون
تتمیق الزا و المیمه	گل گلبیج - فتح بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و بضم کاف فارسی ثانی و سکون موده و سکون تحرانی و نون ثانی هم گله که در غسل حمز و سازند -
گنیز - فتح بضم اول فارسی سکون ثانی و زاء و بضم شامع بول	تتمیق المسار
تتمیق النون و تتمیق الالک	تتمیق المسار
گندگیا - فتح بفتح اول فارسی و سکون نون و ال جمله کسکاف فارسی ثانی با تخم و الف هم خرس یا و -	کلا گوته - بضم اول فارسی فتح ثانی و الف بضم کاف فارسی ثانی و سکون او و فتح نون هم گلگوته که زمان بر رویانند -
تتمیق الالک و المیمه	گل بیاد و - فتح و حریت با کلام بوسه دار مثل درخت نرگس لاله و سوسن و فیضه -
گنبد - فتح بضم اول فارسی و سکون نون و فتح موده و هم گنبد - فتح بضم اول فارسی و سکون ع و حسینه -	گل غونه - فتح بضم اول هم گلگوته -
تتمیق الزا و المیمه	گل گوز - فتح بضم اول فارسی و کلام بضم کاف و سکون و راه و فتح زاء و بضم هم گل لیسین -
گنبدار - بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موده و اظهار نوا و الف هم درخت بن لیسین که کاس مر می - گنبدار و بضم فتح اول فارسی سکون ثانی و بضم الف فتح را و مکره و بضم اول فتح جیم و راه و بضم الف ثانی هم گنبد گنبدار - فتح بضم اول سکون ثانی و ادیکه بوسه بگند و بوسه	گل گنبد - بفتح بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون نون و فتح دال و ادیکه بهرست بغایت بپا و ادیکه کاف فارسی کله - فتح بضم اول فارسی و سکون ثانی و بضم الف بضم اول دانه انگور که از خوشه جدا شده و بهرست -

گوشت آهنگ - و بضم اول فارسی م علی لوح	کوزره - و م غوره بجز کوزره بکسر و مثال آن -
تتمیق اللام	کوزینه - و فتح اول فارسی سکون ثانی کوزله و مجرور سکون
کوکال - و بضم اول فارسی ع عتقا -	تختانی - و فتح نون ح حلوای که از سوز گردگان بمنزله
تتمیق المیم	گوش خبه - و بضم اول فارسی و سکون شین مخمیره
کوزگن - و بفتح اول فارسی م گل گندم -	فتح خا و جمعه و موحده هم جانور هزار پا -
تتمیق النون	کوله - و بضم اول فارسی ن نکه مجهول فتح کاف و کوساله
کوزن - و بفتح اول فارسی و ثانی ه باره سینگا -	تتمیق التختانی
گوشان - و بضم اول فارسی ثانی مجهول باین	گوچی - و بضم اول فارسی و ثانی مجهول کسره و
مجموعه الف هم شیره انگور -	واظهار ما و سکون تختانی هم دوا و کسریت
گومان - و بضم اول فارسی می میون باین هم دوا کسریت	گوش مای - بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون
گویی گردان - و بضم اول فارسی و ثانی مجهول ثانی	شین مخمیره بایم و الف و کسر ماحم صدوت -
و فتح کاف فارسی و سکون را و جمله ح حقتسا -	تتمیق الما و تتمیق الزا و المله
تتمیق الواو	کحیدو کوار - و بکسر اول فارسی و اظهار ما و ضم تختانی و دوا
گوکهره - و بضم اول فارسی و ثانی مجهول فحم کات	مجهول فحم کاف با و ثانی دلف را و جمله ح حقتسا
و سکون نا و ضم را و جمله و سکون ثانی و خشک -	تتمیق النون
تتمیق الساو	گهن - و بضم اول فارسی و سکون ثانی و نون هم کسریت
گودره - و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح	که چوب بنجور و و جوب ای چون نشاره سازد -
دال مملکه و را و جمله و خسا و نام گودره -	تتمیق التختانی
گور گیاه - و بضم اول فارسی ن نازه مجهول سکون او جمله کسر	گنجی - و بضم اول فارسی و اظهار ما و سکون نون
کاف فارسی ثانی و تختانی و اظهار ما و اخره شورا و کسره	و فتح کاف فارسی ثانی و کسر جیم فارسی و سکون
کوزه - و بضم اول فارسی و سکون ثانی و از مجرور فتح اول	تختانی سرع عیون الدیک و فتح ه لاتی -
مملکه هم فتح کاف از بیهوده و نه حاصل شود -	کسیا لور و کی - و بکسر اول فارسی و اظهار ما و ثانی و الف فحم نونانی
کوزنه و بفتح اول فارسی سکون ثانی و فتح کاف و بضم نون	و دوا مجهول فتح را و جمله کسر و هم قمر برگ لور و کی

که باید و غیره در تیراز کوبت بالایش مزار از خطوط -	تمینق اثین المله
تمینق الیاء تمینق الدال المله	لا ستم ابرشتم فرمایید سگ ماده و ماده هر جوان
گیدنه بکراول فارسی سکون تخمائی دال مهلم علیوا -	لا یوریدس لیم تخمائی و سکون و کمر و مله سکون تخمائی ثانی
تمینق اثین المجه	و تخم دال مهلم سکون و اوائی جسم باشد و نه بخور معشوق نیز
گیاهن بکراول فارسی آبائی و لغت غیر سیم هر گاه سخن	تمینق الکات
تمینق الساء	لاک و سکون کاف لاک لیشتم تخمائی است که سببیم بود
گیدنه بکراول فارسی سکون ثانی فتح فون غار نام گیدنه	هو ابر شاخ و درخت کن از لیم تخمائی و تخمائی دیگر که تخم صفت باشد
تمینق التختا سنی	منجید گردد و آنرا که منته نیز نند و رنگه حاصل کنند که شمع
کی - و نفتح اول فارسی و سکون تخمائی جازو نیست که	قراره باشد و از آنجا که مثل آن تخم و شمشیر کار و مثال آن
پیش الیق است و سیر کا ویرتیر نصب کنند دم دوم -	در دسته محکم کنند و سزماره را بان مهر نمایند و لاکه -
ترقیم الام و تمینق و تمینق الالف	لاوک و نفتح و ادم نان نکه که آنرا و اش نیز خوانند
لا - لام و الف لام و الف ثانی گیاره است که از فایب کلمه	تمینق اللام
آز آنجا که از فایب کلمه مخفی تر آن است بود نیز در عدد نافع -	لال و لام ثانی هم جوازه نیست که آنرا عمل گویند
تمینق الجسیم	تمینق النون
لاج - و سکون جیم هم سگ ماده -	لاون - بلام و الف و فتح دال مهلم سکون نون م
تمینق الدال المله	تمیم است از غیر نون طح اراق و الف و فتح جلیل
لا و فتح فاک منیر و اوائی مبنی کل و سکون نیز آمده -	خ جبر و شیمی و قاتل بزرودی پیر و لیم و لعل که در و نون
لا و فتح فاک منیر و اوائی مبنی کل و سکون نیز آمده -	حل شود و ش یکدم حاصل کنند و کلاب لیم
لا و فتح فاک منیر و اوائی مبنی کل و سکون نیز آمده -	لا آسیر نلون - و نبتا نیست معروف که در باغچهها
لا و فتح فاک منیر و اوائی مبنی کل و سکون نیز آمده -	غرس نمایند و بسیار دارد -
تمینق الراء المله	تمینق الساء
لا شکر و سکون بکیم و سکون ثین مع فتح کاف و	لا و نه - و سکون دال مهلم و فتح فون م گیاره است
سکون را و مهلم و شجره الیق -	که از پوست ساق آن رسیان سازنده سن -

لبن الخناشیر فیخامجود ففتح فاد الی تمامه و شیرین است	فت شیرینش ق مبین و متوی دماغ -
تتمینق الفضا و المعجمه	لبن - یفتح اول و ثانی و شیر و دودج طابار
لبن الحنظل یفتح بحسرون با حاء و همزة و کسیم	گویش ق مندی سخن از قیوانی که وضع
ف انست و در بی غلبه سیاحت و غیره سکه دی بسیار	حملش انسان موافق باشد شش هم طبل صحت
تتمینق الککاف	تتمینق التاء الفوقانی الفارسی تخمق الواد
لبن الزکک یفتح ز و همزة و همزة و کات و کات و شیر	لکوکو - یفتح لام و سکون تا و فوقانی فارسی منم کات
مادیان و سکه دی کا دودج طابار و تروا شیرین دیگر	شمر درختیت که در بنگاله می شود
تتمینق الککاف الفارسی	تتمینق التتائے
لبنک و یفتح اول ثانی و سکون ل و م و دی که افهمه	لبنی - سر برانے یفتح اول و ثانی و کسرون و سکون
تتمینق اللام	تتمائے رع میوه سائله و سلا رس -
لبن الخلیل یفتح بحسرون لام ثانی و فتح خا و بجمه و	تتمینق و تتمینق الحیسیم
سکون تتمائے و شیرین سب ق مخدر -	لجلاج - یفتح اول و سکون جیم بالام و الفت
لبن الفزأل - شیر آرموط ۲ سرد و تر -	و جیم ثانی با صطلح کسیران هم زبونی پاک صاف
تتمینق الحیسیم	تتمینق الواد
لبن البقر طعم ع بسکون لام ثانی و ضم قان و سکون	لجالبو یفتح اول ثانی بالهمزة و دوائی مشهور و سبیت
و او همزة و همزة و سکون یمن و غیره سکون طح -	تتمینق الحیم الفارسی و حقیق الالفت
لبن البقوم طعم ع بسکون لام ثانی و ضم فا و سکون او و کات	لجیمنا - یفتح اول و سکون جیم فارسی و اظهار ماد
تتمینق النون	فتح جیم و لون ح بیروج الصنم -
لبن الحنظل یفتح اول ثانی شد و الفت و نون که نذر	تتمینق الحاء المله و تتمینق الموهدة
لبنان یفتح اول ثانی با سین همزة الفت همزة و نون ح	لجام الذم یفتح ح کب و اول حاء و همزة و همزة و فتح ذل
لبن الامان یفتح بحسرون لام ثانی و ضم همزة و فوقانی	بجمه و مشدود با گویند هم آشن طایحی میدی و اونیج
و الفت و شیرین لبن الحانثر یا لبن اللفاح -	تتمینق الوقائے
لبن البقان یفتح بحسرون یا حاء و همزة و همزة و الفت	الحام البقان یفتح ح کب و همزة و همزة و اول الف همزة و سکون

تشنیق الزاویه	تشکیه و تشنگ
لسان البحر مع بفتح موحده و سکون حاء و مایه و سبأ	تشنیق السار و حمله و تشنیق التماسی
لسان الثور مع بفتح ثلثه مشدده و سکون و کون	تشنیق بفتح لام و کون و حمله و سکون و زنه و تمانیه و کسر
کوزان و کانه و تان و اراق مع فتح شای و خراسی	عاقم اذان الدب و تکه کاجن کاش گویند بآفتاد
فلند و ق کبر و قسطا و شوم دم و صندل و سرخ و سبأ	کر بر جاسه و سید و ساق آن را باده و برزخی و سطره
مرید یا ساق ل و زون آن بر ششم سوخته و جهان آبک	آگشته و برگ آن شنبیه برگ بازنگ ط اگر و خشک
وزن آن پوست اتسج یا بوزن و دور و نیم وزن و اب و سرخ	تشنیق الفساد و حمله و تشنیق الفار
لسان النصار مع بفتح عین حمله و مایه و دان و ثانی	لصف بفتح اول و فاء و جهم کبر
و کفر و سکون تمانی و تنم هر و اندر جوطح و اراق	تشنیق التماسی
میخ و سطره و شغال پس که وی مجید و حرکتیکاه	تشنیق سم بفتح اول و کسر ثانی و سکون تمانی و کسر
منزج و زود و دره و سرخ یا نیم وزن و نیم سرخ	و نو و از لسان اهل کوبیک
تشنیق اللام	تشنیق العین حمله و تشنیق الموحده
لسان الجمل مع بفتح حاء مایه و نیم و ق بازنگ	لحباب و بفتح اول فتح ثانی یا ایت آب پس و حرکتیکاه
طابی و اراق قاطر و اراق و طابری و اراق و طابری و اراق	تشنیق اللام
یکشال و مصلی و سینه و بفسه و زون و اراق و طابری و اراق	لسان بفتح لام و سکون عین و لال و سببی از یا قوت و زون و کون
لسان الابل مع بفتح الد کسره و با و موحده و مری الابل	و زنگ یا قوت و سرخی کمر و اندک و بفسه و اراق و اراق و اراق
نابست این گیاه و سرخ و اراق و اراق و اراق و اراق	تشنیق السار
اگر آن شنبیه برگ فلاح و اذان بلند تر و باریکتر و اندک و شش	لبست مطلقه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر
سفید رنگ و سفید و ثمر آن زرد و اراق و سببی نیست آن	فوقانی و نیم و سکون و حمله و فتح لام و قاف و نیم و زون
زینبایه و شش ط و سدر و خشک	تشنیق التماسی
تشنیق العین حمله و تشنیق الکاف	لبست بر بری بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر
تشنگ و بفتح اول سکون ثانی و ثالث و ششم	فوقانی و فتح موحده و ثانی و سکون و حمله و فتح موحده
تشنیق السار	ثالث کسر و ا و حمله و ثانی و شنبیه و زون و کون و باریکتر

ازان ماند رسیان طعم آن تلخ طاس گرم خشک	کاف - ف بضم اول با کاف والضم لک و بضم
جوز قشقر یا قودزی زرد یا مر و نیم وزن افضل -	تتمیق الکاف
تتمیق القاف تتمیق الفوقانی	کک - ف بضم اول و سکون کاف نه لاک طر ح
لفیت یکبر اول سکون کاف هم شانم -	می گویند طح می اق بفتح مشغوخ منقول شاز
تتمیق الحار المله	کیدرم بایک شقال من منطکی ببا از آنکه منقول دل
لفاح - ع بضم اول با ثانی مشدود الف و شایع	نیموزن یونید چینی نیموزن سارون گویند سیدر اول
و آن شر بر دوج برکت طب که گویند ج می اق مخدر	تتمیق النون
منوم خ بزرگ تیز جوی زرد و سیدر شخم در ص عسل	لکین - ف بضم اول و سکون ثانی و نون هم ناز
ل جوز مائل یا نیموزن بزر البنج و دودانک وزن آن	تتمیق السار
خشخاش یا جوز القی و بوزن آن بزر البنج یا بروج -	لکامه و لکانه - ف بفتح اول و ثانی والضم نیم خوار
تتمیق الشین الجمه	در لغت اول در فتح نون و لغت ثانی مر و ده گویند که
لقتش - بفتح لام و فاکون شین مجیم جوبند و بر	بگوشت و حکم بر کرده باشند الت تاسل از نیز گویند
و گویند خرقیت غلیمیت آن فواج شام و بزرگ گرم تری	تتمیق التماس
و سبزی زرد و مشعل گرد و طلا که بزرگ شک مشوق	لکهنه لکهنی - ف بفتح اول و ثانی و سکون با و فتح نیم دون
آن را رفع برص و بوق -	دلعت و لاکم ثانی و کاف ثانی و سکون با و فتح نیم ثانی و ک
تتمیق القاف و تتمیق الحار المله	نون ثانی و سکون ثانی اسم برکت ع بروج لکهنه
لفاح - ع بفتح اول و قاف و الف و شتر	تتمیق الیم و تتمیق الالف
آب شنی و یکبر اول شتران و دوشیدن -	لما - بفتح اول و یم و الف ع غلب الثلاب
تتمیق القاف	تتمیق النون و تتمیق السین المله
لق لقی بفتح و لام و سکون و قاف با و لغت مشهور	لیمیطس - یو ناسه بفتح لام و سکون نون و
کبیر الخینه که در او آمل بیج می آید و گاه متوطن میگردد	اکسیر جم و سکون یا ر ثناته تحتانیه و ضم طار ممله
و از جاسه خود نقل بنیاید طاس گرم و خشک -	هم نباتیت و دوهفت بد باشد ثانی و صحرای نبات
تتمیق الکاف و تتمیق الالف	بزرگ عریض تر از برگ گند یا دمنجی بطرف غل و سرخ

از لوز بر سبت تبیه بحسب السنو نزد بزرگتر از آن زرد و کرم
طاکرم و بسیار تا بعضی روغن آن از ایت السودان است

تتمیق اسین الممل

لوسن ف بقر اول سکون ثانی غشی ایکجا د بخل و اسانه
لو طوس سر لونی کشم اول سکون ثانی وضع طاهره سکون
ثانی م جند قوی و بشین مجربه نوسه از نیل و نرسه

لو سیاقیوس سیدانی بقر اول سکون ثانی سکون سکون
سکون یا زغنه تخمینه فتح نیم و الف کشته و مجربه هم بار
مناة تخمینه سکون او و جود از لوز ناکه نوسه از
سراج قطب ط ۲ سر و خشک گویند کرم و خشک

لو عین ریطوس بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
سکون یا زغنه تخمینه سکون اول سکون سکون یا زغنه
تخمینه وضع طاهره سکون اول سکون سکون بقر اول
تبیه بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

تتمیق اسین الممل

لوا شرف بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

تتمیق الفشار

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

تتمیق الکاف

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

بزرگ خون بیشتر گرگ آن بزرگ آن و بزرگتر ساق
آن و ساق آن تبیه و شیرین تر آن علی یا تبیه و تبیه و
در آن صورت تبیه بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
و جاکمناک صنف محرقی را بزرگ کنند و بقول قندریون
و از آن خش تر و شیرین تر آن بزرگتر طاکرم و خشک

تتمیق الواو و تتمیق الالیت

لوا بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

تتمیق البیض الفارسی

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

تتمیق الخار الممل

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

تتمیق الراد الممل

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار
لوز بقر اول سکون ثانی وضع عین هم بار

<p>لیانگت وفتح اول سکون ثانی وفتح لام ثانی سکون ثانی وفتح بیرونک - فک بکسر اول وفتح ثانی واداء مجهول وفتح لام ثانی و سکون ثانی وفتح م برت -</p>	<p>تتمیق الفوقانی</p>
<p>است - فک بکسر بین مملو حیرات -</p>	<p>تتمیق اللام</p>
<p>لیکول و فک بکسر اول سکون ثانی وفتح لام ثانی واداء جهول وفتح موحده فارسی سکون لام ثالث م تلو وفتح</p>	<p>تتمیق الواو</p>
<p>لیم واداء و فک بکسر اول سکون ثانی وفتح می و سکون او و فتح وال مملو وفتح فم واداء مملو وفتح بنائی است که می بازار و میانی گما بر آید و نوی لیمون و دبط ح - لیمون و فک بکسر اول سکون ثانی وفتح می و فتح وفتح اوج می و فاضل اوب و فاضل م و فتح اول سکون ثانی وفتح</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>لیس و فتح می و سکون اول سکون ثانی وفتح اول واداء مجهول وفتح فم واداء</p>	<p>تتمیق الممار</p>
<p>ما و الملاح - مع می و سکون لام و سکون ثانی و سکون لام ثانی و فک آب نمک و فتح می و فتح اول واداء</p>	<p>ترقیه الیم و فتح می و فتح اول واداء</p>
<p>تتمیق الدال المملو</p>	<p>باس و فتح می و فتح اول واداء و فتح آب و فتح اول واداء</p>
<p>مار المجدید و فتح مع و فتح اول واداء و سکون و فتح اول واداء و سکون و فتح اول واداء</p>	<p>مشق و فتح می و فتح اول واداء و فتح اول واداء و فتح اول واداء</p>
<p>ق مقوس و فتح غ و فتح اول واداء و فتح اول واداء و فتح اول واداء</p>	<p>اگر و فتح می و فتح اول واداء و فتح اول واداء و فتح اول واداء</p>

<p>دکونید شرفی از فرار شکست و غسل دارد و کاه گرم ستازند و گویند مار لعل است - مامون بضم میم ثانی و سکون و او هم حاشا - مامستان - بفتح میم ثانی و سکون و او کسرین مهله با فو قاسه و الدت ثانی م سافح - امیران با کسر ثانی م غیبت سین نام فتح می گویند گویند ج ای اسق قلی کشی ش نیم م حسن با طیار</p>	<p>ماکله - بفتح کاف هاء ارات اش سیه ا رومی کوی جوت ماکانه - م سبکون لام یکات و انش فتح فوج و اکا و مامودانه بضم مام سکون و دوال ملاء الدت ثانی و فتح فون دانه ثانی م طیار و کس ح سی ۲ ق قی بوسل بضم ش نیم تا یکت رم و گویند بانزده جمل فیون کتیرال شیزون وند یا جمل بضم یا یک نیم وزن حب النیل یا شبرم -</p>
<p>تتمیق التماس ماش بند می - بکشین مهور و سکون فون کسر ال ملاء و سکون تخانم م قلت و غلبه مهور و گویند بوا مال لنگنی - بهیم و الدت و سکون لام و فتح کاف و سکون فون نیم کاف فارسی کسر فون ثانی و سکون تخانی م دوله مشهور بند است کثیر النفع طرح ق لین - مالی - بهیم و الدت و کرام و تخانم م غسل -</p>	<p>دروازن مروق الهف و نیم وزن م و دیکان مروق الهف مار النون م بضم فون سکون او فون ثانی آبی بکس طرح ماه فریقین بهیم و الدت و اوقع فو سکون ر ملاء کسر فو سکون تخانم و فون م مبدوار - ماهی زرین ست کرا و سکون تخانم فتح فو مهور و کسر مهله مشهور و سکون تخانم ثانی م فو از لاهی رکی کرد زبر رگینه گز یا بانزده گزید و در فو فو بند و دالت سند برسد و عوض باهی شفق و بکار بریزند -</p>
<p>تتمیق التماس و الموهده و تتمیق الزار المله مبارک و بضم اول مام و الدت و راء ملام و دوه گویند که با بزمیخ و قیبه آگنده بهی نزع ع غصب</p>	<p>تتمیق الواو مازو - بضم زار و بضم مع غفصه مام و بچیل -</p>
<p>تتمیق التماس و التماس و تتمیق الزار المله مضره بفتح ادل و فو ثانی بند می م کرسنه -</p>	<p>تتمیق المساء مار الحکمه بضم میم و فتح میم م آکامه و کابخی -</p>
<p>تتمیق الکاف مشک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>	<p>تتمیق الواو مار و بچیل - م سبکون راء و مهله و بضم جیم فارسی و او مهور و فتح موهده م بلین م مار گینه آگنده -</p>
<p>تتمیق التماس و التماس و التماس مشک و بضم اول و فتح مشک و لام مشهور و سکون ثانی ثانی آبی بکس که بکس سانه کتی گویند زار و مهور</p>	<p>تتمیق الواو مام و بچیل - م سبکون راء و مهله و بضم جیم فارسی م با فو ریت مام قمری و فافه م موسیخه -</p>

تتمیق التماس و التماس و التماس

طرح مع ق مجلی بلطف مجمل رخ سپید رخ شمشال	تیمیق الککاف
و گویند ۲ ص مندل ل بادام تلخ سفید کرده	تیمیق المثلثه
مرد و شایع بفتح اول و سکون ثانی و ضم ر جمله و	تیمیق النون
سکون اول و ف سج انگوزه طرح سی ۲ ق ملطشخ سفید	تیمیق النون
سبک ق نمیدرم ص عنساره زرشک ل انجودان	تیمیق النون
تیمیق الحمار الممله	تیمیق النون
مح مع بضم اول سکون ثانی و زردی تخم مرغ	تیمیق النون
تیمیق المسیم	تیمیق النون
محاجم بفتح اول سکون ثانی بالفت کسیر سکون مخمل	تیمیق المسیم
تیمیق الحمار	تیمیق المسیم
محموده بفتح اول سکون ثانی و ضم میم ثانی و سکون	تیمیق المسیم
داد و فتح دال جمله و نام شمعویا	تیمیق المسیم
تیمیق الخا و المجمعه تیمیق المجمع الفارسی	تیمیق المسیم
مخاح - و بفتح اول سکون ظاهر و فتح لام م	تیمیق المسیم
کیا بهیست که چون چار پایه آنرا بخورد مست شود	تیمیق المسیم
تیمیق الخا و المجمعه	تیمیق المسیم
مح مع بضم اول سکون ظاهر و فتح لام م	تیمیق المسیم
ق ملین خم از ساق بگساله دابل بد از ان گاد و پس	تیمیق المسیم
گو سفند ص نکه دست ل نخاع و بفتح اول در قار آنش	تیمیق المسیم
زنبور و دخت خرا و کریمست که بجز آنرا ساس لینه	تیمیق المسیم
تیمیق الخا و المجمعه	تیمیق المسیم
مح مع بضم اول سکون ظاهر و فتح لام م	تیمیق المسیم
ق ملین خم از ساق بگساله دابل بد از ان گاد و پس	تیمیق المسیم
گو سفند ص نکه دست ل نخاع و بفتح اول در قار آنش	تیمیق المسیم
زنبور و دخت خرا و کریمست که بجز آنرا ساس لینه	تیمیق المسیم
تیمیق الخا و المجمعه	تیمیق المسیم
مح مع بضم اول سکون ظاهر و فتح لام م	تیمیق المسیم
ق ملین خم از ساق بگساله دابل بد از ان گاد و پس	تیمیق المسیم
گو سفند ص نکه دست ل نخاع و بفتح اول در قار آنش	تیمیق المسیم
زنبور و دخت خرا و کریمست که بجز آنرا ساس لینه	تیمیق المسیم
تیمیق الخا و المجمعه	تیمیق المسیم

مانع از خروج و تشنج در این صفت بسیار شایع است و در این مورد که در کتب
مرغ زهر که مار و قنفذ اول سکون ثانی و کمر شین مجربه
زاد مجربه سکون کاف با سنین مملو العجم سارفت شاد -
مر مرغ سبب بهر دویم سکون هر دو را و همایم سنگ است
مشهور رخ از معدن جزب رخ -

تمینق الزاد المجهه

مر مرغ و بنفم اول سکون ثانی و زاد و مجرمه موش -
مر مرغ شیل و بنفم اول سکون ثانی و کمر شین مجربه
دفع شین مجربه سکون موحده و مد مجربه و کمر و او تحسانه
مجمول هم مرغیت که بهر شنبه در اینجا از شام و درخت او بزرگ
دقیق حق گوید باز با لکه قطره خون از کالوش بکشد -
مر باخو بنفم اول سکون ثانی با سیم و انت نفم با سیم
سکون با او و زاد و مجرمه فو عی از مر و کفاسی مرغ بنفش
گویند طرح سی ساق ملطفت مجمل رخ بستانی مثل و درم
بنفسه ل مرغ بنفش اگر از جنت سکرو که در شراب کبکی
دهند بوزن آن آشفته و دانگی از عقرا گویند بجان

تمینق السین الممله

مر و قوس و ثانی بنفم اول سکون ثانی و دال مملو و نفم قاف
و سکون او و بن سیم مملو با جمیع اذان لغاره و دونا -
مر و دوس و بنفم اول سکون ثانی و نفم دال مملو سکون گویند
بجان

تمینق السین المجهه

مر مرغ و بنفش و مر مرغ و بنفش سبب بنفم اول سکون ثانی و
بنفم زاد و مجربه و سکون فون و نفم سیم و سکون او و بنفش اول

و نفم کاف و ثانی م اذان لغاره و دنا ملطفت می گویند
ساق ملطفت منفعت مد مجمل رخ بستانی تیز بودی از شیل
از بنفم رم تا یکدم صم تخم خرفه و بنکوبریان کرد و یا بنفم و زاد
ل بنفم سیم و دود و وزن مر با مجریا سا با یکبار درق
یا سیمین یا نیم وزن فلفل مرغ بنفش با و زنجبیل و
فرغ بنفش یک همه قایم مقام یک یک را اند در ابدال -
مر مرغ و بنفش سبب اول سکون ثانی و کمر کاف و فو عی
و نفم سیم ثانی و سکون و او و بنفش سیم الفار -

تمینق السین المجهه

مر مرغ و بنفش اول سکون ثانی و نفم سیم و کاف و فو عی و دوس
تمینق القات

مر مرغ سبب اول سکون ثانی و سکون قاف و بنفش و دوس
مر مرغ و بنفش اول سکون ثانی و سکون ثانی سبب سبب
تمینق الکاف

مر مرغ و بنفش اول سکون ثانی و نفم قاف و سکون کاف و بنفش
مر مرغ و بنفش اول سکون ثانی و نفم قاف و سکون کاف و بنفش
مر مرغ و بنفش اول سکون ثانی و نفم قاف و سکون کاف و بنفش
مجموعه با موحده و لفت فون سبب لسان الغسان و بنفش
مر و بنفش سبب اول سکون ثانی و نفم و او و دوس
مملو ثانی و سکون شین سیم هم مروق منفع -
مر مرغ و بنفش اول سکون ثانی و نفم و او و دوس
زاد و مجربه با موحده و لفت فون هم خوب کلان -

تمینق السیم

<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مردم قسم بفتح اول سکون ثانی و دال فاعله و کسر خرو سکون سین مفعله و فتح فاعله و کسر ثانی و سکون نیم تلفظ آس بری</p>
<p>مرشی مع بفتح اول ثانی و سکون ثانی و کسر ثانی و فاعله و سکون التماسی مع التماسی فاعله یابونه</p>	<p>تتمیق التماسی</p>
<p>مرشی بفتح اول کسری سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی ی ۲۴ قحی مطلق شخ خیدرم صر و غنما لایه یانه</p>	<p>مرغان مع بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله طبی ۲۴ مع بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مرغان مع بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>الذات و الفتح اول فتح یقین مفعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول ثانی و دال مفعله یقین کذا کسر دم</p>	<p>تتمیق التماسی</p>
<p>وجود و جاد و رس سائرند و آنرا یوزه و کیم گویند</p>	<p>مرکوبه و فاعله اول و کاف مفعله شک</p>
<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>تتمیق التماسی</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>تتمیق التماسی</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>
<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>	<p>مرشی بفتح اول سکون ثانی و فاعله و کسر ثانی و فاعله</p>

تتمیق الالام	مسک ع بکسر اول فتح ثانی و سکون نون من گشت که کار و دوشیزه از بدران تیز کنند همستان طرب می ق مجله خ سبز ص بابو نیل نلیس قبولیایا -
تتمیق الالام	تتمیق الواو
مستبره بفتح اول و دفع ثانی و موحده مشدوم الیوا -	مستبره بفتح اول و فتح ثانی و سکون ثانی و فوقانی ضم اول و سکون دوم فوع دوم مادیون آنرا هست بکرا لا نیز خدر
مستبره بفتح اول و سکون ثانی با فوقانی الف ه مره -	تتمیق التاء
مستطرا ع بکسر اول و سکون ثانی باط و مملو الف راو	مستبره بفتح اول سکون ثانی و فتح فوقانی ع سده موحده
مملو و شرا ب بدست افشرد زرد دست کننده -	تتمیق الحیائنه
مستقور - بر بری بفتح اول و سکون ثانی و فتح میهم	مسواک الراضی ع بکسر اول سکون ثانی باط و اول سکون ثانی
ثانی و ضم قاف و سکون و او و را و جمله هم را و تکرار	و را و جمله شرد و ائ که عین میافش طرح دو گو نیدر و ذرا -
مسور بفتح اول و سکون ثانی و او و را و جمله عین و می و بیخ -	مسی - ع بکسر اول و سکون ثانی و شد و ثانی و کاک جلی
تتمیق الهمله	و بکسر اول سکون و دندان که زنان اکثر النادر -
مسن و بکسر اول سکون ثانی ع خامس ه تانبا -	تتمیق الشین المجه و تتمیق الفوقائنه
تتمیق الکاف	مشت - و بفتح اول سکون شین جبرع سده موحده
مسک ع بکسر اول و سکون ثانی و کاف و شک که توری	تتمیق الجیم
طرح می ۲ ق مطلق بقوی و ما غ خ قتی شکی -	مستج و بفتح اول و فتح ثانی و سکون نون نام غله است
قیراط ص کا فورل مرزنجوش خشک یا غنبر -	ه که را و د کلا و و بکسر اول سکون نون م خرزیره -
تتمیق اللام	تتمیق الشین المعجمه
مستعجل ع بضم اول سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون	مشمش ع بکسر دوم سکون هر دوشین سده زرد اول
عین مملو و ک جیم و سکون لام م بوزیدان -	ه خوبانی طرب ع ق قاصع مرزخ اونی زرد و بزرگ
تتمیق النون	رسید و ش یک کف ص کجین سده ل خوخ -
مستطالون - رومی بفتح اول و سکون ثانی با قاف و ثانی	تتمیق الهمله
و ضم طار جمله و سکون او و نون و عود پندری ه اگر -	

شکلا مشج - یونانی بضم اول سکون ثانی کوکرات وضم	زاجیر وکسریم و سکون تخمائے ع سدر -
طارما یارا مملد البت فتح میم ثانی وکسرین بجز سکون	تتمیق الواو
تخمائے عین مملد پودینه بری و ترک چند ط	مشق - و بضم اول سکون ثانی هم کلی مستخرج وک
ح سے ۳ گزیدہم ق مفتح ملطف مدوقی سدر ح	تتمیق الراء
نوزیدہ ش نیم دوم ص سر کرد یا صحن عربی ان زمانا	مشق - و بضم اول فتح ثانی و سکون خا
ودرا ورا واصل مرد ووزن یا اکیلیل الملک	محمود فتح نون یونانی از علوا -
باشقایق وگویند پودینه -	مشکد انه - و بضم اول سکون ثانی وکات با ل
تتمیق الکفات	مملد البت فتح نون کم وانه خوشبوی کرانرا سولای
شکک - و بضم اول سکون ثانی وفتح کاف	کرده در اکشند درهندستان از جانب کین پور که مین
و سکون کاک ثانی ع سدر -	حضرت شاه بدیع الدین مدارقین مرست بسیار از
شکاک - و بضم اول سکون ثانی فتح کاف نون	تتمیق التخمائے
م جانوریت کوکرات بیکه بیکه بیشتر در کفرا کا آب بنشیند	مشک هندسی - بضم اول سکون ثانی وککرات
مشکینک - و بضم اول سکون ثانی وککرات	و با و سکون نون وکسر وال مملد سدر -
سکون تخمائے وفتح نون م نام علوانی است -	تتمیق الصاد المملد و تمیق الراد المملد
مشکک - و بضم اول فتح ثانی و سکون نون	مبصر بضم اول وفتح فماد مملد و بسین مملد نیز
و فتح کاف فارسی و فتح مشج -	موجوده مشدده و سکون را و مملد ایلوا -
مشک - و بضم اول م مشج -	تتمیق النین المجمع
تتمیق المسیم	مشق - و فتح اول و سکون ثانی و ضم م جم غم فتح
شکرم و بضم اول سکون ثانی بانون کوکرات وضم	تتمیق المسیم
را و مملد جانوریت سیاه رنگ بقایت خوش آواز -	مشباح الروم - ع بکسر اول سکون ثانی و مملد
تتمیق النون	والبت وضم حاد مملد و سکون را و مملد مشدده و
مشکال زبان ح بکسر اول و سکون ثانی ه ناگیر	سکون را و ضم ثانی و کسر با -
مشکد زمین و بضم اول سکون ثانی وککرات وفتح	تتمیق التخمائے

تتميق الدال المهملة	منه ملكي يفتح اوله سكون ثانی وفتح طاء مهملة وكسرة كاف و
معد يفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة خصی لفتح الحاء	سكون تحتانی فتن كند روج طحی كوند رن ملطفت اقش
تتميق الزاير المهملة	محلل قوی كبد موده وحابض ن ح رومی غل غل مرم
محشوش يفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	نر كبر خیسارید بنشك خندیا با كسیر استعمال نمودن
معد يفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	دگویند رول كنیم وزن كند رن كبر با پست كیتینه
تتميق القاف	دور تدریت موده اذخره
معشوق يفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	تتميق الفاء المعجمة و تتميق المصاد
نام جم است داز نبات مامودانه	مفید یفتح اوله كفسه و جوده سكون تحتانی وفتح را مهملة و خا
تتميق النون	و میر می نام طایست كما خجرات بنج سازند فتن كند رن ملطفت اقش
میسر یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	تتميق الطاء المهملة و تتميق الالف
تتميق المصاد	ملطفا - یونانی یفتح اوله سكون طاء مهملة وفتح طاء مهملة
معد یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	باشك و الفتن مرمی است كه نوز الموق لوز كوند
ناخت شكینه او جهر می طایبی	تتميق الجیم
تتميق النین المعجمة و تتميق المهملة	مطبخ یفتح اوله فتن ثانی و كسرة نون بشد و سكون نیم
مناش یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	فتن كبر سوسمار كه در مرتبه سوم نمور سیده باشد
حب القلقن یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	تتميق الخاء المعجمة
مائل یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	مطبخ یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش
تتميق الدال المهملة	خا و المعجمه و ب و د و ثاب هر چه خفته شده باشد باقش
منحدر یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	تتميق الطاء المهملة
وگویند لوزخ بری وگویند قوسه از كات كوچكیه	مط - یفتح اوله سكون ثانی م طلسار
منحدر یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	تتميق العین المهملة و تتميق الالف
تتميق النون	مخاخ كبر اوله عین مهملة و الفتن و د و د و طری
منیلان یفتح اوله سكون ثانی وادال مهملة فتن كند رن ملطفت اقش	طایبی قلمین خ از حولی كوسفند

<p>تمیق النون</p>	<p>لمح انحر ساع بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام شاور فتح غین بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام</p>
<p>تمیق الباء</p>	<p>تمیق الفوقانی</p>
<p>لمح یوتیه بضم موح وسكون اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام لموکیه بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام</p>	<p>لمح و باغت فتش و باروت یا حی جمیعاً کحار لمح انصاعت بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام</p>
<p>تمیق التماسی</p>	<p>تمیق الجسیم</p>
<p>لمح اندرانی بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام راو مملو الف وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام</p>	<p>لمح فتش اول و ثانی وسكون خامس بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام که چون حیوان منجور دست بشور</p>
<p>تمیق الیم و تمیق الحما و المملو</p>	<p>تمیق الحما و المملو</p>
<p>مسک لارواح بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام مملو و فتم کاف وسكون لام فتم حظه وسكون لام و راو مملو و داو و الف و جاو مملو مملو خود و سل</p>	<p>لمح فتش اول و ثانی وسكون خامس بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام تمیق الدال المملو</p>
<p>تمیق النون</p>	<p>لمح لکر زرع فتح طار و مملو وسكون اول و ثانی فتم ما قبله یسكن لام</p>
<p>میران - فتح اول و کسر ثانی وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام وراو مملو و الف و نون مملو میران</p>	<p>تمیق الطار المملو</p>
<p>تمیق النون و تمیق الالف</p>	<p>لمح محیط بحس اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام وطار مملو و کاف و راو یا مملو و فتم</p>
<p>مملو و الف و نون مملو میران مملو و الف و نون مملو میران</p>	<p>تمیق اللام لمح و فتم اول وسكون ثانی فتم ما قبله یسكن لام</p>

تمينق النون

موسم س ب ن ا و ن سکون ثانی فتح بین جمله سکون را حروف فتح

تمينق الزاوه

موش خوار و موش گیر ف بنم اول سکون ثانی نشین
 بجه و ضم خا و بجه با و اوس یله و لک را و حله و نشت اول کسر
 کاف فارسی سکون ثانی و نشت ثانی هم قسمی از غلیوز -

تمينق الزاوه

موزر بنم اول سکون ثانی و ز و م و ج و ک یلا طح را گویند
 مع ق ثمین هم بزرگ شمیرن برید من مطلق سکون اول

تمينق البین المله

موجر س ه بنم اول سکون ثانی و جیم فارسی فتح
 راه محله و سکون بین معلم صمغ و رخت گنبل -

تمينق الکاف

موجر ک - ه و ا و س مشهور بند است -
 سوگ - ف بنم اول سکون ثانی هم عیش -

تمينق الکاف الفارسی

موناگ - ه بنم اول سکون ثانی و جیم فارسی فتح

تمينق اللام

مول ع بنم اول سکون ثانی و لام عکبوت و یخ نباتات -

تمينق المیم

مورد هم - بنم اول ثانی مجموع فتح را و جمله سکون
 وال جمله کسر بجه و سکون بین جمله فتح فاد سکون جمله ثانی
 و نیم ثانی فنه مورد و بری طح ی س خ رومی -

موم - ف بنم اول سکون ثانی و میم ع شمع ه بین -

تمينق الواو

موسم بنم اول سکون و ا و مشهور است ب بین نام گویند

خیشته است ساق و نبات و ورق فنه مانع شست بود

طح ی س ق ملطفت مدر شخم متقال ص کرفس و
 صندل و گلایب گویند هم کرفس نخ و زن جوز و طبیب
 و نیم وزن بنبل یا فلفل سیاه یا اسارون و یخینه

تمينق الصاد

موناگ - ه بنم اول ثانی مجموع فتح فو ثانی هندی

انظار نام غله البیت هندی طح -

موسم - ف بنم اول سکون ثانی فتح بین جمله ز منور -

موسم - ف بنم اول سکون ثانی و کسر بین جمله سکون

توتان فنه جیم فارسی م بالو لیست شبیه بفاخته -

موناگ - ف بنم اول سکون ثانی فتح لام و سکون فون و

فتح جیم کرم شبیه بکرمیکه را تباد سازد -

موسم - ف بنم اول سکون ثانی و فتح فون م پوستین -

تمينق التختان

موقی - ه بنم اول سکون ثانی کسر فو ثانی و تختان فنه و ا و م

تتمیق اللام	موت در بندی. و بنفم اول سکون ثانی کو شیرین معنی و فتح وال مملو سکون را و مملو و فتح مملو و سکون فون و کسر ال مملو ثانی سکون تمکنم پوش در بندی.
مماثل و مماثلون و کسر فون و زنت اول و هم فون و زنت ثانی م انیدن خالص.	مدلی. و دیوانه بنفم اول سکون ثانی کو سکون و سکون تمکنم ع فجل و ترب.
تتمیق المیم	مویاتی. و بنفم اول ثانی مجهول سکون میم ثانی با تخمائی و الف شمسوت بهمین نام مرکب است و الفظ
مقدم و مددوم. و بنفم اول و هم دال مملو مما جاوزت ذی مخرب که دم ابلق دار و دازان بهر تیر سازند	موم و بنی شمع و یاتی نام وی است که در آن موضع منبع است آن یاتی ششم و حبره طح ۲ ی راق غمل صبح کانی شش و هم ص قفر الیود و
تتمیق الواو	مونندی. و بنفم اول سکون ثانی و خفاء فون و کسر دال مملو بند سکون تخمائی م و کسندی شظیم النفع که گمش تکر آسار یا لاسبار وید طرح.
تتمیق الیاء	تتمیق الیاء و تتمیق الالف
مدر بنفم اول سکون ثانی با دال مملو مملو ثانی می از یک مهر گیاره و کسر اول سکون ثانی و در و مملو کاف فارسیه و فتح تخمائی و الف م مهر گیاره.	میرا بنفم اول و الف و می نیز آمده و شک باد و مما میلا. و فتح اول ثانی و الف فتح نیم ثانی و سکون ثانی و دال مملو و الف م و دال بند می است طریقه.
تتمیق الیاء	مهر گیاره و کسر اول سکون ثانی و در و مملو کاف فارسی با تخمائی م عمدا. و فتح اول سکون ثانی و دال و الف و زنت و کسر کان.
میرا و و می و و و بنفم اول سکون ثانی و فتح تخمائی و الف فتح و دال و زنت اول و کسر و سکون ثانی و فتح و دال و زنت ثانی م ناخوشی است که اکثر مردم از از ناخوشی نیز ترسند	تتمیق الیاء و تتمیق الالف
تتمیق الیاء	میرا. و کسر اول سکون ثانی با دال مملو و کسر بند می است میشا. و کسر اول سکون ثانی و مجهول ماشین مجیم گیاره ع حه العالم گویند.

<p>میں بصل وفتح اول سکون ثانی نے قوم موحده کا رونا مارا جس قدر تھا</p>	<p>یشاف سکون ثانی باقوت التسم آگینہ و</p>
<p>تتمیق النون</p>	<p>آگینہ الوان کشیدہ یا قوت و زمررد و دیگر اہل</p>
<p>یسوس وفتح اول سکون ثانی قوم میں مملو و ماحول</p>	<p>و زمررد و نقد و بکار بر بند و بھنی کیسیا نیز آمد و</p>
<p>فتح میں مملو ثانی و شراب یوسن</p>	<p>میو رکنا وفتح اول فتح ثانی و دوا و مبول و ارمہ و فتح</p>
<p>میسن وفتح اول سکون ثانی فتح مملو سکون لون و شک</p>	<p>میسن مملو و کاف اہل مارا مملو مشکو ہندی سے مملو</p>
<p>تتمیق الواو</p>	<p>تتمیق الجسیم</p>
<p>میسو و شک بکسر اول و فتح نون م آگینہ و زمررد</p>	<p>میں فتح اول سکون ثانی قوم موحده فارسی سکون غار</p>
<p>میو و شک بکسر اول و ثانی مبول م مرس</p>	<p>بجو و فتح فوقانی و سکون جم و فتح مچو و ش و شراب</p>
<p>تتمیق الساء</p>	<p>میسو و فتح اول و ثانی مبول کسر او و سکون ثانی ثانی</p>
<p>میسو شک بکسر اول سکون ثانی فتح میں مملو و ماد و فتح</p>	<p>فتح زمررد و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد</p>
<p>ساکر لانی و فتح برابریا کوبہ و ساکس طرح مملو گوینہ</p>	<p>کمال فتح مری سیا و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد</p>
<p>حی قی فتح منوم و فتح ساکس و زمررد و زمررد و زمررد</p>	<p>تتمیق الزا و المملو</p>
<p>ش از دوا کمال کمال و فتح ساکس و زمررد و زمررد و زمررد</p>	<p>پیشدار و شک بکسر اول و ثانی مبول با شین و</p>
<p>ل جند بیدر و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد</p>	<p>فتح موحده و ماد و الف و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد</p>
<p>تتمیق الخماسی</p>	<p>تتمیق الزا و المملو</p>
<p>میان ہرے و شک بکسر اول و ثانی با الت و سکون نون</p>	<p>میز و شک بکسر اول و ثانی مبول م پیشاب</p>
<p>فتح میں مملو و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد</p>	<p>میز و شک بکسر اول و ثانی مبول م پیشاب</p>
<p>میتھی و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>	<p>تتمیق الکاف</p>
<p>و سکون خماسی و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد و زمررد</p>	<p>میتھی و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>
<p>میز و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>	<p>میز و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>
<p>سکون ثانی و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>	<p>تتمیق الکاف</p>
<p>سکون ثانی و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>	<p>میز و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>
<p>می و فتح اول و شک بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و زمررد</p>	<p>تتمیق اللام</p>

عرق نعناع و تمیق الالفت	تمیق الزا و الفارس
ناف نهون والفت هم آب -	ناثر - ف م درخت کلج -
ناخن بویا - ف باقیم فایز و کسوف فویم مود و او	تمیق اسیر الملعله
بمعدل باقیمانے رخ انظار لطیفه کله -	ناقص بر برید بکشین مجود سکون فمائی ف نار شک
ناگیرا - کله موله و ککاف فارسی سکون فمائی	تمیق السین المجمع
باراه موله فانه م خشمش سیاه -	ناخن فویم ف باقیم فایز و کسوف فویم مود و او
ناگ بالا - نهون والفت بسکون کاف فارس	تمیق النین المجمع
باموده فارسی الف ثانی و لام و اف کاکشک	نان کلاغ - ف کسوف ثانی و فتح کاف لام
تمیق المرحله	والفت م رتیبست که از زمین نمناک بر ویدر -
ناکلیسیم فویم موده و سکون لام باموده و فتح کاف	تمیق الفار
و سکون لام ثانی و فویم ثانی ف ملان پیش کاکشک	ناف - ف افکار م صدف -
تمیق الجسیم	تمیق الکاف
ناخن نهون الف فویم موده و سکون فویم مود و او	نار شک - ف نهون الف و بسکون او موله کسوف
نارنگ که از نارنگی بزرگ است از ترش تر و تلخ تر است	و سکون شین مجید کاف م ناگ کله طر ح ای ناگینج
م ترش ادبی اتهم ادبی ح ق پوست و لطف	ی ۲۲ ق لطف مقوی ل خ خوشبودش غیر م ص
و مقوی ل شل زحیا و نیم شقال ص غل و مال ترخ	طبا شیر ل یکیم وزن سبل الطیب غیر وزن پوست
نافیج - نهون الف و فویم موده و سکون او و فویم فویم	بیرون پوست یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن قسط -
فاز و فویم بزرگ که آثر او لبوب گویند -	ناک - ف غبر و شک مثال آن که منشوش شهید
تمیق الدال الملعله	و قسمی سنا زام و کله بترین قسام اوست و در هر یک
نار و فویم موده و سکون دال موله کلی و گویند لشر	جانور است شبیه به نهنگ -
تمیق الزا الملعله	تمیق الکاف الفارسی
ناگ کسره نهون والفت بسکون کاف فارسی ککاف	نارنگ - ف فویم موده و سکون نارنج -
و فمائی بمعدل فویم شین موله و سکون لاه و نار شک	تمیق اللام

تمیق السار

نارده و ف بسكون را مملو فتح وال مملو کسه و پشه -
نارده - و ف بفتح و او ص نارده -

ناخواه یکبار نون ثانی و فیم خارجه یار او دولت افنی
و اظهار یافت زبانه ابراهیم طحی ۳ گویند مرقا

منفج ملطف غشی در رخ زین تازه خوشبوی باطل برنج
ش یک شقال ص عتاب لی زیره -

تمیق النون

ناخن پریان - و ف بسكون ثانی و فتح موهده فارسی سکون
را مملو ناختانی دولت نون الش ع افکار طیب -

نارون - رومی بنون الف را مملو وال مملو سکون
تختانی و نون فیم بنس و طح ای ۳ گویند مرقا فایض
خ فربه خوشبوی سفیدی کس کثیر افسل بنس سندی -

ناروان و نارون ف بسكون را مملو یا او دولت
در دولت اول فتح و او در دولت ثانی و درخت است خوش
خوش اندام و گلزار فارسی -

نازک بدن - بغم زاده و رسته سنی سرخ رو -
ناگدون - و بنون الف و کاف فارسی فتح وال مملو
و سکون و او و نون ثانی و مارچوبه -

تمیق التتالی

ناگ تپی - و بنون و الف و بسکون کاف فارسی فتح
میه حده فارسی کسر فوقانی و سکون تحتانی ه لجاو -

نادی - و بنون الف بکسر و او و سکون تحتانی فم نامی -

تمیق التتالی و التتالی و التتالی

نبات الجلاب مع الفتح اول و موهده و الف فوقانی
و سکون لام و فیم جم و لام مشدده و الف موهده و عری
ط مع ق مجلی ملین خ سفید شفاف پاک بکج و بار
ص ربوب ترش ل شکر زود -

تمیق الدال المملو

نبات الرعد - مع الفتح را مملو مشدده و سکون ملین مملو
و وال مملو کمات -

تمیق الذال المعجم

نبیذ مع الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ذلال
بیمه و شراب خ از سیلان رطب -

تمیق السین المملو

تمیق الواو

ناجوف بغم جم و سکون و او و درخت صنوبر -
ناخن دیو - بکسر وال مملو ه نکه -

نارخوت بسکون را مملو مملو کل انار -
نار و نیم را مملو مملو نالو است خوش آواز مانند بلبل -

ناثرو - و ف بغم زاده فارسی درخت ماجو -

بنق طیب یا بس ع بک اول سکون ثانی و کثرت دفعه	تسبیح النجار المجهود و تحقیق البجم الفارسی
راهمله سکون اول مملو کسره با موحده ثانی با یاد اعل	نخ و بنق اول سکون فارسی بجم کیهیت که از دوا بار و سائند
و سرجه ثانی و ثالث که ره بکیر ترا و بام گویند شکله	تسبیح الدال المملو
س ق قابض و خفیف خزرگ سیه شش درم و سسل اول	نخ و بنق و بنق و بنق اول سکون ثانی و دفعه جیم
تسبیح البجم و تسبیح الموحده	فارسی و دال مملو و لغت اول دفعه جیم فارسی
نجم - بنق اول سکون جیم با موحده و قهر را	وسکون نون و لغت ثانی م ریم آهن -
بدین نام خواند اما مخصوص است به سیف -	تسبیح الزام المملو
تسبیح الزام المملو	نخ و بنق اول سکون ثانی و کسره جیم با تخانی م بزرگی
نجم - بنق اول و ثانی م کلکونه -	تسبیح البجم المملو
تسبیح النون	نخاع ع بک اول دوا و موحده و لغت و بین مملو
نجم و بنق اول سکون ثانی با دوا و لغت م و قهر را	پست مار و حرام مغرطاب می -
تسبیح الحاء المملو و تسبیح البجم المملو	تسبیح اللام
نحاس ع بنق اول با حاء و مملو و لغت و بین مملو	نخل ع بنق اول سکون ثانی و لام و لغت و جیم و مملو
ه تا باطی ع ۲ اق حاء و جیم و رقیق و سس و سس از دوا	بی بی اق قابض خمر ناز و مملو و بین الی طلک کرمی
طون زود و گدازنده شش و مملو و کثیر الی زود الی و مملو	تسبیح الیاء
نحاس مکلس - بنق و دفعه کثرت دفعه لام شده و سکون	سخاله ع بنق اول ثانی و لغت و مملو و بین مملو
بین مملو و مملو -	ح ۲ اق حاء و بین خ از دوا و مملو و بین مملو
تسبیح الفات	نخل و بنق اول سکون ثانی و دفعه کثرت دفعه لام و کثرت
نحاس و مملو و سکون حاء و مملو و کثرت دفعه	باشد و زود و مملو و مملو و مملو و مملو و مملو
تسبیح اللام	تسبیح و تسبیح الدال المملو
نخل ع بنق اول سکون ثانی و لام و مملو	م - بنق اول سکون ثانی و مملو و مملو
تسبیح البجم	از عین و عود و مشک نبات که او را کشته گویند -
نحاس ع بنق اول و ثانی و مملو و مملو	تسبیح البجم المملو

نشانه - مع بهضم اول باشین معده و الف و فتح را و جمله و بافت بزرگ هر وقت و مراده هر چیز	گوبیند مع ۲۴ ق شش قافض طبع و دایره و شش بخوش رنگ و کو برافروزدن من لایع مفاد و تقوی اول دایره
نشانه - بکسر اول ع لباب الفح -	تتمین النون
نشانه و کسر اول الف و ثانی مجهول م گوشت میسر	نفخ و الا و فتح اول سکون ثانی و فتح نون ثانی و دایره
تتمین التثانی	مجهول با و مدله الف لام و الف ثانی و نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی
نشانه و فتح اول سکون و ثانی مجهول م و دایره و کسر	تتمین الواو
تتمین الصاد المجهول و تتمین الزا و المله	نفخ و او و فتح اول سکون ثانی و فتح نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی
افعال مع فتح اول ضا و مجهول الف و را و مملو و دخت که که بر که و دید و آنچه بر زمین و دید آنرا و کسر	فاهمه با و مدله الف و را و مجهول م و نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی
تتمین الظایر المله و تتمین النون	تتمین الفاء و تتمین الجیم الفارسی
لفظ و فتح اول سکون و ثانی مجهول م و نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی	لفظ و فتح اول سکون و ثانی مجهول م و نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی
تتمین الدال المله	تتمین الدال المله
لفظ و فتح اول سکون و ثانی مجهول م و نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی	لفظ و فتح اول سکون و ثانی مجهول م و نون ثانی و نون ثانی و نون ثانی
تتمین الظایر المله	تتمین الظایر المله
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی
تتمین التثانی	تتمین التثانی

تمییز الراء والمعلمه	ترقیم الواو وشیق و تمییز الالف
نیل بر ذیل فرمایا برو فیلوفرت بکیر اول سکون ثانی	واو - ف بر او والتم آس -
و فم لام و فتح موحده فارسی سکون را و محله درخت اول	تمییز الحسیم
لفتح فا و لفتح م فم لام و واو و جبول فتح موحده فارسی	واو - ف - ب سکون نون ع عدیس -
و سکون را و محله درخت سیب و فتح فا و لفتح م کرب المماو	تمییز الدال المعلمه
و بیروانی بنیفا و جب بر جالبوس گویند کرب المماو	واو و ی بر او والتم و کسیر و سکون دال معلم لبلاب -
گویند ی ۲ ق منوم سکون اوجاع و فتوی خم بعد ادا	والا ان خروشت بر او والتم لام الف نون ع سیب -
آسمان گون تازه و خوشبوی نیست کل شرب زرد بال	تمییز الفشار
خلی غنید یا بنفشه و گویند کل کبوسیت کربا رة ان	واو - ف - م لبل -
بر چوب درخت حبیبه ه بالارود و کوا و دوحی -	تمییز الکات
تمییز الفاف	واک - ف - و جاوریت کبوز رنگ اکثر ذکر آراے
نیسوق لفتح اول سکون و فتح موحده سکون ا و و فان و ک	آب شنیدم داق -
تمییز اللام	تمییز الکات الففارسی
نیپال و فتح اول سکون ل و موحده فارسی الف لام سنی انبر آبا	والا ان بزرگ - ف - ه سولفت
نیل ف بکیر اول سکون ثانی و فتح موحده فارسی که عصاره وی را	تمییز اللام
نیچ گویند و شجری و اعظام و ازان نگا زند و دیانان	والح ف م فوسه از مای غلوس دارد -
بکار بر نیش جای گویند یک معری ق قابض و غنیت	تمییز النون
خ سجد کرد و دل شود من الیوس ال مندل سرخ و کلا	واو دیان - بکیر دال معلمه فم باو دیان -
تمییز النون	تمییز و تمییز الموحده
نیل مین بکیر اول سکون ثانی و لام و فتح موحده سکون ف م نیم و ک	و بر الازنب مع بفتح اول و فم موحده و فم رار
تمییز الواو	جهلمه و سکون لام و فتح الف و سکون ا و محله
نیبو - ه بکیر اول سکون ثانی و فم موحده سکون ا و ک	دفع نون و سکون موحده ثانی ف پشم
تینو - ف بکیر اول م سکون	خرگوش طاح کے ق محفقت -

تمینق التماسی	ورق عیض اول سکون ثانی و کبابی است زرد که
ورق چینی عم کل نسیمین - ورق فلی عیض وال نسیمین و کون کونیکر کاجول ان نون کن ورق الزدانی عیض و نسیمین و کون کونیکر کاجول ان نون کن	در ولایت چین شبیه به سرمد و گویند رنگه است که از سرمد آورند طبع سرد و قافض لطیف تخ تازه سرخ که بر رو مرصفرند و گل بایو نه مانند نسیمین در صحت عمل
تمینق الزاد المجره و تمینق الککات	تمینق الککات
ورق عیض اول ثانی برگ چپایخ انظر فادان دار و کون	وزک - و عیض زاده بهرم درخت با سرخ غریب -
تمینق المسار	تمینق الککات
وزرعه - عیض اول ثانی و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین و گویند حر باد و گویند سفید عمل گرم صحت -	ورکاک و عیض اول سکون ثانی مریخ مراد خوار - ورک و عیض اول ثانی مریخ که آتش کن بجای تیز باشد زمان بایان در منزل سوزند و گویند کربسه -
تمینق الزاد المجره القاریه و تمینق الککات	تمینق اللام
وزرنگ - و عیض اول و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین توزی جگر به رنگ که بر تلوسه برنج پیچند -	ورق عیض اول ثانی سکون لام قمری است و معتقد که درای سفتقور است گویند سفتقور در روغن کونیکر و درای بایا
تمینق السیدین المملیه و تمینق السیم	و سکن کویک و نباله از دار سفتقور باریک کشید و رنگ
وسج - بکسر قسم اول و نسیمین مملیه اشق -	ورق اول و لبه غنی با گل و پخش در شش و خشک و رنگ سفتقور و زایل
تمینق الخا و المجره	سبز و زرد و سیاه و سفید و پخش المسطح حی قی لطیف
وسج عیض اول و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین و رازدان نباتی است که در کوه رویه و کوه بهر طبع احمی -	تمینق السیم
تمینق النون	ورق عیض اول سکون ثانی و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین
تمینق النون	تمینق النون
ورق الاذن عیض اول و سکون ثانی و کون نسیمین گوش طح حی قی عمل ملین -	ورق عیض اول سکون ثانی و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین تحتانی و کونیکر که در اندام و در الاذن خوانند طح حی -
تمینق المسار	در شان عیض اول و ثانی و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین
ورق الگوار عیض سکون لام و نسیمین و کون نسیمین و کون نسیمین	مرغ آبی و گویند که بر تر و شستی است -

محرک غایه زبردست علی حدیق بلین ل روغن گل	تشنیق النون و تشنیق الکاف
و نیمه فتح اول سکون فتح نیمه ف و زق نعل ایلی	و نیمه فتح اول سکون فتح نیمه ف و زق نعل ایلی
تشنیق بلین البحر و تشنیق القاف	فون ثانی سکون کاف م ریحان -
و شق یفتح اول ثانی سکون کاف م یونین طرحی	و نمک - و یفتح اول و ثانی سکون کاف م ریحان -
تشنیق اسید	کبود و بیرنگ م و برز -
و نیمه فتح اول م جانور بود و شق سلوی -	تشنیق النون
تشنیق السار	و ن - و یفتح اول م بن -
و شکله و یفتح اول سکون فتح کاف لام و انده الکوب	تشنیق السار
تشنیق انیس المجر و تشنیق الدال المملک	و نده - و یفتح اول سکون ثانی فتح و ال
و غده یفتح اول و نین مجر و ال مسایه اودنجان -	معلمه تیره تیزک -
تشنیق القاف و تشنیق اللام	تشنیق السار و تشنیق اللام
و فل یفتح اول سکون فاولام و م فصل خشک	و فل - و یفتح اول سکون لام و فرت کاج مع صفور -
تشنیق و تشنیق الکاف	تشنیق الیاء التماسه و تشنیق الکاف
و ک - یفتح اول سکون کاف مع صفور -	و بند انک - و یکسر اول و ثانی مجول و سکون ل و ن با
تشنیق الکاف الفارسی و تشنیق اللام	و ال مملک و الف و فتح نون ثانی م نادر مشک -
و کال و کسر اول کاف فارسی الف لام و زغال -	تشنیق النون
تشنیق اللام و تشنیق الجیس	و یون - یکسر اول سکون ثانی ف الکوب سیاه -
و یفتح اول کسر لام و یکسر اول جیم جانور بود و نده -	تشنیق السار
تشنیق انیس المملک	و تیره - یفتح اول سکون ثانی فتح فوقانی
و یفتح اول کسر لام و سکون ثانی و مین معلمه	و راء معلمه و کل سفید کوجا طاب ر ۲ -
و غوره خراکه آنرا خلل گویند -	و یجه - یفتح اول سکون ثانی ف نعل خرنبره -
تشنیق اللام	و بره - و یفتح اول سکون ثانی ف ساق و رخت -
و ن ف یکسر اول سکون لام و شکوفه انار -	و رقیم السار و تشنیق الالف تشنیق الملام

<p>تتمیق الکھاف الفارسی</p>	<p>ہر ایک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>
<p>تمیق التون</p>	<p>ہر یک بھیم اول سکون فم کثرت فتح تختہ نام فخر و ہول</p>

از دست شخصی گرفته تمام میزدنست نفع دیگر با آن چنین بخورد بعد از خوردن یک خوراک از اینها را طبعی از خود که
تجسس حال دنیا نماید بگویم هر کدام از اینها به حسب احوال پیوسته می شود یکی از ایشان گفت که مدت کیسا شد به است که مرا
فقط از بهر سیریه بود و نمی شد است که من بهر بلاکت خود در هر چه کردم بودم اکنون بخور و خوردن این سنگ های تاری
با کلیه بر طاعت شده و دم گشت که مرا در هر مکرین بود و می توانم که اندک اندک از این سنگ های گیسو است آن در هر مکرین
از من آن سنگ های است از درین خوردن و زنده بیاخته شود گفت که چشم من بسیار خست است اکنون بخور و خوردن این سنگ های
مقرب من بیدار شد که جانی آن خاکست من چشم بپایم گفت که مرا در این سخن قدیم بود و اکنون بخور و خوردن این سنگ های گیسو است
سبد گشت که گفت که مدتی از در روز و از او تمام بودم اکنون از در و طلقا از من آن سنگ های گشت که مرا در هر مکرین بودم
آن لم با کلیه از من آن سنگ های شده و درین نشاء و قوت پیشه چشم گشت که مدتی در دست که بر این سنگ های مقرب من چشم بود که چشم
معدیه سخن از آن سجاد که بر این سنگ های پال شده و درین نشاء و قوت پیشه چشم گشت که مدتی در دست که بر این سنگ های مقرب من چشم بود که چشم
دوا به است که مرا در هر مکرین شد و بود و اکنون از در خوردن این سنگ های چشم بپایم برسد که تو بعد از خوردن این سنگ های
گشت که آب که از این سنگ های گیسو بودم حکم گشت این سنگ های شد و در خوردن آن سنگ بود و فعل سنگ که در این سنگ های یاد و است
و بر و دست سنگ های جمع خویش است چنانکه بر دست و دست ساک و حفظ است این هر دو دست است اما از دست و حرارت
این خود و نور از آن و از آن سنگ های با کلیه منع فرموده اند و نیز در هیچ دانی بخامیست شل غا و در هر مکرین
و غیر آن خود نیز هیچ قدیم تر می نکرده اند و بهر سنگ های و در هر مکرین سنگ های خود ششم که از این سنگ های یاد و است
خود و دست و در هر مکرین سنگ های و در هر مکرین سنگ های خود ششم که از این سنگ های یاد و است
سید فرمود که نام این سنگ های با و در هر مکرین سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
شش است بر این سنگ های که کثرت است اما از این سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
تا از این سنگ های که کثرت است اما از این سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
مدرست آن چوبی که در هر مکرین سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
از این سنگ های که کثرت است اما از این سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
گشتند آن را با شد و در هر مکرین سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
زهر و می باشد و از این سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است
در هر مکرین سنگ های یاد و است که با و در هر مکرین سنگ های یاد و است

ان غرويش بزرگ است که عویش مشکین و عویش بقیه باطل و بترن این فرست بعد از آن غیر در قیال از این خبر و از هر یک
 تر در دست اندیم عظم است فائده و چند بر سر را در بدنه و در پیش را در وقت تا به تنظیم ویدیم و این جسم فتل کرد و است چنان را
 از وی آمل باشد و از این به سنات به دست از انجا به تریه که مرز و خیمه است که هیچ و بدید و باز سعی از قوم قاله با و بدید از این
 مفرقه و قاله با و در هر حرارت تا از این در غلشی بر جم غریب و کلات مشرو و طبع و غیر آن به تریه انکه نجاست تاثیر میکند صاحب
 جامع آرد و به که نادر به برادر یعنی اطلاق یکستند یکی بر هر چه به که نادر به برادر یعنی اطلاق یکستند یکی بر هر چه به که نادر به برادر
 خاصیت که در آن چیز باشد و دیگر بر شکی فایم که باقی نیست نفع سموم تار و دبار و ده که نادر به برادر یعنی اطلاق یکستند یکی بر هر چه به که نادر به برادر
 میگردد و که آن شک که من یدیم باطل بر دردی شنید به بود و با وجود این شبیه بود و اندک شبیه باقی و در هر چه به که نادر به برادر
 چیز از پی دو امانه ضرره و مکر به بقوت و ندیدیم و نیز از مصالحات بقراطی افضل نموده که از بلا و فاسد چیزی می آید که از
 حجر التیسخ و انده یگردد که در خار این جلیه متولد میشود و در صورت آن حیرت و خوشی ملاست چون بنگار است و به تریه
 و توبر و شهادت به دست پای و در اندرون پوستها و مکر گیاره به بر بود که آن پوستها و شهادت گویا بر گردان آید و اندک از آن
 زهر گریز نام چنان که از آب از نایب باشد و در موضع اسح ملوم طلائع اند و در رامت هم لکین طایفه و اقسام هم که در نفس میکند
 که در سن و ستان بر گوشت به از احتمال طنگانده و چند موضع انجا پیدا میشود و خصوصاً در کتور و حوالی آن چنانچه نادر به برادر
 و چهار تو لچه بسیار دیده اند و همچنین در ولایت زنگل میباشد و در اکثر کوهستانها چنانچه اگر کوهستانی است بکشت به و
 دشمنش قهله از شر و ان دی بر آمد و در اکثر مواضع آن میباشد چنانچه نگیان بسیار از انجا خیزد و بجا نایب و بل و در هر چه به که نادر به برادر
 آئین فل و زهر میانی میباشد که دانه از آن چهار قوه به تریه وید و اندک یکی از آن بیاند بدون که عبارت از انجا به تومان عراق
 هزاره یا اندک و به انجا بسیار خریده و در وقت صحرای بادشان شده که خریده را در موضع ساخته اند و پا و زهر شکانده بر غریب
 غلظت نمیشود و چنانچه بر جوب به تریه و کچله و پارچه و سفال سنگ بسته میشود و این کوهستان از قسم نمره اند و باقی اند و مکر
 و کوی چنانچه در انجا از زهر کوی فصل میشود و اکنون انچه متداول است فارست گزنده و در انحال طلمه فایده شاد و نادر
 میگردد که من یدیم شخصی از زهر کوی نادر بود و در موضع اسح مورد گشته و در هر چه به که نادر به برادر
 بران موضع آید و در هر کجا که اثر طلائع آن میرسد و حال بلون خود می آید و اما شخصیت بیاض و بعضی را اوقات شخصی را
 ماکزیده بود و در اوقات تریا و کثیر ضرره و در انجا نادر به برادر و از ان قیال به انجا نایب و ملسع و اندک که باشد و قدر
 بخور و نوش و اندک بر نش آبله که در چون بحال به خلاص شد اما همان حجر التیسخ و آن انفر بود و بی سیای که در غی زنده انچه
 انکشت به چون شیر و رنگ بسیار زنگ گردد و انچه بد باشد چون بشیر بر رنگ بسیار زنگ بود و از انرا از انرا کوی

بسیار شمشاد اگر که در آخر سردار و در حقیقت این شمشاد به شربت نبات با کلاب یا شامه قریب باشد بخورد با آب یا شربت
 فریاد اکثر کوفیه است نبات حمو شامه سردات ملاحت از این شمشاد که از اول این شمشاد قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 باشد قوت حرارت سردی از این شمشاد که از اول این شمشاد قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 عقل حکیم عمار الدین محمد و سایر از چرخ کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 چنانکه آورده بود و اکثر سرداران و از این شمشاد که از اول این شمشاد قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 چون از سر قند و شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 اگر از این شمشاد که از اول این شمشاد قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 بید شک نماند نماید و بعد از خوردن ترکیب بوشید آن به دراضی شود که با و قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 کرده اند که در این سال از آن نفیج تمام میل شود و دیگر پا در جوشانی که شقال با قوت سرخ را می در جوشانی که در جوشانی که
 سفید شده و زیر جوشان سفید شده و یکت خود به یک کباب و در قیظ کباب و در قیظ کباب و در قیظ کباب و در قیظ کباب
 مجموع این از یک نیم شقال زیاده نیست باید که هر که از این شمشاد که از اول این شمشاد قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق پیچش که بی آن بخورد و میسای از مرغ قره زنجیر و آب نیمه بخورد و آخر در شربت
 با عرق بید شک یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 احتیاج افتد که بید شک را در روز و در شب و در روز و در شب و در روز و در شب و در روز و در شب و در روز و در شب
 یا قوت را می میل پیچش از هر یک نیمه کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 معطلگی نماید که در هندی کوفته نیمه کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 نوشت و قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 شیرین جوارش و در هندی جوارش معطلگی و پیچش قندی و با دام قندی متفصل کنند که پیچش از آن و یک نیمه قندی
 یک نیمه در شامه آن از ترش یا شیرینی نادر غن شیرین است بیشتر از نباتات چنان کنند که فائده تمام و کل پانصد
 دیگر با اتفاق حکما تا آخرین مرتب شده فاد زهر یا کاکار شمشاد اگر که با قوت جمل خدشی زهر در بید شک غیر شمشاد
 معطلگی حقیقت یعنی از هر یک نیمه کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد کلاب یا شامه قریب باشد
 منگ و در خشک کرده با کلاب سرشته حبل ساخته حقه کنند و هر روز یک حقه شربت از قند و کلاب عرق کلاب و زبان

۲۹۳
الفاظ الاولیه
وتم بالنگو یا شات نامیو داتر دلییات حروفات پزیر کنند که گفته قبل از دو و گذشته بعد از دو و نیز از با شرت و بسته و در
اقتضای جهت این دو اشعار با بعدلوب بیان سبب رسیدن موسیای منقول است که پیش از ملک از گان و در کار
افزودن قرطاب رابع بر فارس که نام پیش است بشکار برآمدند با گاه بر بزرگی رابع برآمدند و آن بر تر خورده
از نظر آنانیت شایع آنکه مستند نشانی در سرخس یافتند پس از بقیه دیگر میان سرزمین میانه جستجوی آن بر زمین بودند
اتفاقاً تا اینکه رسیدند که پیش از آن روستا آب آن کشت بر سر آمده و آن صید نیز خورده را بر ساحل آن چشم یافتند تیرگی
پهلوی او رسید بود و بدینکه بجانب پست او بازگشته است بانکه آنوقت به جهات اندونش مطلق است مل شده
از خال تعبیر ساینده کیوش ملک فریدن فرستاده آنوقت است خبر دادند ملک جماعه را که در عوام طبعیه با هر دانا بودند
جهت متفلسان و فواید تعیین نمود و جماعه حکم ملک این موقع رسید نفس یافته نمودند و هر چه بر کار آن ملک کار آن بود
از انوشج بر شیده و جمیع کردند و بر جرات و اعتماد و کوشش صاحب که استخوانها با از موندند بنایت سراج النفع یا تشنه از سر
دعای ملک فریدون آگاه ساخته اند ملک حکم علی اطلاق بجای آورده که چنین نیایه برین نیکی و بیایک نافع و عود من بر
کار آمد و فرمود که بران نادر که نهادند خوشی هاسک دند و پیش از ازا من بار یک شکل نه مانع ساخته نصب افتاد آب حلال
که در گذران در اخبار در دو و میانی با زان و سارت و شایه وقت که معاصی حکام باشند ماور گردانیده تا بدان موقع
هر یک که خود بدان زمانه و سال دیگر مستحقان صاحبان هر خود بدان موقع میروند و آن بحفظ ایشانش و پیش
و هر چه موسیای حاصل شده با حفظ ارباب بر ساند و با زان و جماعه محوم ساخته بحفظ ملک میبرند و اکنون نیز همین بود بحفظ
و مشیو است سالی بود که مدرم حاصل میشود و میالی بود که کمتر از این چه تسمیه موسیای این چشمه بر کن رویی است که سیای
موس است بدین معنی شمع و یانی نام آن به باین تسمیه موسیای خوانند چون موسیای ارباب و زهرات بزرگ است و در
مناخ بسیار و آب باران بزرگ بر جوهر می کنند اول با و زهر دیگر موسیای دوائی مفروض است که قائم مقام تر
باشد و هر گاه با مرکبی ترکیب میکنند قوت او را ده زیاده شود و آن چهار فروع است سالی در که و فارغ از این
هم میرسد آن چهار فارم میگردند و در هر سال قطع یا چاق قطع بهم میرسد بر شکل بان گاو و آنجا حکا بمانان ملک میباشند
و بعد از سه ماه اندرون میروند و دیگر نند و باز و پیش منقض میسازند و حال آن نادر است که موسیای بیرون
سازند و بگویند که قوت حجر از او است هم می آوند از خال شهر روز و جبال اگر او این قوی از مشیو ضعیف از معدنی است
و این اصل از سنگ بیرون می آورند نافع است از جهت این که سرد و رام بلغمی و غش و کینه را از سردی یافته باشد و خفیه و
که گفته نافع است جهت جد که از بر واقع شده باشند نیز نافع است به ضرر و بقطعه چون تربت به اند و حشری که شست

تجربه نماند و آن شمشیر شد و مشهور گردید که اکثر غرض را بدین علاج می نمایند اما چون ران صحرانگ که بنوعی بر سر جگر
می بر خیزد و نمک میداند و در قریه ماضی اندازد و اگر آنیکه در زیر مادر و می نمایند که وقتی جمیع کشتی را بجانب بندر می کشند
میرانند اتفاقا کشتی ایشان تباهی با دماغ البعثان نمیند و اکثرا جزییره بدین مردم کشتی در آن جزیره فرو می آمدند یکی
از آن مردم گرفتار جراحت نمیشد و او اهل کشتی از بوسه بدین نفس جراحت او نیکو کرد و از اجابت او بفرمودن آن حایرانه
از زندگانی دل کند و خود را از کشتی جدا می ساخت و در آن جزیره قرار می گرفت و میگفت اهل کشتی که آن نان با و داده
نیز مودع او را نمی میدادند و از آنکه قوتش فراوان بود و تمامی می شد شروع در خوردن گیاه و چرخ میکرد و از اتفاقا که سببش
گیاه این پنج جنسی می آمد پس آن کندی خشخوش خوش مزه و گوارا تر از آنچه دیگر می یافتش و دیگر گشت پیوسته در خوردن آن بسیار
و مزاولت میکرد و از امان گشت بعد از آنکه چند جراحتها را با انگشت خود با نزال میگرفت و در خوردن قریه ششها را می خورد
مدتی درین جزیره بسر می برد تا گاه بعد از آنکه نوبت باز همان کشتی کیشی دیگر بدین جایگاه می رسید اهل کشتی که او را یافتند
که غایت توانا و قوی شده از وقتیش تن نمینی میکرد و از ابتداء آن احوال ملبوست اهل این صبح گیاه نیکو می یافت
آنهمه ازین صبح مذکور بسیار میگرفتند با طراف جوانی می بر خیزد و بدان بود ما بر سر شمشیر از آن میان باز در میان همانان
شهرت گرفت بر تفریق روستا چون ران صحرانگ که بنوعی بر سر اکل این بی نمک بود و بهر جا که می رفتند بی نمک میدادند
و خوردن او و شرطی نیست که کجا خود گرفته خواهد شد طبیعت صبح مذکور حکما و ساخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دوتی
گیلانی اکبر شاهی گرم خشک است و اکثر از حکمای تافریین این عصر بر آنند که گرم تر است و پس چگونگی این صبح چون
سود است آن بار و دایس یعنی خشک است پس علاج مرض بسیار و چون حرارت بیش از حد است در بکامل خواهد بود
و چون قطع و ندرت پس میکند بسیار که شرب او این امر چون هرگز است پس طبع بدین جهت بسیار که چون در این خشک
ست و نیکو دفع سودت بالحق نیست بهانه باطبع نایب صبح را فاضل بسیار است از نیکو آثار و فایزین شایه کرده اند
که گویا این صبح از آب حیات جز در شرف نیست چون اکثر بعد از تقیه بدن و بلاست بسیار که بهر ندرت و نیکو است از آنکه نیکو است
موصفات و ترش و اندک بسیار بخوردند و کلی بسیار بدین صبح و در دفع مرقش آشفت و از شرب الیام جراحت خفیه و
تندریک را در نظیر ندارد و چنانچه تجربه اکثر حکما شده و در سهال از من صبح معاد یعنی از تمام استخوانی می رسد و این
خواص بسیار خواهد بود که هنوز تجربه نریده و تمقاد حکیم عماد الدین محمود است که حرارت او را در اول مرتبه درجه اول
و در رطوبت او بدین رده کرده و جمعی دیگر آن را درجه دوم حرارت و تمقاد است و از ستا فرجه حرارت که حرارت او را
مرتبه درجه اول است و بهر آنکه تا در تفریق حاد و خفیه و از ذات نایب نایب و بهر آنکه بهر آنکه در تفریق حاد و خفیه و بهر آنکه

در حرارت است بدستگاه بدینکه آید و دیگر چون رین پنج قوت فسادت بنام است غلو و حرکات فساد و تاثیر حرارت
پس باید که حرارت را از اول تشریف بدهد دل بخاورد و منبسط باشد و اینکه حرارت را از اول مرتبه تجمد و مرتبه تبخیر است که از انکار
و کشا و موجب فساد نمیشود و بهر دو یک حرارت دارد و در هر یک دو سه یا نیز دگر دگر را با باعث مضر است اما بطریق
اگر بنا بر تاثیر دارد اما در ارض و در آیه از اهل صلاحت معتقد می باید که در تابستان با بنام بر ظاهر باشد و او که اجزا از زمین در
بیشتر از جزایر نامیه است می تواند بود که فی الجمله میستی باشد و نیز حکیم عماد الدین محمد و گویند که با حرمت که در روست
تقلیل باشد و بواسطه حاجت آب بسیار می شود و در بطریقت کامل گردد و می تواند بود که جبهه مهر در بطریقت تانی
تمام باشد بحالات حرارت که با وجود آب و آب و بر دشت آب با تکلیف می نشود و عقاید برخی از تا فرین نیست که گرم
ترست در درجه دوم و جبهه مر و یا دیگر مفرج باشند در وقت جبهه خواجه بنفوان جیل سالگی رسیده باشند یا نباشند
ناقص است با نایب است و در زمان آن یک از غریزی که در علم طب مدام است بگویند سیده که بچندین طریق می خورد
استمال نمود اما اثرهای خورشید بهر که در نخستین دفعه مرفی که مناسب است و در توجیه که آنرا مثل منحل است یا نیز با نیم توجیه
نقصیه است اما بهر حال که در آب بلند و جبهه یکدگر از مفران تجمد و در ادم اثر غیب یافتن در امتحان وجود
و محتار آن بهترین جوهری است که در سنگین باشد و مفید اگر چه در فلهای فالت سنگین تر می باشد اما در امتحان
مختار است اما چون دلالت بر فاجبت نارسیدگی دارد و آن سرخ باشد و باید که میانه باشد با نوازگی و کشایی درین
زمان در رطوبت فساد است که موجب فساد حرارت غریزی است می شود و حرارت غریزی ظهور تمام پیدا میکند حکیم عماد الدین محمد
نیز درین تصریح نموده و سنگین که گروه سطح ظاهر برابر باید چه آنچه بر خلاف این است با نواز زمین کم رطوبت و یا فیه خشکی
بر نایب شده و یا بکمال نشو رسیده و طعم و رائحه غالباً از محسوس نشود و در مقدار منبسط شدن کافور و جبهه آب یا
و گرمی آتش و غیره و بهر حال و نم و در برابر و دلیل نبیا ظاهر است قوی بر آنند که با وجود دهرخی و سنگین نشان گر بسیار
در کوبیا باشد و جبهه نبیا ظریف که در زیر زمین نرود یک ترست بهتر است باید که نوب باشد غلیظ محسوس از نور یا بگذرند باشد
و مفید از با شمر و طعم و بجز نبیا فسادت با در قوت دفع قسم اول دفع است و نیز جبهه چرب یعنی بر جبهه زدگی باشد سرخ و مفید
وزر و سیاه و بهترین در سنگین شیرین و زردی که سفیدی از دند و بعضی زردی که کسری زنده تر و اندک آن زردی
خطا بکاشتر می آید و از آنجا بهتر و بخار می آید و در نوعی از آن از جانیله بر مادی آید که بسند دهر موزنی و در
از آنجا بخار و در فساد آن آدم میبرد اما بخار الی کاشتر نیست و بعضی سفید را بهتر می باشد و نرود و کما در نرود که
در فساد خود رسیده است و آنچه سیاه است غالباً آب دریا ویر است و سیاه از او اصل نیست چون درین خطا

رطوبت نفسیه بسیارست رطوبت نفسیه رطوبتیست که در جوارها و باطن و خارج جسم اجزا و باطنهاست و برینست و تقاضای
 قوت او در جای که از رطوبت بود و نم خالی باشند و فی الجمله میبویست در اینجا او بوده باشد مثل گوهر یا یا یا و بسط آنکه حرارت
 و بیست و نه مانع رطوبت نفسیه است و او را از تنقیه نفوس در زمین و کیهان و باطن و خارج و در بدن و در میان می باید
 که شکر کمال بر و گندم شسته باشد و در قوت او در بدن و در میان میبویست که این قوت است و انیست که او را از زمین
 را به طعم و قیامت می فطنت نموده باشد و او را قیامت اعمال آن بحسب اوقات حصول نزد و جمیع چون علاج اربعه و رطوبت
 پس استیفاءه نماید و مانع این پنج کسائی که در آخرین شب است را اول که اول باشد و بیشتر در این خصوص است و هرگاه علاج اربعه
 آن به برودت است که به بحسب اصل مزاج و چه بحسب این اتصال اینها از زمین و اتم و مانع است شلایه را و فی قیامت اعمال
 این و او جزو است مزاج انسان از رطوبت غریبه که لازمه این سبب است فی الجمله نفسیه در تنه باشد و بیست و نه است
 که وقت شیخوشت تصور باشد و از اینجا معلوم شد که بحسب مرقع وقت شیخوشت فایده بسیار از این مرتبه است و الا با وجود کثرت
 غریبی اگر رطوبت بوده باشد و موعودست در مزاج صفادی چون اصلاح بیست آن میکنند حرارت او را و در میان حدت و سورت
 فردی نشاند و در قیامت اعمال او در زمین از این الفع بسیار است و در طحال را از استعمال این و در این زمانه است
 بلکه نیم نیست به حرارت غریبه اینها منور رطوبت غریبه است و قیامت رطوبت این ریح نیز علاوه آن شود و محال است که حرارت غریبه
 منقصر شود که در آن تنه باشد و هر اقصی منزه عادت شوند و یعنی مزاجان را نیز خالی از غریبه نیست بلکه فرد و بسیار است
 خصوصاً و قیامت رطوبتی باشد به حرارت نفسیه این پنج در مزاج اینها تاثیر میسوزاند که در و از رجه رطوبت فسر بسیار است و قیامت
 و دوسه مزاجان را اگر در حالت صحت است و نیست که باین نحیست اعمال نمودن آن خالی از خطر و غریبه است اما
 هرگاه مزاج اینها از اعتدال منحرف شد باشد در غرض و نمودن بحالت اول بسیار و نمودن و حاد و خواهد بود و بهر حال و قیامت
 بحسب حصول و سطح بار و داخل خرفه طرفین ایشان و در سطح ایشان میان خرفه آنها آن در رستان خوب است
 در قد و غریبه است آن بحسب از نسجه که اطباء از این ریح رطوبت اعمال نموده اند و در قیامت آن اختلاف بسیار شده و قیامت
 حد و قیامت مقدار است و در رجه باشد و بخوراند که هر روز در شت مقدار است و در شت میشود و یعنی دیگر سید مقدار است و در شت
 بکار میبویست که هر روز با نوزده مقدار در شت و اینها مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است
 میبویست که هر روز در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است
 وزن مذکور را در یکین آب نوزده طمی که صد شت و مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است
 و شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است و در شت مقدار است

[illegible]

کوفته چوبه در سبب چون از اندر شترتی دافن بر پشت طبیعت نسخه دیگر لیک با لیک از دو لیک آله مجموعا شسته و از دو در کرده
 لیک رنگی و اینی را با خون سبیل سارون قهوه زعفران و سحر و خوجان شهری خوجان سدر کند و از فضل و تجلیل و امان می انخواه
 تخم زردک تخم شلغم چیز دو از بزرگان متعاقل بود و مندی اجزاء برابر چوبنی بقدر مجموع دارد و با غسل صاف بقوام آورده
 سجون کنند و در ظرف چینی نگاهد از اندر شترتی و نیم مثقال از هر یک دفع در دو شیخ آن است و هم طعام قناری بنظر سبب
 دیگر بسیار خسته دیگر از صندل شریعه که از تخم در خوجان یاده و کم کرده هفت آن چوبنی تازه شست و مثال
 سو رنجان شیرین ششدرم با بنی هر یک بوزیدان پوست بخت کثیر طبع از هر یک و درم پوست لیک از دو غنچه تخم کرم کرس
 تخم از این غنچه ستر از هر یک نیم درم و اینی نیم درم گسسته و تجلیل قافله کفیل از هر یک نیم درم تر بر جود است
 مشکله روغن بادام اندر کینه و درم زعفران پنج درم سبب که دن و دوشترتی مثقال هفت مثقال و روغن بادام سبب بسیار خسته دیگر
 صندل شریعه لیک با لیک است الک که در ظرف سارون و در دو لیک و فاسل قوت باه و قوت معضای قواله و فاسل نافع و موجب است
 صفت آن چوبنی از سود و شست و مثال سبب که با چوبنی نیمین و اینی سبیل سارون و غنچه و شترتی و فاسل نافع
 از هر یک مثقال غنچه و فاسل نافع از ششک غنچه شربت هر یک کلام که مثقال تجلیل زعفران از هر یک مثقال غنچه از هر یک
 ادویه سجون سازند و در دو مثقال ناشه خورند و نسخه دیگر از دوفای بن سارون که فاسل نافع و شترتی و فاسل نافع
 غنصل شوی ایرافرا سیدون زوفای خشک و خوجان شهری را سوس شونیز از هر یک و مثال تر بر بنید و صفت چهار
 مثقال میه سالیه میه یا بسته بود و نیم بری سافج سداب خشک یک پنج غنصل از هر یک مثقال پنج انجودان سدر از هر یک چهار
 مثقال بود چوبنی تجلیل چوبنی بسته مثقال و بعضی مثقال پنج کبریز اصفافه میکنند و به اجزاء کوفته چوبنی شربت از
 در هر که کینه بخسایند و در سالیه خشک کنند با روغن بادام تلخ بسته مثقال در روغن جویان و مثقال قریب کرده با ستر از هر یک
 گرفته سجون سازند شترتی بکتوله با این سجون به بند غنصل شوی که در سر که بر زده باشد یک چهار باد و چهار غنصل کف
 سکتب سارون از نسخه دیگر چوبنی در ظرف بقدر شش سیراب کنند و نیم سیر شاهی چوبنی مسوده آمیخته و در آن آب بسته
 یک ساعت را کنند بر آتش که بخوش در آید چون یکد و جوشن بخورد و یک و دو آرد و در آن دیگر آب بوش کرده و نیم یکد
 و بالا و دیگران بگذارد و بهرگاه که بخارد را باند کرسی که در میان سولافنی باشد و راه دیگر نهشته باشد لعل یک با سیراب آتش
 افزوده گذارد پس کسی که ببالا آن نهند و خیری بران روزن کرسی گذارند که راه بگذارد و با نبات لیل زن از هر یک راه
 کرسی شسته چاکر یا لحاف بر سر کنند چنانچه متغذیاد و نبات خیم از روزن کرسی دو سارند و کرسی یا هر قدر قوت که خواهد
 بنشینند تا بخاران و جمیع اعصار رسد و بوق در آید بعد از آن بر فاسته آهسته آهسته آن چادر را از خود دور سازند

که بسیار خلق است بهترین خوشتر من است حال چوبی چو شانه در آینه خیار انار آن نمک است چون نخل است بسیار
دارد و درین آن طبع مردم نمی نازک شد که دارد بسیار اندک است درین نمیشوند چوب است بر آن که نماز نمک است نمک است
گندم است چون طبع نمک بسیار نمک است لیکن چوبی که برود که روش بل برست طبع او فایده و غیره تمام خوردنی و پختنی
و عیبت به تاثیر پنج چوبی ترقی اذیت حلا باث مو است خوردن درین حالت در عروق غلیظه بنایت شود و نیز
چون بطریق که در میان آن مذکور شد خالی از اجزای از غلیظه است ممکن است که همین اجزاء در عروق غلیظه محبوس
و موجب انسداد گردد و حال آنکه غلیظه دفع شده و اذیت حلا باث است خصوصاً بمرگاه که دارد باسد و در آن که کف
همراه که در خوردن در حال چوبی است چوبی است تفاوت در عروق غلیظه نفوذ میکند بمرگاه که این مسدود است و باسد
احتمال و وقت در عروق غلیظه دارند و اندک علم بانصواب بیان چنان خطائی که از آن در بعضی از کتب قدیم بنویسند
و دیده شد بعد از این که تحقیق دان گرم و تر است بدرجه اول و محل آن خونج مذکوب باضم و تقوی قوی امش و در روح
مداومت آن رنگ است و بدن را نرم میکند و قوتش در باغ و سده و بگلر سید و در تمامهای طعام می آورد و در تمام
و بیشتر اعمالی نمک است در رفع بواسیر و قلع و بل سرفه و قس نفیس بسیار و مرست باغ انی است چوبی است و چوبی
خطائی است که اگر آب جویشیده و می محل آن نمک شیر را بنویسند و آب بکند و از آنکه هم آن نمک یا بطریق طبع آن چنانکه بنویسند
از آن دو میان پنج سیکر صاف باقی نماند و بمرگاه آب کمی کنند بمرگاه و در تمامهای باس همین بمرگاه بنویسند
همین قدر و میان خطائی که با دو توله و چوبی محل آن نمک و در تمامهای و دیگر پنج شش قوتش در اندک است و در تمام
کرده چند چوبی دیگر داده بمرگاه اگر هم در میان قوه و آن قبل حکما و تا آخرین بار دست زد بچوب و باس است و در تمام
و قلع است و اجزاء سرد می کنند و مرست قلع است و در تمامهای باس و در تمامهای باس و در تمامهای باس و در تمامهای باس
و بواسیر سرفه و قلع نفیس از آن دارد در رنگ تباه می سازد و در تمامهای باس و در تمامهای باس و در تمامهای باس
بسیار است لیکن بر آن بنویسند در طبعیان فربیت بخوابی و در طبعیان فربیت بخوابی و در طبعیان فربیت بخوابی
در طبعیان فربیت بخوابی و در طبعیان فربیت بخوابی و در طبعیان فربیت بخوابی و در طبعیان فربیت بخوابی
مشهور اند و بواسیر است که عده از ایشان فراموش آن ماده توله دنی و انبساط و نفیست از جهت فحشه
غیر فربیت اند و الا توله قاطع شهور است و قول از حکیم عماد الدین محمود شیراز است که در طبع توله هیچ شبه نیست
که با دریا بس است چون کیفیت بر غلبه است بعد از آنکه از توله در درجه نماند باشد اما آنکه در کیفیت تسادی
با یکی غالب است و توله است با یکی را آن فربیت است و بعد از آنکه از توله در درجه نماند باشد اما آنکه در کیفیت تسادی

از کیموس باز میماند و شکلی در شری جلد نهال بدن هم میرساند و بسبب تپش و شخوفت میشود و افاضل چند
پیدا میکند که علاج آن معتدل و معتدل باشد و در ترس یک گفت که شش را قوی ببرد قریب به نصف شش پیش می آید
و هیچ دوا در آنوقت حاضر نود و نزدیک مردن بود و اجابت دادم که تنباکو بکشد و دوا آن فرد و بر داند که
استعمال منفعت ظاهر شد چون دوفی ذاته محلل است پس دوا نیز محلل قوی بجای تنباکو یا شال این مرض
سکارا و میکند هر نفعی که از تنباکو است آید از هر دوی آید و چون کما سخن بحقیقت دفع اندیش اگر دوا آن
که تعلیق کبد و دماغ و معده و سایر اعضا قوی مناسب باشد بکشد یقین که با اعضا مذکور و نفع می رسد
و از نفع تنباکو محظوظ است و اندر عوز ترس نقل میگرد که شخصی استقاد داشت که از لبکه و دوز و معده او دار و شکم او
چنان ضعیف گشته بود که هیچ دوا را قبول نمیکرد و فیه بعد از فکر بسیار باین طبع شد که دوائی درین مرض
استعمال میشود و مقدار آنرا ده مشت اضافه کرده دوا آنرا در برگ تنباکو بکشد فیه عظیم ظاهر شد شیخ ارس
در قانن هبت دفع اسهال بحال مزمن فرمود که زراوند و مسکه و باز در کلام کشتعال با شغال یا زنجیر
ترکیب کرده و بارونش گاو خیم کرده و سیاه خیمه دوا آنرا بکشد این تجربه بر رسیده که در همان شب که دوا دفع مسکه
کمن میکند و عوز ترس نقل میکند که شش را از زهر و فتنه بسیار ترس کمتر شد و بود و خیالیه مطلقا از حصین بماند
بر افتاد و بود پس از غمده به بعد باوریدم و دیدم که کما بهت میکرد و از آن عزیز استفسار ایمنی بیدار تمام کرد
بر رسیدم او پلخ داد که یک مدته برگ تنباکو را با برگ تنباکو که او را در فارسی نجی بکشد گوشت شکسته با لبن
تنباکو کشیدم از خاصیت آن الله تعالی بینای بکمن ز زانی داشت و این از عجایب مهارت و نیز بکس
در یافته شد که مسلح تنباکو بجز شری نیست که بعد از دوزخ شد و دلیان نکه هرگاه یار چه بد و تنباکو رنگ پذیرد و بزم
شیر آنرا متراکز و دوا این تجربه را تمام رسیده و جوی برگ کاسه بنوازد و آب برنج شسته میوشان بعد از آن
بکار میبرند و گروهمی با سر که چو شایده بکشد و برخی با قندرا میخورد استعمال میکنند و فرقه باب نیز شسته جذب
ینمایند و جماعه قدر سه کاغذ براد افروخته بکار میبرند و این گردیده روشی است همچنین است اگر دوا نه
از کباب پیمنی در پیش داخل ساخته بکشد و افوق آنکه هیچ منفعتی دل باین ابتلائی دفعی آخر زمانی
نمیدارد و بتلائی پیلاست چنین غایب ناگهانی نگردد و هیچ آفریده را نشود و خوردش نسبت ای فریاد است آفریده